



دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

مهر و آبان ۱۳۹۸

قیمت ۳۰/۰۰۰ تومان

۳۶

The World of Energy Magazine



دست اندازهای صنعت ارزآور
و چالشهای موجود در ورود ارز به کشور



انجمن استصنا
بزرگترین تولیدکننده تجهیزات نفت ایران



کارشناسان، MTBE موجود در سوخت را
عاملی مهمتر از گوگرد می دانند

نمایشگاه صنایع
پایین دستی نفت

بهمن ۱۳۹۸ نمایشگاه بین المللی تهران

MOTOR OIL **Express**

PETRONIKAN ALBORZ COMPANY

BASE OIL . MOTOR OIL . HYDRAULIC OIL . GEAR OIL



www.expressmotoroil.com

کرج، میدان مادر، بلوار دانش آموز
ساختمان سوپر استار طبقه سوم، واحد ۱۱



Karaj, Madar square, danesh amooz
Boulevard, super star building,
3rd stair, number 11



026- 32756252-34275280



شرکت فراشیمی روز

FARASHIMIROOZ

هدف ما تامین رضایت مشتریان و پاسخگویی به نیاز آنها
می باشد شرکت فراشیمی روز به دنبال روابط طولانی مدت
و پایدار با مشتریان خود می باشد



فعالیت ها و امکانات شرکت به شرح زیر می باشد

- صادرات روغن پایه / روغن
- صادرات بیش از ۳۰/۰۰۰ تن قیر ماهانه به صورت فله و بشکه
- بسته بندی مظروف سازی ۲/۰۰۰ تن قیر بصورت روزانه
- مخازن با ظرفیت ذخیره سازی ۱۶۰۰۰ تن در بندر عباس و ۷۰۰۰ تن در بوشهر
- تنها شرکت با کشتی های حمل و نقل دریائی بالک با وسایل گرم کننده تا ۱۳۰ درجه
- ارسال زمینی و دریایی محموله از طریق کشتی های تحت مالکیت و اجاره شده توسط ما

شرکت فراشیمی روز

تهران ، بلوار نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به مدرس، پلاک ۲۴۴، برج اداری الهیه
طبقه ۵، واحد ۵۰۵ تلفن: ۲۶۲۱۲۸۵۹ فکس: ۲۶۲۱۲۹۸۹

www.farashimirooz.com
info@farashimirooz.com



beyond
the best
KUMHO POLYCHEM

نماینده رسمی
افزایش دهنده های ویسکوزیته
شرکت Kumho Polychem کره



نماینده رسمی روغن های پایه
هیوندای شل

گوش

شرکت گونش شیمی صنعت

شرکت گونش شیمی صنعت

وارد کننده و تامین کننده

مولد افزودنی

روغن موتور و روان کننده های صنعتی



Tel	۰۲۶ ۹۵۰۰۴۲۲۳-۶	+98 26 95004223-6
	۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۶	+98 26 34239686-9
	۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۸۸-۹	+98 26 34239693
Fax	۰۲۶ ۳۴۲۳۹۶۹۳	+98 21 43859461
	۰۲۱ ۴۳۸۵۹۴۶۱	

www.gunashchem.com
info@gunashchem.com

نشانی: کرج، مهرشهر، منطقه ویژه اقتصادی پیام، بلوار شهید بابایی، خیابان هشتم
Head Office: 8th Street, Babaei Blvd, Payam Special Economic Zone, Alborz province

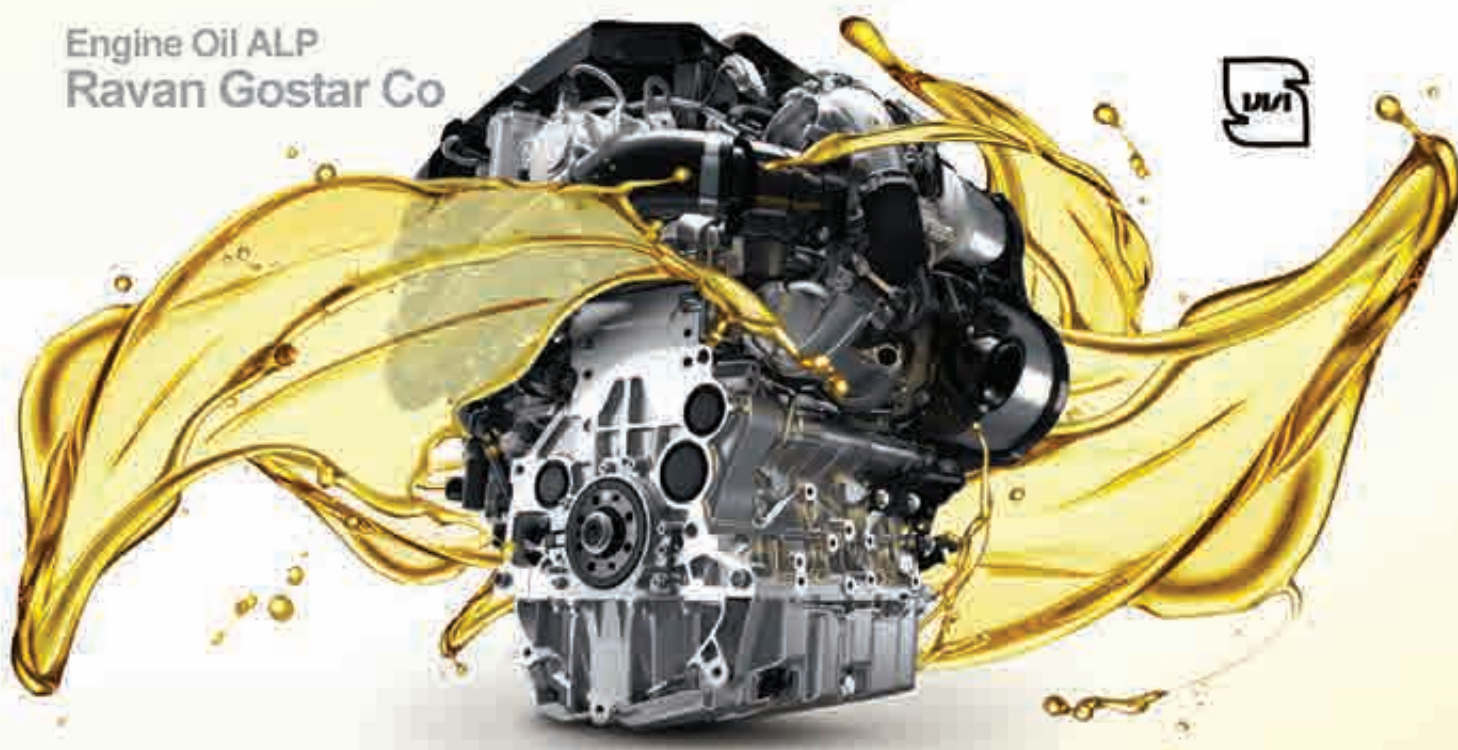


شرکت روان گستر

تولید کننده انواع روغن موتور
روغن صنعتی، روغن دنده، هیدرولیک و گریس



Engine Oil ALP
Ravan Gostar Co



info@alpmotoroil.com

www.alpmotoroil.org



Kian Tamin Iranian Co. Ltd.

Reg. No. 263828

شرکت کیان تأمین ایرانیان

- شرکت کیان تأمین ایرانیان صادر کننده فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران
- عضو اتاق بازرگانی ایران و اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

• فرآورده های صادراتی شرکت : روغن پایه (Base oil)، گریس (Grease)
اسلک واکس سبک و سنگین (Slack Wax heavy&light)، رابر پروسس اویل (R.P.O)
انواع پارافین واکس (Paraffin Wax)، فوتس اویل (Residue Wax)، انواع روغن موتور (Engine Oil)



گریس
Grease



پارافین واکس
Paraffin Wax



روغن پایه
Base Oil



رابر پروسس اویل
R.P.O

مدیر صادرات: خانم کیانا عبداللهی

آدرس: تهران، خیابان سعدی شمالی، نرسیده به منوچهری، کوچه تلگرافخانه، ساختمان ۲۵۸ طبقه ۴، واحد ۴۰۳
تلفن: ۸-۷۷۵۱۶۷۰۷ تلفکس: ۷۷۵۲۱۹۰۹ کد پستی: ۱۱۴۷۶۱۳۹۷۱

Unit 403, NO. 258, Telegrafkhane Alley, North Sa'adi St. 1147613971, Tehran-Iran
Email: kianoil.iranian@gmail.com



آب معدنی طبیعی ستاره لاهیج



سلامتی بنویسید

از چشمه معروف جین جیرخانی در ارتفاعات منطقه کاکوه کولاک آور شهرستان سیاهکل

دفتر مرکزی: لاهیجان - میدان بسیج - تلفکس: ۴۲۲۳۲۳۷۲ - ۴۲۲۳۵۷۶۹ (۰۱۳)

کارخانه: گیلان - سیاهکل - روستای کولاک آور - تلفن: ۵۸۵۲۴۹۷۰ (۰۱۳)

info@setarehlahij.ir



a production of
Setareh Lahij Refinery

Mellat

motor oil

روغن موتور ملت

SIGNAL GEM MAHTAB



دفتر تهران: خیابان وزراء - تلفن: ۸۸۷۱۶۲۱۳ - ۲۱

دفتر مرکزی: گیلان - لاهیجان تلفکس: ۴۲۲۳۷۰۷۷ / ۴۲۲۳۴۰۲۶ / ۴۲۲۳۹۹۴۵ - ۱۳

کارخانه: گیلان - لوشان - شهرک صنعتی جمال آباد

تلفن: ۳۴۶۱۰۲۰۰ - ۱۳ فکس: ۳۴۶۱۰۲۳۳ - ۱۳

تلگرام: ۹۳۵۵۸۴۸۱۷۷

Email: fatima9844@yahoo.com

www.mellatoil.com

شرکت افزون روان تأمین کننده مواد افزودنی صنعت روانکاری و روغن های پایه



شرکت افزون روان که در زمینه واردات و تأمین مواد افزودنی صنعت روانکاری و روغن های پایه فعالیت می نماید چندی پیش بیستمین سال فعالیت خود را جشن گرفت. سیدمجید طباطبائی رفیعی مدیرعامل این شرکت درباره تاریخچه روغن و شرکت افزون روان، موانع و مشکلات تولید و صادرات، قیمت گذاری و رقابت تولید کنندگان، شرایط کیفی روغن و ابداعات و نوآوری های این شرکت به سوالات خبرنگار دنیای انرژی پاسخ داد که در ادامه می آید:

«تاریخچه صنعت روغن موتور در ایران»

صنعت روانکاری عمدتاً انواع روغن موتور، روغن های صنعتی و گریس را شامل می شود، تا دهه بیست شمسی کلیه روغن ها از طریق واردات تأمین می گردید. در دهه سی اولین واحد روغن سازی و

گریس در پالایشگاه آبادان تأسیس گردید و سپس در دهه چهل به ترتیب شرکت نفت پارس و شرکت نفت بهران با همکاری شرکت های شل و اسو در تهران ایجاد گردیدند. در دهه پنجاه واحدهای شماره یک و دو پالایشگاه تهران و در دهه هفتاد

پالایشگاه اصفهان توسط شرکت ملی نفت ایران مورد بهره برداری قرار گرفتند و بنظر طبق شنیده ها از قدیمی های این صنعت، اولین شرکت تصفیه دوم نیز با همکاری آلمانی ها در دهه سی فعالیت داشته است. پس از انقلاب اسلامی و همچنین

خصوصی سازی، کلیه پالایشگاه های تولید روغن به نهادهای عمومی شامل بنیاد مستعان، ستاد اجرایی فرمان امام، شستا، آستان قدس و صندوق سرمایه گذاری صنعت نفت واگذار گردید. تا زمان قبل از خصوصی سازی برنامه ریزی تولید و تأمین انواع روغن ها توسط شرکت ملی نفت ایران انجام می گردید و در امور کیفیت، پژوهشگاه صنعت نفت با تجهیز آزمایشگاه ها بر تولید روغن به موازات مؤسسه استاندارد نظارت داشت. در دهه شصت، به علت جنگ تحمیلی روغن ها عمدتاً در سطح SB و به صورت کوپنسی توزیع می گردید کمبود آن از طریق واردات توسط شرکت ملی نفت ایران تأمین می گردید. و میزان مسافت طی شده توسط صاحبان خودرو برای تعویض روغن بطور میانگین بالغ بر هزار کیلومتر بود و خوراک کلیه واحدهای روغن سازی بنام لوبیکات از پالایشگاه ها تأمین می گردید و میزان مصرف سالیانه به صورت تخمینی بالغ بر پانصد هزار تن بود.

«شرکت افزون روان، تأمین کننده روغن پایه»

شرکت افزون روان یکی از شرکت های تابعه گروه صنعتی و بازرگانی افزون می باشد که به صورت تخصصی در زمینه واردات و تأمین مواد افزودنی صنعت روانکاری و روغن های پایه فعالیت می نماید. در سال های ۸۴ و ۸۵ شرکت های بازرگانی فقط برای صادرات روغن های پایه ترکمنستان و ازبکستان فعالیت داشتند ولی افزون روان اولین شرکتی بود که با تأمین و اجاره مخازن برای ذخیره سازی روغن های پایه کشورهای فوق اقدام نمود و بدین طریق کمک شایانی به برنامه ریزی شرکت های تولید کننده روغن نمود. در سال ۱۳۸۹ برای همکاری و اخذ نمایندگی از شرکت های بین المللی برای واردات و تأمین روغن های گروه پایه ۲ و پایه ۳ مذاکرات متعددی انجام شد و نهایتاً به قرارداد نمایندگی شرکت پتروناس مالزی با شرکت افزون روان

انجامید. در این دوران با بهبود حمل روغن های پایه از طریق بالک و به وسیله کشتی برای کاهش هزینه های حمل توفیقی حاصل شد که این همکاری با شروع تحریم ها متوقف گردید. در این

افزایش ناگهانی قیمت لوبیکات، برنامه ریزی صادرات روغن پایه را مختل می نماید و افزایش قیمت روغن پایه داخلی گروه، تولید صنایع کوچک را مختل می کند. و از این آشفته بازار معمولاً فرصت طلبان و سودجویان بهره اصلی را می برند

سال ها برای ارتباط موثر با بهترین تأمین کنندگان جهانی مواد افزودنی، شرکت افزون روان برای ارائه خدمات مالی و اعتباری به مشتریان و بر حسب درخواست مشتریان به صورت ارزی و یار مالی پاسخگوی نیاز آنان بوده است. این شرکت همچنین کالا را متناسب با تقاضای مشتریان در مبادی ورودی کشور و یا درب کارخانه تحویل داده و با تأمین موجودی کافی برای تحویل سریع کالا جهت برنامه ریزی تولید صنایع کوچک قدم های ارزنده ای برداشته است. پیش بینی تأمین موجودی انواع مواد افزودنی برای رفع حالت اضطرار و برنامه ریزی نشده صنایع بزرگ نیز از نقاط قوت شرکت افزون روان محسوب می شود.

«موانع و مشکلات تولید و صادرات در خصوص قیمت گذاری و رقابت تولید کنندگان روغن»

تولیدات صنعت روانکاری ایران توسط چهار شرکت بزرگ که متعلق به نهادهای عمومی



هستند به بازار عرضه می گردد. این شرکت ها روغن پایه از نوع گروه I تولید می کنند که از قدمت این تکنولوژی بیش از شصت سال می گذرد. با توسعه تکنولوژی موتور ها در انواع خودرو و تجهیزات کارخانجات صنعتی و معدنی، نیاز به استفاده از انواع روغن های پایه گروه II و III در حال افزایش می باشد و هم اکنون از طریق واردات از کشورهای خاورمیانه و آسیای شرقی که اکثر آنان اصولاً جزء کشورهای نفتی محسوب نمی شوند تأمین می گردد. بنابراین کاهش نیاز به روغن پایه گروه I و افزایش نیاز به روغن های پایه گروه II و III مهمترین چالشی است که صنعت روانکاری کشور با آن روبروست و مشخص نیست چه ارگانی برای مدیریت این چالش بایستی برنامه ریزی نماید. شرکت ملی نفت ایران نیز پس از خصوصی سازی و واگذاری واحدهای روغن سازی برنامه ریزی و اجرای این وظیفه را ادامه نداده است. البته یادآور میشود که بازیگران اصلی صنعت روانکاری اظهار می نمایند که انتقال تکنولوژی برای تولید روغن پایه های گروه II و III مشمول تحریم می باشد و نتوانسته اند در این زمینه سرمایه گذاری نمایند. در خصوص قیمت گذاری زنجیره محصولات در صنعت روانکاری، ناهماهنگی قیمت گذاری کاملاً آشکار است. قیمت خوراک صنایع تولید روغن پایه بنام لوپکات توسط پالایشگاه های صنعت نفت تعیین می شود. قیمت روغن پایه گروه I که به عنوان خوراک مواد اولیه برای صنایع کوچک تولید روغن تأمین می شود توسط هیئت مدیره چهار شرکت بزرگ تولید کننده اتخاذ میشود. قیمت محصولات نهائی انواع روغن موتور بنزینی و دیزلی توسط سازمان حمایت از مصرف کننده بررسی و اعلام میشود و قیمت محصولات نهائی برای روغن ها با برند خارجی از حیطه قیمت گذاری خارج می باشد. بنابراین می توان حدس زد که هر یک از این نهادها و بنگاه ها با افزایش قیمت ارز و یا افزایش هزینه ها برای تغییر قیمت ها اقدام نمایند. بدیهی است که هر یک فقط به اهداف مؤسسه خود توجه خواهند داشت و این ناهماهنگی مستمراً معضلاتی را برای صاحبان وسائط نقلیه سنگین و صنایع کوچک فراهم می آورد. به طور مثال افزایش ناگهانی قیمت لوپکات، برنامه ریزی صادرات روغن پایه را مختل می نماید و افزایش قیمت روغن پایه داخلی گروه I، تولید صنایع کوچک را مختل می کند. و از این آشفته بازار معمولاً فرصت طلبان و سودجویان بهره اصلی را می برند. اگر به تعداد ۷۰۰ پروانه بهره برداری که برای صنایع کوچک صادر شده است نگاهی بیاندازیم مشاهده می کنیم که فقط نیمی از آنان با ظرفیت نسبتاً کم فعالیت می نمایند و مابقی تعطیل و یا تغییر کاربری داده اند. بنابراین برای مدیریت چالش قیمت گذاری محصولات صنعت روانکاری، خلاء ناشی از نبود هماهنگ کننده

قیمت زنجیره محصولات نهائی بایستی برطرف شود. شرکت افزون روان از هر گونه واردات روغن پایه گروه I برای عرضه در بازار داخلی و رقابت با چهار شرکت بزرگ تولید کننده روغن پایه گروه I از زمان تأسیس تاکنون احتراز جسته است و حتی با ایجاد تأسیسات پایانه بندری برای همکاری جهت نگهداری و صادرات روغن پایه گروه I اقدام نموده است و در تمام این دوران برای تأمین و واردات روغن های پایه گروه II و III از کشورهای مختلف برای خوراک صنایع بزرگ و کوچک کوشش خود را بکار برده است. شرکت افزون روان با تأمین این گروه از روغن های پایه کمک شایانی را برای تولید برخی روغن های صنعتی مانند کمپرسورها و روغن های خاص نموده است.

« کیفیت محصولات روغن و مصرف کنندگان وضعیت فعلی

به علت تحریم ها ارتباط مستقیم با تأمین کنندگان اصلی مواد افزودنی تضعیف و یا بعضاً متوقف گردیده است و زمینه را برای سوء استفاده از واردات مواد افزودنی با برندهای مشابه و یا عدم انجام بازرسی در مبدأ چه برای شرکت های ناشناخته در سطح جهانی و چه شرکت های بازرگانی

داخلی فراهم آورده است. ارایه برخی از مواد افزودنی با قیمت های ارزان تر، عرضه محصولات شرکت افزون روان را که با رعایت اصول مدیریت کیفیت و بازرسی در انجام کل فرآیند، هزینه های بیشتری را متحمل می شود با مشکل مواجه می نماید. خوشبختانه مؤسسه استاندارد به این امر توجه نموده و اقدام هائی را شروع نموده است که شرکت افزون روان برای همکاری تنگاتنگ با این مؤسسه اعلام آمادگی کرده است. عدم دقت در تأمین روغن های پایه با مشخصات مورد نیاز فرمولاسیون برای تولید روغن ها از مواردی است که موجب کاهش کیفیت محصول نهائی می گردد، و بدین خاطر کاهش کیفیت را ایجاد می کند که غالباً یا از منابع ناشناس و یا ترکیب آنها با فرآورده های سوختی و یا اشکال در روند تولید روغن پایه در مراحل تصفیه اول و دوم صورت میگیرد. نکته دیگر در مورد بسته بندی محصولات نهائی است که تحویل آن به صورت فله یا بالک و بشکه می تواند زمینه را برای سوء استفاده و کاهش کیفیت فراهم نماید و آخرین نکته بسته بندی در گالن های بیست لیتری، پنج و چهار لیتری است که با فرصت طلبی و سوء استفاده از برندهای

معروف توسط متقلبان صورت می گیرد که تسریع در امور رسیدگی توسط قوه قضائیه و برخورد شدید با آنان را می طلبد. نهایتاً اگر بخواهیم در مورد کیفیت روغن صحبت نماییم، می توان گفت اگر مصرف کنندگان در هر بخش از زنجیره تولید با آگاهی کامل، مواد افزودنی، روغن پایه، روغن نهائی با بسته بندی را انتخاب نمایند می توانند از کیفیت محصول اطمینان خاطر داشته باشند و تأکید می کنم محصولات روغن موتور و روغن های صنعتی تولید داخل از نظر کلاس کیفیت با برندهای خارجی رقابت می نمایند.

« نوآوری ها و ابداعات شرکت افزون روان در دو سال

شرکت افزون روان تجارب فراوانی را بدست آورده است و هدف محوری خود را بر پایه توسعه کیفی و کمی خدمات زنجیره تأمین کالا پایه ریزی کرده است. این خدمات از مرحله شناسائی دست یابی به بهترین منابع تأمین کنندگان آغاز می شود و مراحل زنجیره خدمات را در بخش های بازرسی در مبدأ، حمل و نقل دریائی و زمینی، نگهداری در پایانه های بندری، مدیریت کیفیت ارائه خدمات مهندسی فروش، برگزاری کلاس های آموزشی تخصصی و تا آخرین مرحله در زمان کاربرد مصرف مواد افزودنی برای تولید در محل کارخانه ها و صنایع انجام میدهد. ایجاد این مزیت شایستگی افزون روان، دیدگاه تأمین کنندگان معتبر بین المللی را جهت بهره گیری از کیفیت این زنجیره خدمات، برای گزینش و انتخاب همکار در حوزه منطقه ایران و خاورمیانه بیش از پیش جلب نموده است و متقابلاً صنایع کشور نیز با اظهار رضایت از دریافت خدمات عرضه شده، آمادگی خود را برای همکاری بلند مدت با شرکت افزون روان اعلام نموده اند. شرکت افزون روان با بهره برداری از پایانه بندری خود برای توسعه صادرات در سال های آتی کوشش خواهد نمود و برای بررسی تولید مواد افزودنی در بخش بلندینگ کامپوننت ها با ایجاد واحد تحقیق و توسعه و جلب همکاری کارشناسان زبده کشور سرمایه گذاری خواهد نمود. این شرکت با پشتوانه سرمایه های انسانی خویش، پیش بینی نموده است که نقش رهبری زنجیره خدمات بازرگانی را در صنعت روانکاری کشور در جایگاه یک برند مورد اعتماد تا سال ۱۴۰۴ بدست خواهد آورد و با همکاری تأمین کنندگان بین المللی، پل ارتباطی تکنولوژیک با شرکت های تولید کننده داخلی را برای ایجاد نوآوری های جدید در توسعه صنعت روانکاری کشور فراهم خواهد نمود.

تحولات بازار نفت و سیاست های اشتباه کشور

دکتر سید حمید حسینی - مدیر مسئول

گزارش صندوق بین المللی پول حاکی است که به علت کندی رشد اقتصادی جهان تقاضای نفت کاهش خواهد یافت و "سال بدی" در انتظار نفت خواهد بود، از سویی دیگر وزارت انرژی آمریکا مدعیست که این کشور در سال ۲۰۲۰ به صادرکننده خالص نفت تبدیل خواهد شد. کار تال نفتی اوپک و حتی اوپک پلاس در این شرایط کار کرد خود را در تنظیم بازار نفت و کنترل قیمت از دست خواهند داد و اوپک فقط میتواند "کف قیمت نفت" را تعیین کند و سقف آن در دست "نفت" خواهد بود. انقلاب شل باعث شد که توازن در بازار نفت بهم خورد و افزایش تولید نفت که نیاز به سرمایه گذاری کلان داشته و ده سال زمان خواهد برد با حداقل سرمایه گذاری و در مدت چندماه امکان تولید خواهد داشت. لذا شاهد آن هستیم که نفت به عنوان یک "کالای سیاسی و امنیتی" اهمیت استراتژیک خود را از دست داده و "مخاطرات ژئوپلیتیک" نیز از بلند مدتی بر بازار نفت ندارد، اتفاقاتی نظیر حمله به نفت کش ها، توقیف نفت کش انگلیسی در خلیج فارس، ساقط شدن پهباد بریکایی، حمله به تاسیسات نفتی ارامکو و اصابت موشک به نفت به نفت کش ایرانی هم بازار نفت را با شوک مواجه نکرد و قیمت ها در محدوده ۶۰ دلار باقی مانده است. با توجه به کاهش نقش نفت در اقتصاد جهانی و رقابت بین بازیگران بزرگ این بازار (امریکا، روسیه و عربستان) شانس ایران برای بازگشت به بازار جهانی نفت روز بروز کمتر میگردد و اگر تا پار سال کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و جداسازی بودجه دولت از نفت یک ایده ال و آرزو بود اکنون تبدیل به اجبار شده است و مجبوریم بودجه سال آینده کشور را بدون در آمد صادرات نفت خام تدوین نماییم. درآمدهای ۶ ماهه اول امسال بودجه کشور با سی درصد کسری مواجه می باشد که عمده آن به علت کاهش شدید صادرات نفت و میعانات می باشد. امید است با صادرات حداکثری گاز، فرآورده های نفتی و پتروشیمی بتوانیم بخشی از کسری در آمد را جبران نماییم. در این شرایط دولت و مجلس تلاش های جدی را آغاز نموده و جهت عبور از تحریم ها و رونق بخشییدن به اقتصاد کشور اقداماتی به شرح زیر را در دستور کار دارد که با سر نوشت بخش خصوصی و اقتصاد کشور رابطه تنگاتنگی دارد و لازم است که با حساسیت بیشتری پیگیری گردد. ● شرکت نفت با عرضه انواع فرآورده های شل شورای اسلامی وزارت نفت را مکلف نموده است که بستر مناسب (خوراک اعتباری و صدور مجوز) را جهت توسعه دومیلیون بشکه ای ظرفیت پالایشی کشور برآمیه مردمی را فراهم نماید. ● سازمان خصوصی سازی و وزارت اقتصاد برنامه ریزی جدی جهت خصوصی سازی پالایشگاهها و پتروشیمی ها و بعضا خصوصی سازی مجدد آنان را در دستور کار داده اند. ● خصوصی سازی های نامناسب در شرکت هایی نظیر هپکو، هفت تپه، آذرب، ماشین سازی تبریز و اعتصابات کارگری و نقبگرد کشور در خصوصی سازی شده و این واحدها در حال واگذاری مجدد به نهادهای دولتی و حاکمیتی میباشند. ج: باروند شکل گیری این موارد مشکلات عظیمی را برای کشور ایجاد کرده است. ● در شرایطی که کشور به درآمدهای صادراتی شدیداً نیازمندی می باشد و صادرات فرآورده های پایین دستی نفت از قبیل روکربور، روغن، قیر، پارافین، و گاز مایع میتواند درآمد ۴ میلیارد دلاری برای کشور داشته باشد، با واگذاری تعیین قیمت خوراک این واحدها به انجمن صنایع نفتی با چالش جدی مواجه شده است. متأسفانه بی توجهی این انجمن به تالطم های مقطعی صنایع نفت و فرآورده، در اواخر شهریور ماه باعث افزایش شدید این محصولات در منطقه گردید و باعث اختلال در صادرات محصولات فوق شد. اتحادیه در راستای وظیفه "نماینده گی اعضا" و حمایت از آنان اقدام به گفتن های فوب خلیج فارس را ناصواب و غلط دانسته و قرار دادن قیمت واقعی فروش نفت خام و فرآورده ها در فرمول قیمت گذاری را پیشنهاد نمود. خوشبختانه به به کاهش قیمت فرآورده ها در منطقه، قیمت خوراک واحدهای پایین دستی تعدیل گردید ولی همچنان پیگیر اصلاح فرمول قیمت گذاری مدنظر می باشد. اگر چه اراده وزارت اقتصاد بر خصوصی سازی مجدد پالایشگاهها و واگذاری سهام دولت و شستا به بخش خصوصی میتواند راهگشا باشد و برای ناگواری مبنی بر تکه تکه کردن پالایشگاهها و واگذاری واحدهای فرایندی (واحد بنزین سازی، واحد گازوئیل، گاز مایع، نفت کوره بوتیلیتی ...) به بیرسد که به هیچ وجه با طبیعت صناعی پالایشی و پتروشیمی سازگار نیست، تجربه واگذاری نیروگاهها به افراد مختلف، باعث "کاهش بهره وری" و "افزایش های تعمیر و نگهداری" شده است. متأسفانه دولت تجربه موفق ایجاد "هلدینگ خلیج فارس" در صنعت پتروشیمی را نادیده گرفته و حتی تکلیف واگذاری های پالایشی به عموم مردم از طریق بورس را به فراموشی سپرده و در مواردی هم که از طریق بورس اقدام نموده به دنبال فروش بلوکی بوده تا در آمد بیشتری نماید و مزایای "گسترش مالکیت عمومی" و "جمع آوری نقدینگی" را در نظر نمیگیرد و لذا این مسیر به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و ضرورت کارشناسان و استفاده از سرمایه های مردمی "که اخیراً توسط مجلس تصویب شده تهیه نموده که عملاً سد کننده راه بخش خصوصی خواهد بود و هیچ کمکی جهت واحدهای پالایشی (هیدروکربوری) و قیرسازی کشور نخواهد کرد، در این طرح اولاً تأکید شده که واحد پالایشی باید از ضریب پیچیدگی بالا برخوردار باشد و تولید فرآورده های سنگین (نفت کوره، و کیوم باتوم و ...) آن ده درصد باشد، در حالیکه هیچیک از پالایشگاههای فعلی کشور این ویژگی را ندارند و اصولاً قیرسازی شامل این مزایا نخواهد شد و مزیت ایران در این رابطه نادیده گرفته شده است. ضمناً در این آیین نامه مجری پروژه را مکلف نموده که سی ام پروژه را در بورس عرضه نمایند که این شرط تحمیلی می باشد و کمکی به توسعه بخش پالایشی کشور نخواهد کرد. سیاست ها و تصمیمات فوق در تبدیل تهدید (تحریم) به فرصت طراحی شده است ولی در عمل باعث فریب شدن بخش حاکمیت و تحمیل هزینه و ناکارآمدی بخش نفتی کشور خواهد شد. از چند سال مجبور به تجدید نظر در آن خواهیم شد و لذا راه صواب آن است که مطابق قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار با بخش خصوصی مشورت گردد و تصمیمات منطقی و علمی متناسب با شرایط جهانی و کشور اتخاذ گردد.



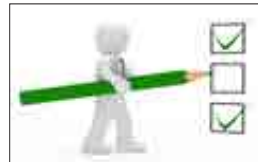
از دهها هفتاد ساله می شود

صفحه ٤٨



لزووم ماركتينگ و برندينگ
فعاليت OPEX و اعضاي آن

صفحه ۵۴



اهمیت و مزایای آن

صفحه ۵۸



Huge Independent Refiner Prepares For Revolution In Markets

صفحه ۶۹



LNG Investments Hit Record In 2019

صفحه ۷۴



سهم حداقلی بخش خصوصی در تولید و تجارت، واردات و صادرات!

صفحه ۱۴



دست اندازهای صنعت ارز آور وچالش های
موجود در ورود ارز به کشور

صفحه ۲۲



کاریمای نفت و یک معادله

صفحه ۳۴



انجمن استصنا، بزرگترین سازندگان تجهیزات صنعت نفت

صفحة ۳۶



سوریه، سال‌های جنگ سال‌های بازسازی

صفحه ۴۲

📍 تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتوح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

 WWW.OPEX.IR

 MAIL@OPEX.IR

88508250 

88511611

منفعت طلبی، منافع ملی



امیر عیاس امامی
سر دبیر

در طی برگزاری سیزده دوره همایش بزرگ و سراسری اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفتی مضامینی همچون توسعه صادرات قانون محور و بدون رانت، بخش خصوصی حکمرانی ملی و دیپلماسی اقتصادی، صادرات، پیشران رونق اقتصادی، بخش خصوصی و فرصتهای پیش رو و ... به عنوان دغدغه های جداناپذیر بخش خصوصی واقعی در حوزه فرآورده های نفتی حائز اهمیت بوده و همایش های این چنین اگر چه بازخورد موثر و چندانی در اهمیت دهی دولت و وزارت نفت به تشکل های مهجور خصوصی ایجاد نکرده است اما قطع به یقین ذهن مطالبه گر این بخش، در نهایت توانسته است با یکسان سازی آراء و تفکرات کلیه بخش های خصوصی نفت و فرآورده های نفتی در حوزه تجهیزات، تولید و صادرات سهم خود را از تیول داری اقتصادی دولت تا حدی بازستاند.

در اولین جلسه کار گروه همایش چهاردهم اوپکس که طی ماه قبل برگزار شد بیان محتواهایی همچون حمایت از رونق تولید و صادرات، اهمیت دادن به تجارت بین المللی، جلوگیری از خام فروشی نفت، انسجام و مشارکت و هم افزایی و برجسته ترین این موضوعات "تغییر" از سوی اندیشمندان این کارگروه پیشنهاد گردید اما با بررسی شعارهای همایش های سال های قبل و نقطه نظر تغییر در تمامی ابعاد برگزاری همایش که در اولین جلسه کارگروه پیشنهاد شد به نظر می رسد مطالبه گری پی در پی اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفتی در طی گذشته و حال، اگر چه توانسته است در تصمیم گیری های دولت و وزارت نفت تاثیر گذار باشد اما به نوعی بخش خصوصی را از نگاه دولت، منفعت طلب و در همین راستا و گاهی برضد منافع ملی به شمار آورده است.

به نظر می رسد خارج از مباحث توسعه صادرات، رونق تولید و یا تامین نظرات بخش خصوصی، باید وحدت رویه و "بسپارشی" میان آحاد تشکل های خصوصی حوزه نفتی برای تغییر نگاه دولت ها ایجاد گردد و برای نیل به این هدف بخش خصوصی واقعی باید "منافع ملی" را در تبیین شعار و اهداف خود ارجح بداند. موضوعی که دولت نیز در تربیون های خود بدان اشاره داشته و در تامین منافع ملی کشور تنها خود را یکه تاز این عرصه می داند. در صورتی که سهم بخش خصوصی از تامین منافع ملی مورد تایید و نظر دولت قرار بگیرد و به آن اذعان بدارد خواسته یا ناخواسته جایگاه بخش خصوصی در تامین، تولید و صادرات فرآورده های نفتی به عینیت رسیده و در صف آرای واحد با دولت و وزارت نفت در حصول منافع ملی قرار خواهد گرفت.



هادی ابراهیمی
دبای انرژی

اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی ایران به عنوان مهم ترین رویداد کشور در زمینه صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی، فرصت بسیار مغتنمی است تا شرکت های فعال داخلی و بین المللی، دستاوردها و خدمات خود را در معرض بازدید دست اندر کاران و متخصصان این عرصه قرار دهند و بادر نظر گرفتن روند تقاضای بازارها و سمت و سوی رشد این عرصه، فعالیت ها و نوآوری های آتی خود را معرفی نمایند. این نمایشگاه با محوریت بخش خصوصی و با حمایت شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی پالایش و پخش ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شکل گرفته است. افزایش ارتباط و آگاهی فعالان بخش نفت، گاز

و پتروشیمی از بازار صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات آن، ارائه توانمندی های داخلی در حوزه های تولید و صادرات فرآورده های نفتی، تولید و صادرات تجهیزات نفتی، تولید و صادرات نوآوری های نو در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، برگزاری کارگاه های آموزشی، نشست های B2B و همایش های تخصصی جانبی، فراهم کردن زنجیره تأمین همچنین فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تعاملات بین الملل از اهم برنامه های پیش بینی شده در این دوره از نمایشگاه است. خوشبختانه در گام اول بازخورد بسیار خوبی از برگزاری این نمایشگاه از سوی تشکل ها و انجمن های فعال در حوزه صنایع پایین دستی نفت، سازمان ها و نهادهای دولتی و شرکت های داخلی و بین المللی حوزه نفت، گاز و پتروشیمی به دست آمده و مطمئناً این رویداد می تواند در کوتاه ترین زمان ممکن به یک برند معتبر در عرصه داخلی و بین المللی تبدیل شود. اولین جلسه شورای سیاستگذاری این نمایشگاه با حضور نمایندگان از روابط عمومی وزارت نفت و شرکت های تابعه، انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران (ستصا)، انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران (استصنا)، انجمن شرکت های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی (اپک)، انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش نفت، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، نماینده سازمان توسعه تجارت ایران و شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی تهران، اعضای هیئت مدیره اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران به عنوان سیاست گذار و شرکت راهکار تجارت مدیریت کوشا به عنوان مجری برگزاری نمایشگاه برگزار شد و اهداف برگزاری نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی توسط بخش خصوصی تشریح گردید و گزارشی از روند دریافت مجوز برگزاری این نمایشگاه ارائه داده شد. در این نشست و طبق آرای حاضرین در جلسه، محمد ناصری مشاور مدیر کل روابط عمومی وزارت نفت به عنوان رئیس شورا، مجتبی اسلامی دبیر کل انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران (استصنا) به عنوان نائب رئیس، سعید رفیعی فر به عنوان دبیر این شورا انتخاب شدند همچنین اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران به عنوان دبیرخانه این شورا انتخاب شد. بر این اساس به آگاهی می رساند، اولین دوره این نمایشگاه بین المللی در تاریخ ۱۳ لغایت ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۸ در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار خواهد شد و ستاد برگزاری نمایشگاه قصد دارد با رویکردی متفاوت خدمات ویژه ای را جهت معرفی شایسته و مناسب علاقه مندان به مشارکت در این نمایشگاه ارائه نماید. امیدواریم که برگزاری این رویداد بزرگ با همکاری کلیه دست اندر کاران این صنعت، گامی روبه جلو در راستای رونق تولید و توسعه صادرات و انعکاس هر چه بیشتر توانمندی های شرکت های حاضر در داخل کشور و در عرصه بین المللی باشد.



سهم حداقلی بخش خصوصی در تولید و تجارت، واردات و صادرات!

مهدی میراشرافی دانش آموخته لیسانس دانشکده امور اقتصادی در رشته امور گمرکی و بورس گمرک و دکترای مدیریت بازرگانی از جمله مدیران گمرکی است که هم تحصیلات مرتبط داشته و هم بنا به گفته خود، مراحل پیشرفت مدیریتی را از کارآموزی گمرک آغاز کرده و در طی ۲۵ سال فعالیت در سمت‌های ارزیاب، کمک کارشناس، کارشناس، رئیس سرویس ارزیابی گمرک، معاون فنی، مدیر، مدیر کل بازرسی گمرکات کشور هم‌اکنون عهده‌دار معاونت وزیر و ریاست کل گمرک کشور می‌باشد. گفتگوی خبرنگار دنیای انرژی را که در دفتر کار وی صورت گرفت می‌خوانیم:

«روند تجارت کنونی ایران را در مقایسه

با کشورهای موازی با ما از لحاظ توسعه

تجارت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● سؤال خوبی است. برای پاسخ دادن آن باید نیم‌نگاهی به تاریخ داشته باشیم. قرن نوزدهم با پیدایش ماشین بخار، اروپا بیشترین بهره را از تجارت جهانی داشته است و باعث تولید انبوه و مکانیزه شدن تولید در جهان گردید و در قرن بیستم با شعله‌ور شدن دو جنگ جهانی، آمریکا

خارجی، بهره‌وری و تولید به اندازه حجم تجارتی رشد نداشته‌اند و در حال حاضر تجارت یکی از پرسودترین بخش‌های اقتصادی را در جهان شامل می‌شود. این حجم از تجارت جهانی در آسیا نمود ممتازی دارد. کشور چین با بیش از ۲ هزار میلیارد دلار مقام اول صادرکنندگان دنیا را تصرف کرده است و بزرگ‌ترین بندر صادراتی جهان با ۴۰ میلیون TEU ظرفیت کانتینری در شانگهای واقع شد است. بندر جبل علی امارات با ۱۴ میلیون TEU ظرفیت کانتینری هفتم دنیا و بندر شهید رجایی تا قبل از تحریم‌ها با ۴ میلیون TEU ظرفیت مقام پنجاهم جهان را داراست. با نگاهی به آمارهای متنوع می‌توان ادامه داد که آمریکا با ۱۵۰۰ میلیارد دلار صادرات مقام دوم را به خود اختصاص داده است و جالب است بدانیم کشور هلند با ۴۰ هزار کیلومتر مربع و بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار صادرات مقام ششم تجارت

جهانی را کسب کرده است و یا کره جنوبی با ۶۰۰ میلیارد دلار مقام پنجم را داراست. امارات ۳۲۰ میلیارد دلار، عربستان ۲۹۰، ترکیه ۱۸۰ و ایران با صادرات نفت و غیرنفتی خود حجم ۱۰۰ میلیارد دلاری را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۹۷ نیز ۴۴ میلیارد دلار صادرات و ۴۲/۸ میلیارد دلار واردات داشتیم که ۱/۲ میلیارد دلار بالانس مثبت داشتیم در ۵ ماهه نخست سال جدید، ۱۷/۸ میلیارد دلار صادرات و ۱۷/۷ میلیارد دلار واردات بوده است. در خصوص صادرات فرآورده‌های نفتی باید عرض کرد که در ۵ ماهه سال ۹۸، به لحاظ وزنی صادرات ۶۰/۷ میلیارد تن و ۳۰٪ نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش وزن داشتیم که از لحاظ ارزشی ۹٪ کاهش نشان داده است و یکی از دلایل این کاهش این است که ارزش‌هایی که به گمرک اظهار می‌شود موردبازنگری گمرک قرار گرفته‌اند. با توجه به این آمارها خوشبختانه کشورمان با وضعیت وخیم تحریم‌های ظالمانه توانسته است به جایگاهی در خور دست یابد.

کالای اول صادراتی کشور در فرآورده‌های نفتی، پتروشیمی بوده و از لحاظ وزی ۲۵/۹ میلیون تن از مجموع صادرات فرآورده‌ها، محصولات پتروشیمی بوده است. میعانات گازی در مقام دوم و سایر کالاها در مقام سوم قرار دارند. با توجه به حجم وسیع انرژی در کشور که مزیت نسبی و در مواردی مزیت مطلق دارد شایسته است که حجم صادرات از لحاظ وزنی و ارزشی ارتقاء یافته و نفت و گاز ایران در رنکینگ صادرات فرآورده‌های نفتی جهان جایگاه مطلوبی را به دست آورد.

«با توجه به مقاصد صادراتی ما که عمدتاً کشورهای همسایه هستند اهمیت بحث کیفی محصولات صادراتی تا چه اندازه به آن توجه شده است؟»

● کالاهای پتروشیمی کشور ما از لحاظ کیفیت بسیار بالا بوده است و یکی از دلایل عدم تحریم

این صنعت نیز اهمیت ویژه به کیفیت بوده است؛ اما یکی از گلوگاه‌های ما در صنعت پتروشیمی، خام‌فروشی است و نیاز است که صنایع پایین‌دست پتروشیمی ایجاد گردد که همین صنایع می‌توانند ده‌ها برابر در این صنعت کالا با ارزش افزوده ایجاد کنند. دلیل ابراز این کلمه خام‌فروشی نشأت گرفته از صادرات کالای پتروشیمی به بهای هر کیلو ۳۰ سنت و واردات کالاهای ارزش‌افزوده پتروشیمی به قیمت

کیلویی ۱۲ دلار است که این رقم‌ها نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به تولید، فرآوری و ارزش‌افزوده می‌باشد.

«به نظر شما دولت و وزارت نفت اهمیتی به حضور بخش خصوصی در تولید کالا با ارزش افزوده دارند؟ در عمل که چنین رفتاری را نشان نداده‌اند؟»

● در اینکه اساساً تولید، تجارت، صادرات و واردات ما دولتی است انکاری نیست اما بخش خصوصی هم به لحاظ توان و ظرفیت شرایطی را ایجاد نکرده است که بتواند پشتیبان و جانشین دولت شود. باید فرصتی ایجاد می‌شد که بخش خصوصی در اکتشاف، استخراج، پالایش و سایر مقوله‌های این صنعت حضور داشت و توان اجرایی خود را در طی دهه‌های گذشته به اثبات می‌رساند.

در سایر کشورها به جای ایجاد پالایشگاه با سرمایه‌گذاری ۳ الی ۴ میلیارد دلاری، دولت‌ها با کمک شرکت‌های بخش خصوصی خودمینی‌ریفاینری یا پالایشگاه‌های کوچک با حجم سرمایه‌گذاری بسیار پایین راه‌اندازی می‌کنند و در رقابت قیمتی، تولید و بازارسازی و بازاریابی موفق عمل می‌نمایند. در ایران حجم ۸۰۰ هزار بشکه میعانات استخراجی در حوزه‌های مختلف گازی داریم که قریب ۶۰۰ هزار بشکه آن در پالایشگاه ستاره خلیج فارس تبدیل به بنزین و فرآورده‌ها می‌شود و مابقی در مباحث تولید برق و ... همان واحدها استفاده می‌شود که می‌توان با گسترش مینی‌ریفاینری‌ها و مدیریت زنجیره تأمین در میعانات، گاز و نفت و حضور بخش خصوصی محصولات پایین‌دستی را تقویت و توسعه نمود و ضمن اشتغال‌زایی و عدم فعالیت دولت در این حوزه، اثرات تحریمی را به حداقل رسانید.

این تیول‌داری دولت در مباحث نفت و گاز باعث تحریم‌پذیری شده و میران ریسک صادرات را بالا برده است و هزینه‌های بیشتری را نیز به تولید و

حجم GDP جهانی ۷۰ هزار میلیارد دلار است که از این مقدار بیش از ۲۰ هزار میلیارد دلار آن حجم تجارت جهانی است پس هیچ‌یک از رشدهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌وری و تولید به اندازه حجم تجاری رشد نداشته‌اند

صادرات ما وارد کرده است و این مالکیت مختص دولت کنونی و یا دولت‌های قبلی نیست و اساساً در طی هفتادسالی که اقتصاد ما نفتی شد بخش خصوصی ما مهجور ماند و به نظر من باید از فرصت تحریم‌ها استفاده کرده و مشارکت این بخش را در ابعاد گسترده تولید و صادرات نفت و فرآورده‌ها به حداکثر برسانیم.

« اتحادیه اوپکس در سال ۹۶، ۲۳ درصد

و در سال ۹۷، ۲۹ درصد از حجم صادرات

فرآورده‌های نفتی را به خود اختصاص داده

است و این با صحبت‌های شما همخوانی دارد.

● بله این موضوع تأیید می‌شود که اتحادیه‌ها و سندیکاها و تشکل‌ها می‌توانند مدیریت و هم‌افزایی ایجاد نمایند به‌شخصه معتقدم باید به سمت ایجاد تشکل‌های خصوصی برویم و صنایع کشور را از نشست افراد و شرکت‌ها به‌صورت منفرد رهایی بخشیم. کاهش هزینه‌ها و عدم رقابت ناسالم از جمله مزایای این همگرایی‌هاست.

«در بحث استانداردسازی گمرکات کشور،

الگوسازی را می‌پسندید یا الگو گرفتن از

سیاست‌گذاری گمرکی سایر کشورها را؟

● مسلماً توصیه دوم شما بیشتر مورد تأیید است. همه الگوها موردبررسی قرار گرفته است و برای توسعه گمرکی می‌توانیم از الگوهای متعدداستفاده کنیم. آلمان الگوی مناسبی برای کوچک‌سازی است و یا الگوی چین به حداقل رساندن هزینه‌های ثابت و سربار تولید است بدین معنا که احداث یک پتروشیمی در چین در یک فضای ۱۰۰۰ متری انجام می‌شود که هزینه نگهداری و هزینه ثابت آن چنانی هم ندارد و با همین حربه به تسخیر بازار دنیا می‌پردازد و نحوه مدیریت هزینه‌های ثابت ازجمله گلوگاه‌های مادر صنایع است که نیاز به الگوبرداری داشته و با بومی‌سازی این الگوها در طرح‌های صادراتی و گمرکی خودبه‌پیشرفت‌برسیم.



« بحث اصلاح نظام ارزش‌گذاری در چه

مرحله‌ای است؟

● با توجه به مزایای معافیت‌های مالیاتی که

صادرکنندگان دریافت می‌کردند تا قبل از تعهد

ارزی پیش اظهارهای داشتیم و بعد از تعهدارزی

با توجه به اینکه مزایا و تسهیلات مناسبی برای

بازگرداندن ارز حاصل از صادرات ایجاد نکردید

صادرکنندگان اعتراض داشتند. گمرک بر طبق

تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه قانون امور گمرکی،

ارزش‌ها را موردبازنگری قرار داده و آن‌ها را کاهش

داد و بر همین منوال گمرک ۳۰٪ ارزش‌های خود

را کاهش داده و این کاهش که به ارزش صادرات

اضافه می‌گردد حجم واقعی صادرات را افزایش

داده است. این فرمول در سال ۹۷ ارزش واقعی

صادرات را از ۱۷/۸ میلیارد دلار به ۲۳/۲ میلیارد

دلار افزایش داد که باعث شد نه‌تنهامیزان صادرات

کمتر نگردد بلکه تراز مثبت هم داشته باشیم. یکی

از دلایل این کاهش ارزش‌گذاری تحریم است که

توصیه من به کلیه تشکل‌های صادراتی این است

که طبق ماده ۴۵ قانون امور گمرکی، در صورت

اختلاف بین گمرک و صاحب کالا وثیقه را تأمین

نماید، کالاراترخیص‌کندو در مرحله‌بعددرمراجعه

به کمیسیون‌ها به این موضوع رسیدگی کند.

« نوعی عدم هماهنگی هم با استاندارد

دارید در بخش آزمایشگاهی استاندارد

که در پاسخگویی نتایج‌کند عمل می‌کند؟

● در بحث هیدروکربن‌ها، حلال‌ها و فرآورده‌هایی

که مشمول مصوبه خاص هستند این گلایه را

گمرک هم دارد که به‌غیراز مراکز آزمایشگاهی

که تجهیز نیستند یا پراکندگی جغرافیایی دارند،

در بعضی موارد نتیجه آزمایشگاهی به کارگاه

استانداردسازی می‌رود و ممکن است بیش از یک

سال به طول بیانجامد که مورد اعتراض گمرک

هم قرار می‌گیرد و از مراجع ذی‌صلاح در حال

پیگیری این موضوع هستیم.

در فضای تحریم، صادرات بارزش پایین‌تر صورت

می‌گیرد و واردات با نرخ گران‌تر انجام می‌شود که

با اقدام این‌چنینی به‌مقابله با تحریم پرداخته‌ایم.

« برخورد سلیقه‌ای و فراقانونی در گمرکات

مختلف موضوعی‌پردامنه‌است چه‌نظری‌دارید؟

● خوشبختانه در صادرات قانون حکم می‌کند و

مانعی در صدور کالاهای صادراتی مجاز نخواهد

بود مگر اینکه یک کالای صادراتی مجوزهای

خاصی نیاز داشته باشد که معدود همکاران

گمرکی بخواهند سلیقه‌ای عمل کنند که طبق

قانون مانعی برای صادرات نیست و صادرکننده

می‌تواند صادرات خود را انجام دهد و در صورت

مشکلات سلیقه‌ای یا ارزش‌گذاری اعتراض

نماید. گمرک کشور استاندارد ی به نام TSC دارد

که میانگینی از ارزش گمرکی کالاهای صادراتی

و وارداتی است و فلسفه‌اش این است که سلايق

و نظرات شخصی را در حوزه صادرات کم نماید.

« در خصوص صدور هیدروکربن چه

مشکلاتی پیش‌بینی کرده‌اید؟

● این موضوع را کارشناسانه عرض می‌کنم که

تا زمانی که در صادرات فرآورده‌ها انحصار وجود

داشته باشد مشکلات متعدد هم وجود دارند

به‌طور مثال موضوعی که مورد اعتراض عراقی‌ها

و افغانی‌ها قرار می‌گیرد این است که افغانستان

چقدر به حلال نیاز دارد که این‌همه حلال از

ایران صادر می‌شود درصورتی‌که این کالاهای

عمدتاً شباهت بسیار بالایی به گازوئیل و بنزین

دارند. جالب اینجاست که به گمرک ایران حلال

یا هیدروکربن اظهار می‌شود ولی به گمرک کشور

مقصد، گازوئیل یا بنزین اظهار شده است.

« در خصوص ضمانت سپاری چه عملکرد

حمایتی برای صادرکنندگان داشته‌اید؟

● تضامینی که اخذ می‌گردد تنها برای

صادرکننده‌ای درخواست می‌شود که کالاهای

یارانه‌ای صادر می‌کند و چون صادرات این کالاهای

مصادق قاچاق کالااست و صادرکننده متهم به

قاچاق کالا می‌شود در برابر موارد اتهامی تضامین

معتبر اخذ می‌شود و صادرکننده می‌تواند صادرات

بعدی را انجام دهد و پس از رفع اتهام نسبت به

عودت ضمانت اقدام می‌گردد.

این تیول‌داری دولت

در مباحث نفت و گاز

باعث تحریم‌پذیری

شده و میران ریسک

صادرات را بالا برده

است و هزینه‌های

بیشتری را نیز به

تولید و صادرات ما

وارد کرده است

« در طی حضور مدیریتی شما چه

اقداماتی در جهت مبارزه با خودتحریمی

و اصلاح قوانین صورت گرفته است؟

● ضد تحریم تسهیل است. برای مقابله با خود

تحریمی، گمرک کشور در خصوص کاهش

رسوب کالا در بنادر کشور، یک پیشنهاد ۸

بندی و ۱۲ بندی از طریق وزیر اقتصاد به

دولت ارائه کرده و در صحن دولت تصویب

گردید و بر طبق این پیشنهادها در خصوص

ترخیص به‌موقع کالاهای تسهیلاتی صورت

گرفته است.

آرامش قیمت نفت در تلاطم خاورمیانه



کاتامزاده
نفت و انرژی
خبرنگار

باز سپتامبر حادثه آفرید؛ این بار حمله‌ای بود که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ تأسیسات تولید نفت آرامکو سعودی در بقیق و خریص در شرق عربستان سعودی را هدف قرار داد. و باعث ایجاد آتش سوزی‌های وسیعی در دو مجموعه پالایشگاهی متعلق به شرکت آرامکو گردید. به گفته وزارت کشور عربستان سعودی آتش سوزی‌ها چند ساعت بعد از حمله خاموش شدند، اما این تأسیسات تا زمان انجام تعمیرات تعطیل شدند. این تعطیلی با تحت تأثیر قرار دادن تولید ۵ میلیون بشکه نفت در روز، تولید نفت عربستان سعودی را که حدود ۵ درصد از نفت جهانی را تأمین می‌کند، تقریباً به نصف رساند و موجب ایجاد بی‌ثباتی در بازارهای مالی جهانی شد. اما به گفته مقامات سعودی سه روز پس از این حملات، صادرات نفت این کشور با استفاده از ذخایر نفتی به سطح عادی خود بازگشت. در یک ماه اخیر حملات پهلادی، پالایشگاههای نفت شرکت آرامکو سعودی را فلج کرد و تحریمهای آمریکا صادرات نفت ایران و ونزوئلا را هدف گرفت و آلودگی‌های

گسترده، صادرات نفت روسیه را محدود کرد. با این حال قیمت‌های نفت به جای این که جهش پیدا کند تحت تأثیر رونق تولید نفت آمریکا و نگرانیها نسبت به رکود اقتصاد جهانی که به تقاضا برای نفت آسیب خواهد زد، در بازه محدودی مانده و آرامش خود را در این تلاطم‌ها حفظ کرده است. در همین رابطه خبرنگار دنیای انرژی نظر چند تن از کارشناسان نفتی را در خصوص عدم افزایش نفت و تبعات این حادثه را جویا شده است:



غلام حسین حسن تاش
کارشناس ارشد حوزه انرژی



«تحولات منطقه خلیج فارس و قیمت جهانی نفت»

اتفاقات اخیر در خلیج فارس از صدمه دیدن کشتی‌های سعودی در بندر فجیره تا حمله پهبادی گسترده انصارالله یمن به تأسیسات نفتی سعودی که موجب توقف بخش قابل توجهی از تولید نفت خام این کشور شد، اثرات نسبتاً محدودی بر قیمت جهانی نفت داشت. شاید اگر این حوادث ده پانزده سال پیش اتفاق می‌افتاد قیمت نفت از ۲۰۰ دلار در بشکه نیز تجاوز می‌کرد اما هم‌اکنون قیمت نفت خام برنت حدود ۶۰ دلار در بشکه و قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمیدیت در حدود ۵۵ دلار در بشکه است. این تحولات بر قیمت تأثیر داشته ولی اثرش کمتر و نیز از نظر زمانی کوتاه مدت‌تر از انتظار بوده است. شاید بتوان علت را در موارد زیر جستجو کرد: ساختار انرژی جهان تغییر کرده است. افزایش شدید قیمت جهانی نفت در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ که قیمت نفت در محدوده ۱۰۰ تا بیش از ۱۴۰ دلار در بشکه قرار گرفت تأثیر قابل توجهی در این تغییر ساختار داشته است. در این دوره نسبتاً طولانی بالا بودن قیمت نفت، تولید انواع سوخت‌ها، رقیبی اقتصادی شد و این سوخت‌ها مجال عرض اندام پیدا کردند، فناوری‌های مربوط به آنها گسترش یافت و آستانه امکان‌پذیری اقتصادی‌شان مشخص شد. لذا عوامل بازار خصوصاً در کشورهای صنعتی اکنون بخوبی می‌دانند که در چه قیمتی از نفت خام کدام پتانسیل‌های انرژی را به سرعت می‌توان فعال و وارد بازار کرد. در واقع توسعه فناوری و مشخص شدن آستانه اقتصادی شدن انرژی‌های رقیب نفت خام، سیستم انرژی جهان را بسیار منعطف‌تر از گذشته کرده و نگرانی‌ها را جاع به

توسعه فناوری و مشخص شدن آستانه اقتصادی شدن انرژی‌های رقیب نفت خام، سیستم انرژی جهان را بسیار منعطف‌تر از گذشته کرده و نگرانی‌ها را جاع به امنیت انرژی (به مفهوم در دسترس بودن همیشگی انرژی کافی) را کاهش داده است

امنیت انرژی (به مفهوم در دسترس بودن همیشگی انرژی کافی) را کاهش داده است. ساختار نفت خام جهان نیز تغییر کرده است. مساله فوق‌الذکر در مورد خود نفت خام نیز مصداق دارد. در همان دوره، بالا بودن قیمت جهانی نفت خام موجب اقتصادی شدن ذخائر اصطلاحاً غیر متعارف نفتی (نفت شیل) شد. فناوری‌های مربوط به استخراج نفت و گاز شیلی توسعه پیدا کرد و به عبارتی ذخائر هیدروکربن‌های شیلی به ذخائر قابل استفاده و قابل بازیافت جهان اضافه شد. با توسعه این ذخائر علاوه بر این که سهم تولید اوپک و منطقه خلیج فارس از کل تولید نفت خام جهان کاهش یافت سهم ذخائر نیز تغییر کرد، یعنی در واقع الان مانند گذشته نمی‌توان گفت که بیش از ۶۰ درصد از ذخائر نفت خام جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد. در اواخر قرن بیستم دست‌اندرکاران انرژی، قرن ۲۱ را قرن گاز نامیدند. گاز طبیعی نزدیک‌ترین رقیب نفت خام است و توسعه فناوری امکان‌جایگزینی هر چه بیشتر این سوخت را با فرآورده‌های نفتی بوجود آورده است. جغرافیای منابع طبیعی گاز نیز از جغرافیای منابع نفت متنوع‌تر و گسترده‌تر است و سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهان رو به افزایش است. افزایش قابل توجه تولید نفت و گاز شیلی در ایالات متحده علاوه بر این که این کشور را به یک

صادرکننده گاز طبیعی و بعضی فرآورده‌های نفتی تبدیل کرده است، قدرت مانور این کشور را در آزاد کردن و بکارگیری بخشی از ذخائر استراتژیک نفتی خود افزایش داده است که این نیز به کنترل تلاطم‌های بازار کمک می‌کند. از سال ۲۰۱۰ با شروع تحولات موسوم به بهار عربی که البته خیلی زود به خزان نشست، مناطق نفتی واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دائماً دستخوش اغتشاش و درگیری و ناآرامی بوده‌اند و بسیاری از تولیدات نفتی بافت و خیز مواجه بوده‌اند، اما همه این ناآرامی‌ها تهدید اساسی و جدی و غیر قابل جبرانی را برای امنیت جهانی انرژی بوجود نیاورد و حتی قیمت‌ها هرگز به رکوردهای سال ۲۰۰۸ برنگشت و به نظر می‌رسد که همه اینها موجب شده است که حساسیت‌های روانی بازار نفت نیز نسبت به گذشته بسیار کمتر شده باشد و انتظارات نسبت به وقوع شوک نفتی تعدیل شده باشد. علاوه بر همه موارد فوق که عمدتاً معطوف به طرف عرضه انرژی و نفت خام است در طرف تقاضا نیز کاهش نرخ رشد اقتصادی کشورهای تعیین‌کننده در تقاضای انرژی، بر کاهش تقاضای انرژی موثر بوده است و در این میان خصوصاً می‌توان به بحران برگزیت که اروپا را درگیر کرده است و جنگ تعرفه‌ای میان آمریکا و چین که اقتصاد بزرگ چین را بیشترین نرخ رشد اقتصادی و رشد مصرف انرژی در دو دهه گذشته را دچار مشکل کرده است و نیز بحرانهایی که اقتصادهای در حال ظهور مانند برزیل درگیر آن هستند، اشاره نمود. اما فارغ از موارد فوق، از آنجا که بحث خلیج فارس مطرح است بدنیست اشاره کنم که شش سال پیش در مقاله‌ای تحت عنوان "استقلال انرژی آمریکا و آثار ژئوپلیتیک آن" پیش‌بینی کردم که بای‌نیاز شدن ایالات متحده از نفت و گاز منطقه خلیج فارس ممکن است اوضاع سیاست و ساختار قدرت در کشورهای جنوب خلیج فارس به گونه دیگری رقم بخورد و از یک سواهمیت امنیت این منطقه برای آمریکا کمتر شود و از سوئی دیگر قدرت مانور آمریکا در منطقه افزایش یابد به این معنا که هر بحرانی در منطقه که موجب افزایش قیمت جهانی نفت شود در آمریکا رونق نفتی ایجاد خواهد کرد ولی در اقتصادهای رقیب آمریکا

و خصوصا چین که مهم ترین چالش بلندمدت ایالات متحده می باشد، مشکل ساز خواهد بود.

سید مهدی حسینی
کارشناس ارشد حوزه انرژی



«عرضه و تقاضا نقش محوری در بازار جهانی نفت دارد

از دهه های پیشین بازار نفت یک بازار کم ثبات بوده است و نسبت به حوادث، مصاحبه ها و ارزیابی هایی که نسبت به وضع موجود بازار نفت صورت می پذیرد، بسیار حساس است که وضعیت عرضه و تقاضا در آینده دور یا نزدیک چه خواهد شد و آیا به نفع عرضه خواهد بود یا تقاضا. اگر به نفع عرضه باشد قیمت هاافت و اگر عرضه کم تقاضا بالا باشد قیمت ها افزایش پیدامی کند. این موارد واقعیت حوادثی است که عرضه و تقاضا در بازار از خود نشان می دهند که باز خورد آن از اعلام قیمت های بازار بورس نشات می گیرد. در ارتباط با حمله به تاسیسات آرامکو عربستان دو سناریو وجود دارد به طوری که در سناریو نخست ۶۰ درصد از تولید نفت یعنی ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت از عربستان از دور خارج شده است و باید منتظر باشیم تا در گزارشها حجم این آسیب های فیزیکی مشخص شود و راه اندازی مجدد چه قدر طول می کشد و هر اندازه این زمان طولانی تر شود روند قیمت ها نیز افزایشی خواهد بود.

در سناریوی اول آمریکا پشتت قضا یا بوده و می توانست بخشی از نفت موجود در بازار را از محل ذخایر استراتژیک خود جبران کند تا بازار نفت با شوک مواجه نشود البته ظرفیت آن نیز به نوبه خود محدود است. در سناریوی دوم آمریکا و عربستان به طور مشترک هدف خاصی را دنبال می کنند و به

دنبال بزرگ نمایی یک قضیه هستند و اصلا آن حجم از آسیب سناریوی اول وجود ندارد که ۵ الی ۶ الی میلیون بشکه نفت آن ها از دور خارج شود بلکه نتیجه آنها از ایجاد سناریوی دوم آسیب رساندن به اقتصاد جهانی بوده است چرا که خارج کردن ۵ درصد از نفت مصرفی جهانی بازار یعنی آسیب رساندن به اقتصاد دنیا، آن ها با اعتراف و ادعای اینکه ایران پشت این قضا یا است در صدد نقشه علیه ایران بودند. با وجود سناریوی دوم بیشتر آسیب ها به پالایشگاه هایشان وارد شده تا تاسیسات تولید نفت. موضع گیری آمریکا و عربستان در سناریوی دوم به نحوی بود که اعلام کردند تا آخر سپتامبر وضعیت نفت را به روال قبل باز می گردانیم با اینکه این صحبت های آن ها با اشتباه توام بود زیرا امکان ندارد باز دور خارج شدن ۵ میلیون بشکه نفت و این حجم آسیب بتوان ظرف یک ماه به شرایط عادی باز گشت. در سناریو دوم با آنکه پالایشگاه و تاسیسات نفتی خسارت دیده است و در ارزیابی نیز میزان خسارت را برای دست یابی به اهداف سیاسی پشت قضیه چند برابر اعلام کردند و حتی در صحبت های اخیر که در سازمان ملل داشتند

دولت دونالد ترامپ متوجه بود که نفت در آینده نمی تواند به عنوان کالای استراتژیک محسوب شود و لذا سعی کرد از فرصت طلایی باقیمانده نفت سهم عمده ای را برای خودش برای تولید نفت خام اختصاص دهد

یک خط را دنبال کرده و ایران را پشت قضا یا معرفی کردند هدفی جز اجرای سناریوی دوم نداشته اند. با آنکه عکس العمل بازار نفت نسبت به سناریوی دوم به ایجاد یک جهش در بازار نفت منجر شد، و حتی قیمت نفت به ۷۰ دلار هم افزایش پیدا کرد اما باز گشت بازار نفت به وضعیت پایدار در روز های اخیر نشان دهنده درست بودن سناریوی دوم بوده است و نباید در بازار این نگرانی به وجود آید که نفت عربستان در حجم زیاد و به مدت زمان طولانی حذف می شود.

محمد علی صادقی
کارشناس ارشد انرژی



«سقف قیمت نفت تا ۸۰ دلار و کف آن ۶۰ دلار پیش بینی می شود

در شرایط حاضر قیمت نفت تا سقف ۸۰ دلار برای یک رقم افزایشی پیش بینی می شود، اما برای روند نزولی کمتر از ۶۰ دلار بعید بنظر می رسد. قیمت نفت خود از مکانیسم های تعیین کننده بر خوردار است که عمده ترین دلیل آن به عرضه و تقاضا باز می گردد و بایستی در این راستا عرضه و تقاضای منطقه ای مورد رصد قرار گیرد. در طی سال های اخیر، شرایط جهانی به ندرت توانسته برای نفت خام های منطقه ای نقش آفرینی ایجاد کند. با توجه به تنش های سیاسی مستمر در منطقه خاور میانه، روند نوسانات نفت خام کمتر مشاهده شده است و بیشتر جنبه های عرضه و تقاضا و سیاست های نفتی اوپک که با کشورهای دیگر هماهنگ بوده تا اندازه ای توانسته از روند افزایشی ناشی از اعمال سیاست ها یا هجمه هایی که از سوی کشورهای مصرف کننده به ویژه آمریکا تحمیل می شود، رها مهار کند.

آنچه که مسلم است نباید تنها به این ساختار اکتفا کرد بلکه تغییرات و تحولات سیاسی و جهانی به ویژه

دیدگاه های ترامپ در دوره اول باعث خواهد شد تا در انتخابات آینده ترامپ پازل هایی را برای خود در نظر بگیرد. در چنین شرایطی قیمت نفت تا سقف بالاتر از ۸۰ دلار برای یک رقم افزایشی پیش بینی می شود، اما برای روند نزولی کمتر از ۶۰ دلار بعید بنظر می رسد. در شرایط بازار جهانی این رقم را خوشبینانه می دانیم اگر تحولات غیر مرتبه یا درگیری نظامی و منطقه ای وجود آید بطور مثال مساله هنگ هنگ در خاور دور و اقتصاد آمریکا و چین پیش آید، با این وجود شاهد نوسانات هستیم که باید از آن عبور کنیم. در صورتی که عقلانیت سیاسی در کشورهای مختلف حاکمیت پیدا کند.

خاور میانه تاریخ تمدن منطقه ای ایران را جست و جو می کند و پتانسیل آن در ساختار سیاسی اقتصادی مشاهده می شود که متاسفانه به دلیل مدیریت های داخلی دچار مشکل هستیم شاید این روند با تاخیر و همراه با نوسانات باشد اما آینده ایران غنی خواهد بود و کشورهای حوزه خلیج فارس به نوعی مجبور هستند همراهی با ایران را بپذیرند. عراق تنها کشور عرب حوزه خلیج فارس است که عضو کشورهای همکاری حوزه خلیج فارس نیست. ذخایر عراق و ایران به نسبت بیشتر از عربستان است و پتانسیل برای این کشور وجود دارد و در حال حاضر عراق استقلال سیاسی ندارد زیرا تمام مسائل درآمدی و نفتی این کشور را آمریکایی ها مدیریت می کنند در حالیکه با هویت و جریان های سیاسی عراق مغایرت دارد و این امر ادامه نخواهد داشت. عراق مجبور است بقا و هویت اقداماتی را با همکاری با ایران برای افزایش قیمت نفت و بهبود درآمدهای نفتی خود انجام دهد.

« قیمت نفت از مرز ۷۰ دلار فراتر نمی رود

مجموعه مواردی از قبیل انرژی های نو، متعدد شدن نقاط عرضه سوخت های فسیلی و تسلط های سیاسی دنیای غرب با همکاری عربستان بر بازار انرژی باعث شده، قیمت نفت بیشتر از ۷۰ دلار افزایش پیدا نکند. پیش از بررسی نوسانات بازار نفت باید پیش فرض هایی مد نظر قرار بگیرد و به این موضوع توجه

سعید ساویر
کارشناس ارشد حوزه انرژی



کرد نفت کالایی است که در تمامی نقاط دنیا با قیمت های متفاوت در حال تولید است به طور مثال در خاور میانه که نزدیک به یک قرن است که از مخازن کربنات عظیم، نفت تولید می شود شاید استخراج یا استحصال یک بشکه نفت خام به همراه حمل و نقل در حدود ۱۰ الی ۱۲ دلار باشد.

در جهان مناطقی مانند آفریقا و حتی گران تراز آن مانند دریای شمال یا نفت شیل قیمت هر بشکه نفت و استحصال بیشتر از قیمت نفت در خلیج فارس و خاور میانه است در نتیجه می توان گفت نفت خام در هر گوشه ای از دنیا دارای قیمتی است. از طرفی در کشورهای خاور میانه مانند روسیه که از اقتصاد تک محصولی وابسته به فروش نفت بر خوردار هستند، تامین بودجه آن ها از طریق نفت صورت می پذیرد. از طرفی اگر بررسی سود حاصل از فروش نفت و نقشی که

در اقتصاد کشورهای مختلف به همراه دارد و بودجه کشورهای تک محصولی که اقتصاد آن ها وابسته به نفت است را در نظر بگیریم، تولید کننده و مصرف کننده پذیرفته اند که نفت می تواند در کانال ۵۰ الی ۷۰ دلار تولید شود و مورد رضایت آنها نیز قرار گیرد. در طی سال ها مکانیسم هایی در یک کشوری مانند آمریکا، بر اثر شوک های نفتی مختلف و متعدد بوجود آمده است تا مانع از افزایش قیمت نفت شود. با این شرایط به وجود آمده دولت دونالد ترامپ متوجه بود که نفت در آینده نمی تواند به عنوان کالای استراتژیک محسوب شود و لذا سعی کرد از فرصت طلایی باقیمانده نفت سهم عمده ای را برای خودش برای تولید نفت خام اختصاص دهد. در این راستا دست به یک اقدام سیاسی زد و ایران و ونزوئلا را به بهانه های سیاسی از بازار تولید نفت خارج کرد و اعمال تحریم علیه ایران و ونزوئلا برای به دست آوردن بازار نفت این کشور ها بوده است. هنگامی که ایران و ونزوئلا دو تولید کننده اصلی و پایه گذار نفت اوپک از بازار خارج شدند تمامی کشور ها در انتظار افزایش قیمت نفت بودند، اما سیاست های طراحی شده غرب و در اس آن آمریکا مانع از افزایش قیمت نفت می شد. مجموعه مواردی از قبیل انرژی های نو، متعدد شدن نقاط عرضه سوخت های فسیلی و تسلط های سیاسی دنیای غرب با همکاری عربستان بر بازار انرژی باعث شده، قیمت نفت بیشتر از ۷۰ دلار افزایش پیدا نکند.



دست اندازهای صنعت ارزآور و چالش های موجود در ورود ارز به کشور



«باید برای توسعه صنایع پایین دست انگیزه ایجاد کرد»

معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی اخیراً اعلام داشت که دیگر طرح پتروشیمی اجرا نمی شود مگر اینکه در این طرح ها، تکمیل زنجیره ارزش تولید محصولات نیز دیده شود. از سویی دیگر مشوق هایی نیز برای شرکت هایی که زنجیره مشوق هایی را تکمیل کنند در نظر گرفته می شود که تخفیف در نرخ خوراک یکی از آن ها خواهد بود. اما به اعتقاد محمدرضا سعیدی مدیرعامل پتروشیمی جم، شرط لازم و کافی برای تکمیل

زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی به این مشوق ها ختم نشده و نیاز به برخی ابزارهای انگیزشی دیگر نیز احساس می شود. سعیدی در خصوص الزامات تکمیل زنجیره ارزش صنایع پایین دست پتروشیمی می گوید: زمانی می توان توقع داشت که سرمایه گذاری و کارآفرینی در پایین دست محصولات پتروشیمی رخ دهد که انگیزه کافی برای این موضوعات فراهم باشد. وی معتقد است که ما در اقتصاد رشد نمی کنیم مگر اینکه انگیزه های برای فعالان صنعتی و اقتصادی وجود داشته باشد که این انگیزه، خلق ثروت است.

«شرایط چگونه برای تکمیل زنجیره ارزش محصولات فراهم خواهد شد؟»

اما به گفته مدیرعامل پتروشیمی جم، وزرات نفت از چندین طریق می تواند این انگیزه را ایجاد کند. نخست اینکه باید توجه داشتیم در حال حاضر واحدهای پتروشیمی داخل کشور، خوراک اتان را با قیمت هایی بالاتر از قیمت جهانی دریافت می کنند. فاصله ۸۰ دلاری میان قیمت خوراک اتان در داخل و خارج کشور، حاشیه سود واحدهای پتروشیمی را کاهش داده و این امر رقابت پذیری را برای محصولات پتروشیمی

تولید شده داخلی در بازارهای بین المللی را تحت تاثیر قرار می دهد.

«فاصله میان پرداخت هزینه خوراک و دریافت وجه حاصل از فروش محصولات پتروشیمی بالاست»

همچنین گفتنی است در چند ماه اخیر نرخ انواع مواد پلیمری در بازار چین برخلاف پیش بینی های نشریه پلتس و آیسیس، از ۱۰۵۰ دلار در هر تن به ۸۵۰ دلار در هر تن کاهش یافته، این در حالیست که به گفته سعیدی نرخ خوراک واحدهای پتروشیمی در داخل کشور در مدت مذکور روند افزایشی را تجربه کرده است. البته در این میان نقد جدی هم بر نبود منبع نرخ گذاری داخلی وجود دارد که با وجود قطب تولید مواد پتروشیمی در کشور چرا باید همچنان نیازمند نرخ گذاری محصولات پتروشیمی از سوی سایر کشورها باشیم؟. نکته دوم اینکه به گفته سعیدی، در زمان تحویل خوراک، پتروشیمی ها مبلغ آن را باید ظرف مدت یک ماه با شرکت بالادست تسویه کنند، این در حالی است که فروش محصولات پتروشیمی در بازارهای داخلی و خارجی به صورت مدت دار بوده و وجه آن پس از چند ماه به پتروشیمی برمی گردد. از این رو مدیرعامل پتروشیمی جم معتقد است اگر در حوزه سیاست گذاری قرار بر توسعه و تکمیل زنجیره ارزش در محصولات پایین دست است باید الزامات آن نیز از سوی سیاست گذاران فراهم شود.

«نبود سرمایه گذاری مناسب در صنعت پتروشیمی»

علی گلمرادی عضو کمیسیون انرژی مجلس اما چالش حال حاضر صنعت پتروشیمی را در نبود سرمایه گذاری مناسب می داند. وی گفت: دولت برای توسعه زیرساخت های انرژی به لحاظ مالی با مشکلات عدیده مواجه است به ویژه در دوران تحریم که ما در فروش نفت و بازگشت درآمدهای نفتی با مشکل روبرو هستیم. از سوی دیگر اما خوشبختانه در کشور ما نقدینگی

بسیاری در بخش خصوصی وجود دارد که اگر ما بتوانیم سازوکارهای مناسبی را تعریف کنیم که در توسعه این زیرساخت ها، عایدات خوب و بازگشت سرمایه برای سرمایه گذران چشمگیر باشد، می توانیم از این ظرفیت بالقوه برای توسعه زیرساخت ها، تاسیسات و روبنا در زمینه انرژی و به ویژه صنعت پتروشیمی استفاده کنیم.

«دندان طمع سرمایه گذاری دولت را بکشیم»

وی معتقد است باید دندان طمع به سرمایه گذاری بخش دولتی را بکشیم و با ایجاد انگیزه مناسب در بین سرمایه گذاران بخش خصوصی، بحث تکمیل زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی را به سرانجام برسانیم. به اعتقاد این نماینده مجلس، بازار سرمایه یکی از این منابع تامین مالی برای توسعه صنایع است که علاوه بر ایجاد رونق در بخش تولید و بومی سازی محصولات در داخل کشور، می توان نقدینگی سرگردان بخش خصوصی را نیز در حوزه ای متفاوت از جمله پتروشیمی و پایین دست به کار گرفت.

«چالش های صنعت پتروشیمی از دیدگاه صادرات»

در ادامه باید نیم نگاهی نیز به چالش ها در بخش صادرات محصولات پتروشیمی و پایین دست نفت و گاز داشت. در این خصوص بهناز کاموسی رئیس میز صنایع شیمیایی و پتروشیمیایی سازمان توسعه تجارت ایران معتقد است یکی از عمده مشکلات موجود بر سر راه صادرات محصولات پتروشیمی در کشور، نبود تنوع محصول عرضه شده به بازارهای خارجی است که این موضوع خود فقدان ارزش افزوده مناسبی که می تواند عاید صنعت پتروشیمی شود را مورد تهدید قرار داده است. یکی دیگر از موضوعات مطرح شده توسط خانم کاموسی، فقدان برنامه صادراتی در صنعت پتروشیمی با در نظر گرفتن بازارهای استراتژیک هدف است. در این میان باید تاکید کرد که مشتری های سنتی به مرور زمان ارزش خود را از دست داده و نیاز است تا در بخش



مریم عسلزاده
خبرنگار
نفت و انرژی

اغلب کارشناسان بر این اتفاق نظر هستند که در روزهای سخت تحریم، صنعت پتروشیمی به عنوان مرجع بازگشت ارز به کشور است. اما این صنعت ارزآور در حال حاضر با چالش ها و موانعی روبروست که در صورت عدم رسیدگی و برطرف نمودن آن ها، شاید دیگر نتوان چندان برارز حاصل از صادرات این بخش از صنعت تکیه کرد. در این گزارش سعی شده تا به دور از طرح موارد کلیشه ای و تکراری، نظر فعالان و کارشناسان مرتبط با این حوزه را بطور شفاف بیان کنیم.

بازرگانی پتروشیمی ها برای بافتن بازارهای

هدف جدید و جذاب تحقیق و توسعه مداوم انجام شود. از این رو به نظر می‌رسد که رصد بازارهای جدید در دنیا که حاضرند قیمت‌های بهتری برای کالاهای پتروشیمی بپردازند نباید از دید فعالان این صنعت دور بماند. کاموسی همچنین به تغییر مداوم قوانین که نشأت گرفته از سیاست‌گذاری دولتی است اشاره کرد و گفت: این تغییرات در اغلب موارد باعث ایجاد تزلزل در تصمیم‌گیری مدیران صنعت می‌شود که نتیجه‌ای جز کاهش تولید و افت صادرات نخواهد داشت. از این رو ضروری است در بخش تدوین قوانین با دقت نظر بیشتری نگاه شده تا تغییرات خلق الساعه در صنایع، چابکی و سودآوری را زیر سوال نبرد.

موارد یاد شده تاثیرات بسزایی در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی صنعت پتروشیمی دارند.از سویی دیگر اما نباید نقش ستاد تنظیم بازار را در سمت و سو دادن به فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفت. ستاد تنظیم بازار در جهت دادن به تولید و مباحث منجر به صادرات در تبیین شاخص‌های تولیدی و سیاست‌گذاری فروش محصولات را برعهده دارد. در نتیجه می‌تواند در جهت برداشتن موانع تولید در صنایع پایین دست نفت، گاز و پتروشیمی بطور فعالانه‌ای مداخله کند. بحث رگولاتوری در فضای کسب و کار یکی دیگر از موارد یاد شده توسط این فعال بخش صادرات است. وی معتقد است که اگر رهنمودها و هدایت صاحبان صنعت جایی در تصمیم‌گیری‌های کلان نداشته باشد، ملاک قوانین اتخاذ شده در برخی موارد غیرمنطقی خواهد بود.

«عوامل بازدارنده رشد صنعت پتروشیمی

کاموسی در ادامه به مهم‌ترین عوامل بازدارنده رشد صنعت پتروشیمی در کشور اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی یکی از اصلی‌ترین دلایل را می‌توان فاکتور وابستگی دائمی به ارز خارجی جهت سرمایه‌گذاری و واردات در این صنعت

عنوان کرد. همچنین توسعه نامتوازن بخش‌های بالادستی و پائین دستی و صنایع تبدیلی در بخش پتروشیمی یکی دیگر از عوامل بازدارنده رشد صنعت است که باید در طرح‌ریزی‌های آینده مورد توجه سیاست‌گذاران بخش تاسیس صنایع قرار گیرد. وی کمبود ناوگان حمل و نقل محصولات پتروشیمی و به تبع آن افزایش شدید قیمت حمل و نقل را نیز به عنوان کاهنده سود صنایع پتروشیمی عنوان کرد و گفت: با توسعه زیرساختی مناسب در بخش حمل و نقل و به روز کردن ناوگان این بخش می‌توان میزان قابل توجهی از هزینه‌های تولید را کاست که این موضوع تاثیر بسزایی

توسعه نامتوازن

بخش‌های بالادستی و پائین دستی و صنایع تبدیلی در بخش پتروشیمی یکی دیگر از عوامل بازدارنده رشد صنعت است که باید در طرح‌ریزی‌های آینده مورد توجه سیاست‌گذاران بخش تاسیس صنایع قرار گیرد

در بالا بردن مزیت قیمت رقابتی محصولات پتروشیمی در بازارهای بین‌المللی داشته باشد. این فعال حوزه پتروشیمی البته اشاره‌ای هم به نقش دولت در تسهیل امور بازرگانی و صادراتی صنعت پتروشیمی داشت و گفت: در شرایطی که تحریم‌های ظالمانه از سوی آمریکا بر اقتصاد کشور اعمال شده است، بخش دولتی باید با ارائه برخی تمهیدات و تسهیلات، بار تحریم را از روی دوش بخش خصوصی کم کند و نگذارد سنگینی تحریم‌ها، کمر بخش خصوصی به ویژه در صنعت ارزآور پتروشیمی را خم کند.

«جنبه پنهان تحریم صنعت پتروشیمی

اما شرایط تحریمی را باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. در نگاه اول شاید فقط سخت شدن حضور در بازارهای خارجی باری بر شرکت‌های تولید کننده در نظر متبادر کند اما مشکلات به این جا ختم نمی‌شود و باید با شناسایی موانع به فکر راه حل بود. در این رابطه حمیدرضا صالحی کارشناس حوزه انرژی معتقد است باید اثر تحریم‌ها بر صنعت پتروشیمی را از دو جنبه بررسی کنیم. نخست اینکه در شرایط تحریمی و ایجاد اشکالاتی در زمینه فروش، شرکت‌های پتروشیمی باید تا حدی قیمت محصولات خود را به جهت مقابله با این تحریم‌ها در بازارهای جهانی کاهش دهند. مورد دیگر اینکه در شرایط تحریمی، هزینه انتقال ارز حاصل از صادرات افزایش می‌یابد که این موضوع نیز حاشیه سود شرکت‌های صادراتی را محدود می‌کند. اما نتیجه این تحریم‌ها و اعمال محدودیت‌ها سبب می‌شود که تمایل شرکت‌های پتروشیمی به فروش در داخل کشور افزایش یابد. اینکه با فروش در داخل کشور، نیاز داخلی تامین می‌شود جنبه مثبت رجوع شرکت‌های پتروشیمی به فروش محصولات در بازارهای داخلی است. اما از جنبه منفی قضیه نیز نباید غافل شد. چرخش به سمت بازارهای داخلی در بلندمدت سبب خواهد شد تا با ایجاد

مازاد عرضه، رقابت منفی میان شرکت‌های تولیدی در صنعت پتروشیمی شکل بگیرد. نتیجه این رقابت منفی این است که بعضا شرکت‌های داخلی برای فروش محصولات مشابه، به نرخ شکنی برای جذب مشتری رو بیاورند که این موضوع محل آسیب جدی برای بازگشت به قیمت‌های معقول و منطقی در بازار خواهد بود. این کارشناس انرژی تاکید دارد که افت شدید قیمت محصولات پتروشیمی عرضه شده در بورس کالا در چند ماه اخیر حاکی از وجود مازاد عرضه و شکل‌گیری همین رقابت منفی قیمتی در میان تولیدکنندگان است که اگر شرکت ملی صنایع پتروشیمی ورود جدی به این موضوع نداشته باشد این افت قیمت محصولات پتروشیمی در بازار داخلی سریعاً به بازارهای خارجی نیز تسری پیدا خواهد کرد. در نتیجه نظام بخشی و ایفای نقش رگولاتوری در شرایط فعلی بسیار حائز اهمیت بوده که اغلب فعالان این صنعت خواهان تدوین برنامه‌ای منسجم و منظم برای ادامه راه در روزهای سخت تحریم هستند.

«بازهم پای نوسانات ارزی در میان است

اما چالش‌های صنعت پتروشیمی در کشور به اینجا ختم نشده و رمزگشایی مشکلات حاکی از گره‌خوردگی نوسانات ارزی دو سال اخیر با مصائب این صنعت است. با شروع جهش نرخ ارز از اواخر سال ۹۶ و تصمیم دولت بر تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به برخی صنایع و افراد حقیقی و حقوقی، پای رانت‌خواران ارزی به واردات مواد پایه پتروشیمی به کشور باز شد. پس از آن بود که بعضی افراد و شرکت‌ها بواسطه داشتن رانت توانستند مواد اولیه پتروشیمی که تنها توسط یک شرکت در کشور تولید می‌شود را به نرخی پایین‌تر از بهای تمام شده مشابه داخلی، وارد کنند. یکی از این نمونه‌ها در پتروشیمی خوزستان رقم خورد. در این رابطه مدیر بازرگانی پتروشیمی خوزستان می‌گوید: تا قبل از ایجاد ارز ۴۲۰۰ تومانی، چالش محسوسی با رقبای وارد

یکی از عمده مشکلات موجود بر سر راه صادرات محصولات پتروشیمی در کشور، نبود تنوع محصول عرضه شده به بازارهای خارجی است که این موضوع خود فقدان ارزش افزوده مناسبی که می‌تواند عاید صنعت پتروشیمی شود را مورد تهدید قرار داده است

کشورهای دوردست از قبیل کره جنوبی که هزینه حمل بسیار بالایی دارد، به لطف ارز ۴۲۰۰ تومانی همچنان از پلی کربنات تولید شده در داخل کشور ارزان‌تر است چراکه شرکت‌های پتروشیمی داخلی طبق قانون می‌بایست خوراک خود را با ارز نیمایی تهیه کنند. حال آنکه بعضی واردکنندگان با ارز دولتی اقدام به واردات محصولات مشابه تولید داخل می‌کنند. در نتیجه اگر معضل ارز ۴۲۰۰ تومانی بطور کامل از بین نرود، صنایعی همچون ما محکوم به فنا هستیم. اما در صورت تثبیت نرخ ارز و عدم تخصیص ارز دولتی به واردکنندگان مواد پتروشیمی، قطعاً تولیدات داخلی برای مشتریان مقرون به صرفه‌تر خواهند بود.

«شکاف در زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی در دسرساز است

مدیربازرگانی پتروشیمی خوزستان یکی دیگر از دست‌اندازهای صنعت پتروشیمی را کامل نبودن زنجیره تولید محصولات میانی با اهمیت در کشور می‌داند. به گفته وی در حال حاضر خوراک این مجتمع که بیسفنول است، بطور کامل از خارج از کشور وارد می‌شود و از این طریق مبلغ ارزی قابل توجهی صرف خرید محصولات پتروشیمی وارداتی می‌شود. این مدیر بازرگانی می‌گوید که در گذشته پتروشیمی خوزستان اقدام به تولید بیسفنول می‌کرد اما چون ماده اصلی بیسفنول را فنول تشکیل می‌دهد، باز هم با چالش نبود ماده اولیه روبرو بوده و تولید بیسفنول در داخل کشور توجیه اقتصادی نداشت. متأسفانه در هیچ کدام از طرح‌های پتروشیمی، تولید فنول دیده نشده که این امر موجب از هم گسیختگی زنجیره تولید محصولات پتروشیمی در کشور است. از سویی دیگر تولید نشدن مواد میانی همچون بیسفنول در داخل کشور هم موجب خروج ارز شده و هم خرید از خارج سبب افزایش بهای تمام شده محصولات پایانی می‌شود که این امر قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی با خارجی را کاهش می‌دهد.

تعدیل و ثابت در سال ۱۹۷۱ متعاقب شکستن رابطه بین دلار و طلا از سوی دولت نیکسون سقوط کرد. پس از آن در دهه ۱۹۷۰ تورم جهانی به اوج رسید تا در دهه ۱۹۸۰ با هزینه زیاد مهار شد. سپس آزاد سازی، مالی موجی از شوکهای بانکی و بدهی را بر اقتصاد جهان به ویژه کشورهای آسیایی تحمیل کرد که اوج آن در سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ اقتصاد جهان و منطقه یورو را در بحران فرو برد. چالش های جدید مقابل نظم اقتصادی فعلی یا برتن وودز (جهانی شدن) زیاد است ولی از همه مهمتر فرایند گریز از مرکز (آمریکا) و اروپا و حرکت تدریجی در جهت تبدیل شدن چین به ابر قدرت اقتصادی جهان است که توجه همه ناظران و رسانه های جهانی را به خود معطوف کرده است. نمایش قدرت رئیس جمهور آمریکا در برابر رقبای جهانی به ویژه چین که برای برخی تحلیلگران به عنوان "نمایش تقلا و استیصال تعبیر شده، نقطه عطف گذار از این دوران به دوره چند قطبی محسوب می شود که البته برای

۱۹۵۰، جمعیت سرانه فقیر جهان که درآمد کمتر از ۲ دلار در روز داشت، ۷۵٪ بود که در سال ۲۰۱۷ به ۱۰٪ کاهش یافته است. نابرابری درآمد جهانی نیز عمدتاً بواسطه رشد اقتصادی کشورهای نوظهور آسیایی به ویژه چین و هند کاهش یافته و بطور کلی جهان در نیمه دوم قرن بیستم از ثبات اقتصادی بیشتری برخوردار بوده است. نمودار صفحه بعد سطح زندگی جهان را طی دهه های بعد از جنگ دوم جهانی نشان می دهد. ارتقاء استاندارد زندگی در کشورهای آسیایی از همه نقاط جهان بیشتر بوده است. البته نمودار به خوبی گویای آنست که کشورهای غنی (آمریکا، اروپا، ژاپن و اقیانوسیه) بیشترین افزایش درآمد را از نظم نوین جهانی داشته اند و آفریقا که فقیرترین جوامع جهان را در خود جای داده، کمترین نصیب را از این افزایش درآمد داشته است.

«چالش ها و ناکامی های نظم برتن وودز»

پیشرفت های نظم غربی برتن وودز بدون چالش و بدون فراز و نشیب نبوده است. رژیم ارزی قابل

سرمایه گذاری در زیر ساخت های آسیایی و بانک نوین توسعه (ایجاد شده توسط چین) نیز در همین جهت حرکت می کنند. گروههای غیر رسمی G7 (هفت کشور عمده صنعتی غرب)، G20 (گروه بیست کشور از بزرگترین کشورهای با اقتصاد باز که از سال ۲۰۰۸ تشکیل می شود) که از سوی دولت ها برنامه ریزی شده و نیز کنفرانس داووس (سوئیس) که از طرف جامعه رسانه ای - تجاری جهانی برگزار می شود، همه و همه این نظم و تقسیم کار فراگیر را که تحت عنوان "جهانی شدن" برقرار گردیده را پشتیبانی و تقویت کرده اند. نیکلاس اشترن از مدرسه اقتصاد لندن (LSE) معتقد است، نظم اقتصادی حاصل از برتن وودز که چند دهه بعد به "جهانی شدن" موصوف گردید، موفق بوده است به نظر اشترن طی چند دهه گذشته از سال ۱۹۵۰ به بعد جمعیت جهان سه برابر شده، حال آنکه در این مدت درآمد سرانه جهان چهار برابر شده و در فاصله ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷ حجم تجارت جهانی ۳۹ برابر شده است. در سال

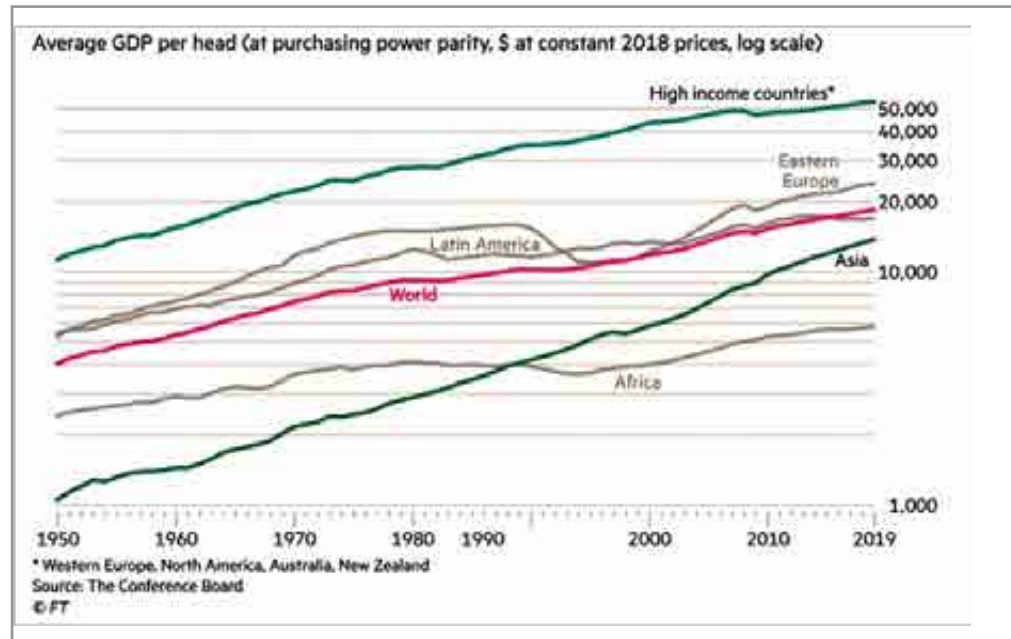


نظم نوین جهانی: خدا حافظ جهانی شدن، سلام بر دنیای چند قطبی

کنفرانس برتن وودز آمریکا در سال ۱۹۴۴ شعار همگرایی و همکاری اقتصاد جهانی را سرلوحه کار خود قرار داد و ثمرات آن رشد و توسعه اقتصادی برای بخش های مختلف دنیا بود. ۷۵ سال بعد دونالد ترامپ به نمایندگی از سوی آمریکا و اردوگاه غرب پایان این دوره را اعلام کرد. وی در نطق افتتاحیه خود در سال ۲۰۱۷ می گوید: "ما باید مرزهای خود را در برابر هجوم کشورهایی که بازارهای مصرف ما را تصرف می کنند، شرکتهای ما را می دزدند و مشاغل ما را نابود می کنند مورد حفاظت قرار دهیم، حفاظت منجر به قدرت و شکوفایی اقتصادی میشود". کنفرانس برتن وودز در ژوئیه ۱۹۴۴ تشکیل شد یعنی زمانی که هنوز متفقین در جنگ دوم جهانی پیروز نشده بودند، ولی در همین کنفرانس اصول و ارکان نظم نوین اقتصادی غرب به رهبری آمریکا که در حال حاضر شاهد افول آن هستیم شکل گرفت. اینک در هفتاد و پنجمین سالگرد این همایش آمریکا احساس می کند که دیگر زمان و تاریخ به نفعش در جریان نیست و شعار "همگرایی و همکاری جهانی" برتن وودز را مورد تردید قرار داده است. از نظر سیاستگذاری اقتصادی، برتن وودز به معنی تعهد به همکاری اقتصادی و قراردادهای بین المللی بین کشورهای جهان بود که نهادهای صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی (WTO) از ارکان آن محسوب می شدند. در گذر زمان و طی چند دهه گذشته تشکیل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و بازوی انرژی آن یعنی آژانس بین المللی انرژی (IEA) این نظم را تقویت کرد و با تکیه بر ناتو و سایر نهادهای غربی و آمریکایی اعتماد به نفس بی نظیری را برای بلوک غرب به رهبری آمریکا به ارمغان آورد. پس از آن و در دوره جدیدتر، بانک های توسعه منطقه ای، بانک



رضا مدبر
تحلیلگر ارشد
امور بین الملل



متوسط تولید سرانه ناخالص ملی در جهان، مناطق و گروههای آن (غرب، اروپای شرقی، اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا)

بر حسب فرمول PPP (برابری قدرت خرید) بر مبنای قیمت های ثابت سال ۲۰۱۸

رسیدن به اوج، حداقل چند دهه آینده اقتصاد و

سیاست جهانی را دچار تلاطم خواهد کرد. هنوز

خیلی زود است که از اضمحلال اقتصادی آمریکا

و رهبری چین بر اقتصاد جهانی صحبت شود و

بر حسب محاسبات مختلف این دوره زودتر از

سال ۲۰۵۰ نخواهد بود، ولی شواهد و قرائن این

فرایند زیاد است. البته بر حسب برخی معیارها،

همین الان هم چین بزرگترین اقتصاد جهان

است. در حال حاضر شکاف در نظم برتن وودز

به خوبی آشکار است و در بعد سیاسی و تجاری

منجر به ظهور ملی گرایی و حفاظت تجاری

(Protectionism) شده و موجبات تششت

جهانی و منطقه ای (حتی در بین خود غربی ها)

گردیده که شکل واضح آن را در شعار "آمریکا

اول" ترامپ و راه انداختن جنگ تجاری علیه

چین، مکزیک، اروپا و حتی کشورهای ضعیفی

نظیر ویتنام و فیلیپین شاهد هستیم. پیروزی

برگزیت و راست گرایان انگلیسی در خروج

از اتحادیه اروپا شکاف دیگری بر نظم موسوم

به جهانی شدن است که تبعات آن به تدریج

گریبانگیر اروپا و سایر اقطار اردوگاه غرب خواهد

شد. ترامپ تنها رقبای تجاری را هدف حمله

و خشم خود قرار نداده، بلکه نهادهای تقویت

کننده نظم حاضر یعنی ناتو، صندوق بین المللی

پول، بانک جهانی و حتی سازمان ملل متحد

(به ویژه معاهده تغییر اقلیمی آن تحت عنوان

موافقت نامه پاریس که از آن خارج شد) را نیز زیر

سوال و فشار قرار داده و معتقد است ساز و کار

آنها بر "سواری گرفتن مجانی" متحدین سنتی

آمریکا از این کشور قرار دارد و همه آنها هزینه های

آمریکا را افزایش داده و در جهت تقویت رقبای

آن عمل کرده اند.

«تریدها نسبت به اقتصاد سرمایه داری

و جهانی شدن

روی کار آمدن ترامپ، پیروزی طرفداران

خروج از اتحادیه اروپا در انگلستان (برگزیت)

و جان گرفتن سایر راست گرایان و عوام گرایان

(پوپولیست ها) در اروپا، برزیل و نقاط دیگر

حامل چه پیامی است؟ چرا مکرراً طی سالهای

اخیر شاهد هستیم که در مقابل جلسات

گروه هفت، گروه بیست و دواموس شهروندان

کشورهای غربی و ثروتمند جهان مستمراً تجمع

اعتراضی بر پا می کنند؟ اعتراضات گروههایی

از فرودستان آمریکائی به نابرابری اقتصادی و

اعتراضات "جلیقه زردها" در فرانسه به افزایش

قیمت سوخت و تجمعات نظیر آنها بیانگر چه

واقعیت هایی در زیر پوست رفاه اقتصادی کلی در

این جوامع است؟ پاسخ کوتاه به این پرسش های

پیچیده آنست که شهروندان کشورهای غنی

(عمدتاً دهک های پایین درآمدی) علاوه بر

نابرابری درآمدی که نسبت به قشر اولیه سرمایه

داران این جوامع با آن مواجه هستند، خطر از

دست رفتن کسب درآمد آسان را در بیخ گوش

خود احساس می کنند. این اقلشار جا مانده

که با سرعت گرفتن تحولات بر تعداد و عمق

درماندگی آنها افزوده میشود، مجبورند در نتیجه

تغییرات فن آوری، مهاجرت فرودستان سایر

مناطق به کشورهای آنها و غیره، تلاش بیشتری

نسبت به گذشته برای کسب درآمد انجام دهند

که مقرون به توفیق زیادی نیست. تحولات

مزبور منجر به "پدیده صنعت زدایی" (مهاجرت

صنایع تولیدی به کشورهای در حال توسعه و

رشد بخش خدمات)، افزایش نابرابری اقتصادی،

و کاهش رشد بهره وری کار، اتوماسیون بیشتر و

ایجاد بحران های مالی غیر منتظره در کشورهای

غنی شده است. مجموعه این شرایط موجبات

ناامنی اقتصادی و درماندگی در طبقات درآمدی

پایین تر این کشورها را افزایش داده است. بر این

مبنای فضای حاکم بر کشورهای ثروتمند جهان به

ویژه در بین شهروندان معمولی و فرودست به

نحوی است که آحاد این جوامع بیشتر از مردم

کشورهای در حال توسعه نسبت به یکپارچگی

اقتصادی و جهانی شدن تردید و اعتراض دارند.

اگر چینی ها به بمن جهانی شدن اقتصاد و

صادرات بیشتر دوران خوشی را سپری می کنند،

اگر هندی ها درآمد زیادی را از سایبری شدن

جهان و کار کردن از راه دور برای شرکتهای

آمریکائی و اروپایی کسب می کنند، اگر هنوز

رویای بسیاری از مردم جهان سوم در مهاجرت

به کشورهای غربی خلاصه میشود، ولی در مقابل

اکثریت مردم بریتانیا و آمریکا ترجیح می دهند

به "گذشته طلایی" چند دهه قبل خود برگردند

و بدون دغدغه و نگرانی بر سایر کشورها سیادت

کنند و حاضرند عطای جهانی شدن را به لقایش

ببخشند. مجموعه این اوضاع و احوال و روندها در

کشورهای ثروتمند به ویژه در آمریکا یک سخنگو

و وکیل دعاوی پیدا کرده است که به زبان ساده و

عامیانه آمریکایی صحبت می کند و می خواهد

پنبه "جهانی شدن" را بزند و آب رفته اقتصاد

سرمایه داری مرکانتلیستی (حمایتگرایانه

تجاری) را به جوی بازگرداند.

دونالد ترامپ از نسل کارگزاران "بی سواد

اقتصادی" است که ششم قوی یک تاجر مجرب

را در تشخیص خطر رقابت آزاد اقتصادی دارد.

ترامپ با کم صبری و منطق هفت تیر کش های

سنتی آمریکا در جهت عوض کردن قاعده بازی

اقتصاد رقابتی و فن آوری های نوین جهانی

تلاش می کند تا آمریکا را از زوال در برابر رقبای

جهانی به ویژه چین حفاظت نماید. صاحب نظران

اقتصادی موفقیت این استراتژی را با تردید

جدی نظاره می کنند، لکن تصمیمات و اقدامات

دولت آمریکا در جهت عوض کردن اقتصاد

رقابتی حاکم بر بازارهای بین المللی می تواند به

قدری گسترده و عمیق شود که آکادمیست ها

و تحلیلگران جهانی مجبور شوند در یافته های خود تجدید نظر کنند.

«آثار و تبعات سیاست ها و اقدامات آمریکا

چنانچه صحبت ها، تعهدات و قول های ترامپ را بپذیریم، بایستی تحولات سیاسی، بین المللی، اقتصادی و تجاری گسترده ای را طی سالهای آینده انتظار داشته باشیم که شواهد و قرائن آن در حوزه های مختلف آشکار شده است. تبعات سیاست های آمریکا از نزدیکترین کشورها به ایالات متحده نظیر مکزیک تا دورترین مناطق جهان مثل کره جنوبی و ژاپن را در بر خواهد گرفت. از نظر تجارت بین المللی، مرزهای آمریکا از جمله مرزهای آزاد و کم تعرفه برای صادرات و واردات می باشد، لکن ترامپ قصد دارد موانع مرزی تجارت را شدیداً تقویت نماید.

نمودار این بخش بیانگر آن است که آمریکا تلاش می کند چتر حفاظت واردات به خاک خود را به شدت گسترش دهد. نمودار همچنین بیانگر آن است که در بین ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان، آمریکا در صدد است تعرفه های وارداتی خود را تقریباً دو برابر کند.

هنوز زود است ظهور دونالد ترامپ را به عنوان تحول راهبردی و ساختاری آمریکا تلقی نماییم. آمریکا طی قرن گذشته به تدریج به قدرتی محوری برای جهان سرمایه داری در آمده که عقب نشینی آن از نقش سنتی چند دهه گذشته تقریباً همه مناطق جهان از نزدیکترین کشور به آن یعنی مکزیک تا دورترین مناطق به آن یعنی ژاپن و شبه جزیره کره و خاورمیانه و خلیج فارس را دچار تلاطم خواهد کرد. هنوز زود است بگوییم جامعه نخبگان آمریکا به ویژه نخبگان سیاسی این کشور نقطه نظرات و سیاستهای ترامپ را حمایت می کنند. حتی در حزب جمهوریخواه آمریکا که مامن محافظه کاران و به نوعی بیگانه ستیزان آمریکایی است (در برابر حزب دموکرات که از ایده های جهانی شدن، حقوق بشر و دموکراسی حمایت می کند)، ترامپ منتقدان جدی دارد. هنوز کار کشته ترین تحلیل گران سیاست های آمریکا نتوانسته اند با احتمال قابل قبولی انتخاب یا عدم انتخاب مجدد "پدیده آمریکا" را پیش بینی کنند. همین سردرگمی و ابهام

در آینده سیاسی آمریکا از طریق اعلام مواضع متواتر، عصبی و بعضاً تناقض آمیز رئیس جمهور آمریکا به اقتصاد جهان و عرصه های سیاسی دنیا منتقل می شود و پیامهای مبهمی را به رهبران و فعالان سیاسی اقتصادی کشورهای دوست و دشمن ارسال می کند. رئیس جمهور آمریکا مستمراً با توییت های تند و آمرانه متحدین و دشمنان آمریکا را به باد انتقاد، ناسزا و لودگی می گیرد، بسیاری از اقدامات دیکتاتورهای جهان را می ستاید و به سادگی دستمال کاغذی مصرف شده، مشاورین و صاحب منصبان معترض خود را بر کنار می کند.

«خاورمیانه، خلیج فارس، ایران و آرامکو

مصادق بارز سردرگمی و بی ثباتی در سیاست خارجی آمریکا، حوادث خلیج فارس با محوریت دشمنی ایالات متحده با ایران است. سیاست

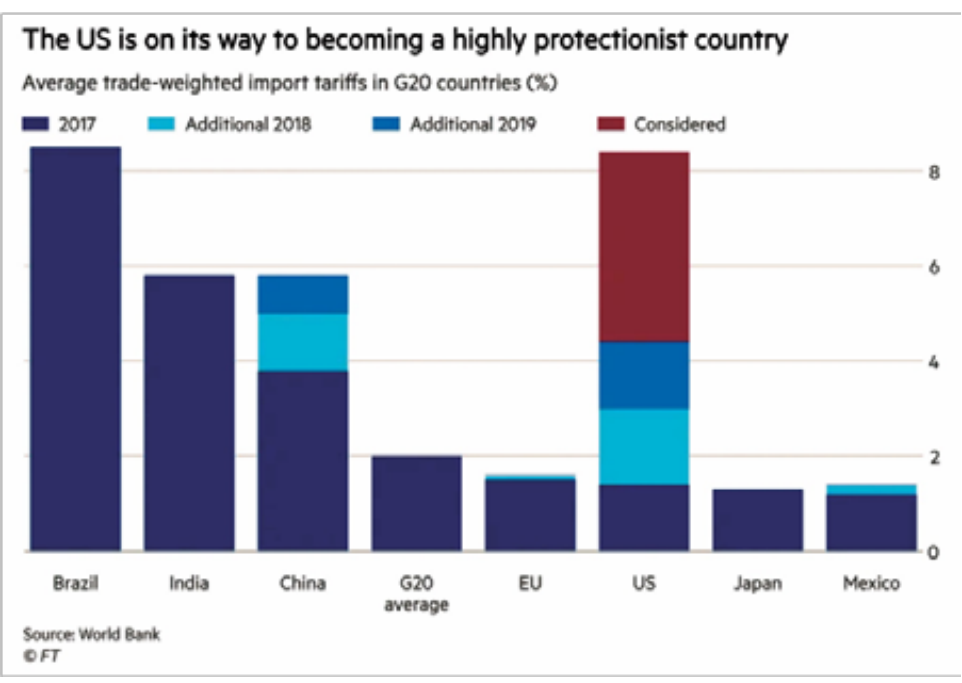


متعارف و سنتی آمریکا که همه متحدین این کشور از جمله اسرائیل و عربستان در انتظار آن بودند، ایجاب می کرد که این کشور پس از سقوط پهباد آمریکائی، ایران را هدف قرار دهد، ولی ترامپ در آخرین دقایق از بیم درگیر نظامی و گسترش آن، فرمان حمله به ایران را نقض کرد. بر همین اساس بسیاری از صاحب نظران روابط بین المللی، حوادث خلیج فارس و اوج آن یعنی حمله به شرکت آرامکو را نقطه عطفی در سازوکار امنیتی جهان تلقی می کنند که به معنی کاهش تعهدات و دخالت های آمریکا در این منطقه می باشد. البته همانگونه که اشاره گردید، بسیار زود است که ترامپ را سخنگوی تمام عیار و بلند مدت آمریکا تلقی نماییم و فقط گذشت زمان و در مرحله اول انتخاب مجدد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا میتواند نقطه نظرات وی نسبت به خاورمیانه و خلیج فارس را تحکیم بخشد.

اخیر بی سابقه است. در ماههای گذشته ایران با سبک سنگین کردن مواضع آمریکا به تدریج با اعتماد به نفس بیشتری کشتی های نفت کش های در حال تردد در این حوزه را متوقف یا توقیف کرده و فعالیتهای نظامی خود را نیز افزایش داده است. در هر بار واشنگتن صرفاً با تهدیدهای صوری که کمتر از آن بوی اقدام عملی به مشام رسیده از کنار موضوع گذشته و آشکارا و پنهان از متحدین و رقبای خود از جمله ژاپن و چین خواسته است هزینه بیشتری برای امنیت تحت رهبری آمریکا بپردازند، چرا که به قول ترامپ آمریکا دیگر نیازی به نفت خلیج فارس ندارد. در تیر ماه گذشته، رئیس جمهور امریکا در یکی از توییت های خود می گوید: " این کشورها (ژاپن، چین و بقیه کشورهای آسیایی وارد کننده نفت) باید کشتی های خود را محافظت کنند."

البته ریشه این بخش از مواضع تهاجمی ترامپ، افزایش تولید نفت و گاز شیل آمریکا است که امنیت دسترسی به انرژی (به ویژه نفت و گاز) را برای این کشور بلاموضوع کرده و اتکای ایالات

روزانه حدود ۲۰٪ تجارت بین المللی نفت از تنگه هرمز صورت می گیرد و دونالد ترامپ نسبت به محافظت و امنیت این شاهراه حیاتی تردیدهای جدی اعمال کرده که در چند دهه



متحدۀ به واردات نفت از خاورمیانه را تقریباً به صفر رسانیده به طوریکه نفت خاورمیانه عمدتاً روانه بازارهای آسیایی می‌شود. ابتکار تولید نفت و گاز شیل ارتباطی به دولت ترامپ ندارد، لکن سیاستها و تلاش های ایالات متحده در زمان ترامپ به اوج موفقیت خود در زمینه امنیت دسترسی به انرژی رسیده و قدرت مانور این کشور را در حوزه سیاست خارجی به نحوی افزایش داده به طوری که ترامپ با جسارت و صراحت از بی نیازی به نفت خلیج فارس صحبت می کند و بر خلاف سایر مواضعش، این موضع گیری وی واقع بینانه تلقی می شود.

«چرا حمله به آرامکو برای بازار نفت شوک عظیم ایجاد نکرد؟»

آمارها گویای آن است که حمله به آرامکو بیشترین کاهش عرضه را برای بازار نفت جهان در طی چند دهه گذشته به ارمغان آورده است. آژانس بین المللی انرژی (IEA) و خبرگزاری بلومبرگ که از معتبرترین منابع اطلاعات انرژی جهان محسوب می شوند، گزارش داده اند که از مجموع ده حادثه سیاسی بین المللی که از سال ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل) تا زمان حادثه آرامکو باعث شده مقدار قابل توجهی از عرضه نفت جهان قطع شود، میزان قطع عرضه حادثه آرامکو از همه بیشتر بوده است. نمودار صفحه قبل گویای میزان قطع عرضه در این ده حادثه می باشد:

در مورد اینکه چرا حادثه آرامکو شوک بحران آفرین برای بازار نفت نداشته، مطالب و گفتار بسیار زیاد است. دلایل عمده این پیامد "کنترل شده" به قرار زیر است:

۱- مهمترین دلیل آن است که با همه اهمیتی که هنوز نفت برای اقتصاد و تجارت دنیا دارد، به نحو قابل توجهی جنبه راهبردی خود را از دست

داده است. علاوه بر آن در حال حاضر درصد ارزش تجارت بین المللی نفت نسبت به مجموع تجارت جهان در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ۱۰٪ هم نمی رسد. سالهاست که نفت از "بازار فروشنده" به "بازار خریدار" تبدیل شده است. ۲- دومین عامل در این قضیه آن است که "وابستگی به نفت" از قدرت های سنتی غرب به کشورهای نوظهور که عمدتاً کشورهای اقتصاد محور هستند نظیر چین، هند، کره جنوبی، ترکیه و نظایر آن منتقل شده است. در

کشورهای غربی و حتی آمریکا سالهاست که تقاضای نفت روند نزولی دارد.

۳- عامل مهم دیگری که در بسیاری از تحلیل ها نادیده گرفته شده آن است که در قضیه عرضه نفت در حال حاضر "ریش و قیچی" دست آمریکا است، چرا که ۴-۵ میلیون بشکه نفت تحریم شده ایران، ونزوئلا و نقاط دیگر را به سادگی و با سست کردن تحریم ها می تواند روانه بازار نماید. بنابراین اراده سیاسی واشنگتن در این مورد برای بازار نفت معنی دار است و شرکت های نفت و دلالت نفتی که معمولاً به استقبال بحران می روند، به خوبی به این واقعیت وقوف دارند و مصرف کنندگان واقعی نیز به همین دلیل رغبتی برای هجوم سنتی به بازار و بالابردن قیمت از خود نشان ندادند.

۴- عامل دیگر کنترل بحران، بالا بودن سطح ذخیره سازی نفت اعم از ذخایر استراتژیک، ذخایر تجاری شرکتهای نفتی و از همه مهمتر بالا بودن ذخایر نفتی خود عربستان، ایران و کشورهای مصرف کننده بزرگی نظیر چین است که مجموعاً بیش از دو ماه مصرف نفت جهان را بدون نیاز به تولید بیشتر تامین خواهد کرد. که این ذخایر ضربه گیر بسیار مناسبی در شرایط بحرانی هستند و فعالان بازار به نحوی آنرا درک می کنند.

۵- پنجمین عامل که مربوط به موضوع روانشناسی بازار است را میتوان به سندروم "چوپان دروغگو" تعبیر کرد. که تحت تاثیر وضعیت سیاسی تنش آمیز خلیج فارس شکل گرفته است. توضیح اینکه کلیه نقش آفرینان واقعی و تصویری این حادثه طی یک الی دو سال گذشته مستمراً واقعیات و جزئیات مسائل مربوط به این حوزه را دستکاری، مخدوش و کاذب جلوه داده اند تا از قبال آن به اهداف سیاسی، نظامی خود نزدیک شوند. در راس این بازیگران

ترامپ و دستگاه سیاست خارجی آمریکا است که به هیچ وجه اعتبار گذشته کشوری را در حد و اندازه آمریکا را ندارند، سپس عربستان است که تحت حکمرانی ولیعهد جوان روزگار ناخوشایندی را سپری می کند. البته ایران،

یمن، دولت های عربی حوزه خلیج فارس و عراق هر یک سعی می کنند علل حوادث و پیامدهای آنرا در جهت سیاست های آشکار و پنهان خود جهت دهند. در حال حاضر خلیج فارس به صحنه "گرگ های

رودرو" شبیه شده که هر یک سعی می کنند چشم بر هم زنند زیرا که چشم بر هم زدن همان و قربانی شدن همان. تا کی این ماجرا ادامه خواهد داشت، هیچکس نمی داند، فقط می دانند که به زودی خاتمه نخواهد یافت.



در حال حاضر خلیج فارس به صحنه "گرگ های رودرو" شبیه شده که هر یک سعی می کنند چشم بر هم زنند زیرا که چشم بر هم زدن همان و قربانی شدن همان

کاریزمای نفت و یک معادله چند مجهولی



سید مهدی
خبرنگار
نفت و انرژی

چوب دوسرطلای نفت نه راه پیش دارد و نه راه پس؛ دیگر کاریزمای گذشته را ندارد و کیسه اش از ارزهای صادراتی خالی شده است. بنابراین باید برای افزایش اندوخته های ارزی و همچنین اعتبار اقتصادی کشور فکر دیگری کرد چرا که همانند گذشته نمی توان به صورت تک بعدی به عصای آن تکیه کرد. در حال حاضر تحریم ها همانند زهری به رگ های صنعت کشور تزریق می شود بنابراین برای مقابله به مثل باید دوام آوردن مقابل هجمه های مالی گذاشت، اما چگونه؟ آن هم در شرایطی که آلترناتیوی برای آن تعریف نشده است. از دیرباز در ترازوی بودجه، سنگینی نفت خام بر سنگینی سایر فرآورده های نفتی و غیر نفتی حسابی می چربیده تا اینکه با عرض اندام تحریم ها یک معادله هذلولی ترسیم می شود. هرچند اخیرا تدابیری اندیشیده شد تا جایگاه صادراتی این دو کفه در ترازوی معاملاتی نفت و فرآورده های نفتی جابجا شود و به عنوان مثال پالایشگاه سازی ها از سر گرفته شوند، اما تا نهادینه شدن این فرآیند قرار است با نفت های دپو شده چه اقدامی صورت بگیرد؟ ضمن اینکه در حال حاضر نمی توان تمام ظرفیت نفت تولیدی را در گلوگاهای پالایشی ریخت. اینگونه که از ظواهر امر بر می آید بودجه به مخدري به اسم نفت همچنان نیاز دارد ولی دست و پای این طلای سیاه در باتلاق تحریم ها گیر کرده است. در این اثنا با توفیق اجباری تحریم ها قرار است به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی اصلی که سال ها پیش مورد

تاکید رهبری قرار گرفته بود جامه عمل پوشانده شود. امری که با حرکت صنایع پَرنَد و مطرح جهانی به سمت اقتصاد سبز مقارن شده و گویای این نکته است که تا چند صباح دیگر نفت ارزشی را که در این مقطع دارد، از دست می دهد. اما تا آن زمان با نفت دپو شده ظرفیت در جای زیر پایمان قرار است چه کنیم؟ در یک طرف نفت زیر زمین می جوشد، از طرف دیگر تلی از پروژه های نیمه کاره قد کشیده و در گوشه ای دیگر بخش خصوصی سرگردان و حیران سرمایه چشم براه یک ناجی باقی مانده اند، بنابراین باید بین این سه بخش یک معادله ملموس و منطقی برقرار کرد.

«تهاتر نفت؛ شاید وقتی دیگر

از آن جایی که گفته اند کوزه گراز کوزه شکسته آب می خورد قرار شد تا از خود همین کالای

در حال حاضر تحریم ها همانند زهری به رگ های صنعت کشور تزریق می شود بنابراین برای مقابله به مثل باید یک پادزهر در اختیار واحدهای صنعتی جهت دوام آوردن مقابل هجمه های مالی گذاشت

باشد، سازمان برنامه و بودجه باید مقدمات را فراهم کند.

«گردبادی به نام سر در گمی

در حال حاضر پروژه های عمرانی نیمه کاره که به روایتی به ۶۰۰ هزار میلیارد تومان می رسد، روی دست دولت باقی مانده است که برای احیای آن باید جذابیت قراردادها را برای بخش خصوصی دوچندان کرد، اما مشکل اینجاست که ممکن است دیگر پول نقدی در کار نباشد و از آن جایی که دیواری کوتاه تر از نفتی ها پیدانمی شود باز هم پیکان ها به سوی این گزینه همیشه روی میز نشانه می رود. البته متصدیان امر برای حرکت پروژه های نیمه کاره لایحه مشارکت عمومی- خصوصی را مطرح کردند تا زمام پروژه ها را به دست بخش خصوصی بسپارند اما هر طرح اجرایی نیاز به سرمایه دارد، هر چند نباید از گردش مالی نقدینگی مردمی غافل شد ولی در شرایط کنونی کدام یک از گزینه ها دست به نقدترند؟ اسناد خزانه، سرمایه مردمی و یا نفت و فرآورده های آن؟ با این تفاسیر نمی توان به یک باره چشم بر روی نفت بست. لذا دولت بنای خود را برای استفاده

از ظرفیت و پتانسیل نفت به صورت دیگری در معاملات گذاشت و بند «ی» را در تبصره یک قانون بودجه ۹۸ لحاظ کرد. اما نکته جالب تر آنکه برخی از مدیران ارشد وزارتخانه ها از وجود چنین تبصره ای غافل بودند و در مقام پاسخ وجود چنین بندی را بالکل انکار می کردند که این خود نشان از عدم بلورپذیری برای اجرای چنین امری از سوی برخی دولتی هایی دارد که به دنبال جذب سرمایه گذار در پروژه ها هستند.

حال با تمام اما و اگر ها شرایط به گونه ای برای اجرای آن فراهم شود و به عنوان یک گزینه در اجرای پروژه ها روی میز برود، اجرای آن کمی چالش برانگیز خواهد شد. ضمن اینکه باید دید بخش خصوصی از چنین معامله ای استقبال می کند و بخش خصوصی نفت خام دریافتی را قرار است چگونه به فروش برساند؟

پاسخ سید حمید حسینی سخنگوی اوپکس به این پرسش خود موید ایجاد عواقبی در ادامه روند مذکور است. حسینی معتقد است اگر نتوانیم نفت بفروشیم جریان تهاتر می تواند راهکاری باشد تا به واسطه آن مقدمات کار برای فروش فراهم شود و بخش خصوصی با تخفیف های بیشتر این کار را

انجام دهد، هر چند بعید است چنین کاری اجرایی شود. او در عین حال احتمال ارائه سایر فرآورده هایی که بازار فروش خود را دارند در این سناریو به جای نفت را منتفی می داند چرا که یقین می داند شرکت مربوطه کالایی را که قادر به فروش آن نیست حاضر است بدین شکل خرج کند، اما فرآورده های جانبی که در بازار فروش داشته باشد را نه. در مجموع این امر می تواند برای بازار چالش هایی را ایجاد کند و به چندگانگی قیمت ها به شدت ضربه بزند، لذا این رویه با سر در گمی همراه خواهد بود.

حال اگر شرایط به گونه ای مهیا شود و سازمان برنامه و بودجه اقدام به اجرای تهاتر کند تاکتیک جدیدی برای خرج کردن بشکه های نفت در چارچوب معاملات داخلی خواهد بود، ولی از سوی دیگر می تواند دغدغه شکل گیری بازار سیاه برای باز شدن پای دلالت و سوداگران به این عرصه را نیز شکل دهد. باید اذعان داشت حرکت دورانی چالش ها در دامنه مخروطی تحریم ها، گردبادی را به حرکت در آورده که متوقف کردن آن شاید کاریزمای گذشته نفت را مطالبه گری می کند تا نقطه ای بر پایان دغدغه های این روزهای اقتصاد کشور بگذارد.



انجمن استصنا، بزرگترین سازندگان تجهیزات صنعت نفت

انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران بانام اختصاری (استصنا) از جمله بزرگ ترین تشکل های بخش خصوصی حوزه نفت و گاز و پتروشیمی است. سیروس تالاری رئیس این انجمن دانش آموخته مهندسی شیمی و پتروشیمی از دانشکده نفت آبادان است که در گفتگو با خبرنگار ماهنامه دنیای انرژی در خصوص شرایط حال حاضر این انجمن و مشکلات فرارو صحبت هایی کرد که در ادامه می آید.

«روند رو به رشد انجمن استصنا را چگونه ارزیابی می کنید؟»

صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در تأمین تجهیزات و قطعات موردنیاز خود از همان اوان فعالیت، وابستگی خارجی داشت و در برهه جنگ ایران و عراق، این ظرفیت توسط صنعتگران ما ایجاد شد و نمایشگاه نفت میزبان حدود ۶۰ الی ۷۰ شرکت ساخت تجهیزات و کالاهای موردنیاز این صنعت بود. در همان زمان و باهدف تأمین داخلی این تجهیزات، انجمن استصنا در سال ۷۹ شکل گرفت و در طی دو دهه اعضاء انجمن بالغ بر ۷۰۰ شرکت افزایش یافته اند و در تعیین عضویت جدید هم قوانین سخت گیرانه ای داریم و معتقدیم سازنده کنونی باید

«مشکلات این بخش هم مطمئناً کم نیستند؟»

تنوع تجهیزات در واحدهای عملیاتی و تعداد مصرف محدود عملاً در مواقعی سرمایه گذاری در این بخش را توجیه نمی کند. تحریم ها نیز سایه سنگین خود را در این صنعت گسترانیده است و با توجه به پیشرفتگی این حوزه، نیاز به دانش روز صنعتگران ما را محدود کرده است. همچنین در روند این تحریم، جذابیت خرید خارجی نیز از مشکلات این صنعت است. شبکه پیچیده مالی و تدارکاتی که شبکه تأمین دارند، شرکت های زیادی در خارج و داخل کشور ثبت می کنند و مشکلات مالی هم ندارند و رقابت ناسالمی در تأمین این تجهیزات به وجود آورده اند. در این رقابت ناسالم، تولیدکننده داخلی در انتقال ارز و تأمین آن مشکل دارد و هم اکنون پروژه هایی در سطح پتروشیمی و یا خطوط انتقال در دست اجراست که با توجه به توان تولیدکننده داخلی، پیمانکار اصرار به وارد کردن تجهیزات از خارج دارد و این ها همان شبکه هایی هستند که با ایجاد رقابت ناسالم، به روند تعطیلی تولیدکننده داخلی صحنه می گذارند.

به هر حال این پدیده همزاد صنایع نفت و گاز و پتروشیمی است و با وضعیت تحریم شرایط ایده آلی در صنعت تجهیزات دارند.

«آیا بحث خودکفایی در صنعت سازندگان تجهیزات نفت توجیه اقتصادی دارد و یا واردات از کشورهای صنعتی می تواند توجیه پذیرتر باشد؟»

در دنیای امروزی هیچ دستگاه دولتی و اجرایی فرصت های اشتغال زایی را به راحتی برون سپاری نمی کند و ایران هم قطر و کویت و امارات و عمان نیست و با توجه به سه دهه فعالیت تولیدی دستاوردهایی خارج از تصور در حوزه دانش فنی داشته است. به اذعان خود مسئولین وزارت نفت، امروزه تجهیزات صنعت نفت از لحاظ کیفی مابین کره جنوبی و غرب قرار دارد. این دستاورد آنجایی شاخص می شود که صنعتگر ما در نبود اتصال به شبکه تکنولوژی جهانی توانسته است به چنین

موقعیت های رشدی برسد. در نمایشگاه های کنونی نفت، سهم تجهیزات بسیار فعال و پررنگ بوده و حتی ۵۰ درصد اعضای ما به دلیل محدودیت فضای نمایشگاهی قادر به حضور در آن نیستند. همه این موارد نشان دهنده این است که راه مادرست بوده و با قاطعیت باید این مسیر را بپییمیم و اساسی ترین رسالت اتحادیه هم همین است.

«تعداد افراد شاغل در این صنعت چه میزان است؟»
شاغلین مستقیم در شرکت های زیرمجموعه استصنا بالغ بر ۱۲۰ هزار نفرند و ۳۵۰۰ شبکه تأمین داخلی نیز در این صنعت فعالیت می کنند.

«در بازاری سازی و بازاریابی بین المللی چه حرفی دارید؟»

در بحث صادرات سه اصل اساسی نقش دارند. اولین آن ساختاری است که دولت باید به وجود بیاورد، حمایت کند، بستر سازی نماید و در صادرات محصولات داخلی تضمین ایجاد نماید. متأسفانه در کشور ما دولتمردان هیچ ساختاری برای تقویت

صادرات محصولات صنعتی ما ندارند. در همین اصل محدودیت های تحریم است که نمی توانیم استانداردهای بین المللی را کسب نماییم. سومین این اصول ظرفیت سازی تولید ملی ماست که

در حوزه صادرات نمی توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم و این ضعف ساختاری ماست که صادرات محور نیست اگر چه که در حال تلاش هستیم تا طرحی تدوین کنیم و صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات را به چالش بکشیم که در حوزه صادرات تجهیزات نفتی نقش پررنگی ندارند.

باز هم باید با حمایت دولت اتفاق بیافتد و متأسفانه به اندازه کافی به توسعه آن اهمیتی داده نشده است. در مجموع این نظرات به نظر می رسد که در حوزه صادرات نمی توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم و این ضعف ساختاری ماست که صادرات محور نیست. اگر چه که در حال تلاش هستیم تا طرحی تدوین کنیم و صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات را به چالش بکشیم که در حوزه صادرات تجهیزات نفتی نقش پررنگی ندارند.

«نظر تان در خصوص بخش خصوصی مطالبه گر چیست؟»

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در رأس همه تشکل ها قرار دارد که متأسفانه جو غالب در این تشکلات بر تجارت و واردات استوار است. اگر هم صادراتی باشد صادرات محصولات نفتی است و صادرات کالاهای صنعتی نقشی ندارند. پس در حوزه مطالبه گری، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نه برنامه و نه اراده ای برای انجام آن ندارد. با توجه به اینکه رابط بین صنعتگران با مجلس و طرح و لایحه قانون گذاری، اتاق بازرگانی،



صنایع، معادن و کشاورزی ایران است همه این مشکلات صادراتی باید با محوریت اتاق انجام شود که در عمل این طور نیست. همچنین هم افزایی ظرفیت انجمن ها نیز که دچار ضعف و ناتوانی است و انجمن ها باید در این زمینه یک فدراسیون تشکیل دهند و این فدراسیون با همکاری اتاق بازرگانی می تواند برنامه های خود را برای توسعه صادرات ارائه دهد و از دولت و مجلس مطالبه گر خواسته هایش باشد.

«برای رسیدن به توسعه تولید و صادرات آیا می توان از الگویی تبعیت کرد؟»

هم دولت و هم انجمن ها و تشکلهای خوبی آگاهند بستری که اقتصاد چین را به بزرگترین صادرکننده دنیا تبدیل نموده است چیست؟ اما اینکه چرا ما به همچون توسعه ای نمی رسیم را باید در ساختار اقتصادی کشور تفحص کرد که در آن اختلاس و سوءاستفاده های مالی موج می زند و این دستگاه و ساختار دولت های ماباقوانین دستوپاگیر نمی تواند در مسیر توسعه ای گام بردارد دولت ها با شعارهای مختلف پست هارامی گیرند و هیچ اتفاق تازه ای هم نمی افتد. ما نیازمند انقلاب اقتصادی هستیم

«برای برون رفت از مشکلات تولید و صادرات، رگولاتوری می تواند نقشی داشته باشد؟»

انجمن استصنا یک استراتژی تدوین کرده که مرکز ثقل آن بحث رگولاتوری است که در ابعاد ظرفیت کلیه اعضا و منافع قانونی به نفع صنعتگر گسترش یافته است. ما قوانین نوشته روی کاغذ زیاد داریم از جمله قانون تولید، فعالیت سرمایه گذاری، صنعتی و ... ولی وقتی در ساختار غلط قرار می گیرند جواب مساعد نمی گیرند. لذا استراتژی انجمن بر روی محور رگولاتوری است که بتواند از حداکثر ظرفیت های قانونی مملکت به نفع اعضایش استفاده نماید.

همان طور که می دانید قانون استفاده حداکثری از ظرفیت های داخلی که آخرین اصلاحیه اش هم به تصویب مجلس رسیده است از سال ۷۵ تا به

امروز اجرا نشده و در حال حاضر این قانون به دولت ابلاغ شده و دولت در حال تدوین آیین نامه های آن است و تأکید هم شده است که در تدوین آن از نمایندگان بخش خصوصی کمک گرفته شود ولی تاکنون کسی از ما کمکی در تدوین آن نخواست است و تأسفبارتر آنکه طبق قانونی که عنوان کرده تمام پروژه های دولتی، تجهیزاتی که باید از داخل تأمین نماید و حتی تجهیزاتی که در ایران نباشد شرکت خارجی باید مشابه آن را در داخل پیدا کند و امتیاز تکنولوژی به آن بدهد تا در پروژه استفاده شود ولی خلاف همه این ها در حال انجام است.

«خود تحریمی، دستورات خلق الساعه، قوانین دست و پا گیر برای تولیدکننده شما کلماتی آشنا هستند. چه نظری دارید؟»

اگر آمار دهه ۸۰ را بررسی کنیم با توجه به درآمد کلان نفتی که از محل فروش راحت نفت به دست آوردیم واردات کالاهای صنعتی ما رشد قابل ملاحظه ای داشت و در همان دهه نیز قانون عدم واردات کالاهای ساخت داخل داشتیم اما به راحتی توسط خود دولت نقض قانون شد و یادر صنعت خودرودر همین دهه بالغ بر ۵ میلیارد دلار قطعات خودرودر کشور شد در حالی که سازندگان ایرانی در همان زمان قطعات سکشن توربین زمینس را تولید می کردند قطعات پراید به وفور وارد می شد و انجمن استصنا گلایه و شکایت همیشگی از سازمان بازرسی کل کشور داشته است. متأسفانه همه این موارد خیانت آشکار ملی است.

«بانک ها در این حضيض توسعه ای چه نقشی داشته اند؟»

متأسفانه بانک ها در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی بهره بانکی را برای صنعت و تولید به ۱۱ درصد رساندند که در کار صنعت تجهیزات نمود عینی پیدا کرده بود و هم اکنون به ۱۸ درصد رسیده است که عملاً با هزینه های جانبی و نوع قراردادی که بستر می شود به ۲۴ درصد می رسد در کنار آن نیز وثایق ملکی است که شیوه ای جاری در هیچ جای دنیا نیست.

«نقبنی بز نیم به مطالبات مالی پیمانکارانی که اهم مشکلات صنعتی شماست.»

بله متأسفانه پرداخت های دولتی است که با زمان زیادی در دریافت آن مواجه هستیم و هم اکنون هم چالشی بین شرکت های تابعه و وزارت نفت یا شرکت ملی نفت هست که پس از انجام مراسم مناقصه و تعهد خرید، بر سر تأمین بودجه خرید،

خریدار مسئولیتی را متوجه خود نمی کند و مشکلاتی را برای برنده مناقصه ایجاد می نماید.

«هم افزایی بیشتر تشکلهای مرتبط تا چه اندازه می تواند کار ساز باشد؟»

در سال های گذشته اتحادی بین چهار انجمن بزرگ استصنا، اپک، مهندسين مشاور

و انجمن اتوماسیون به وجود آمد اما همه این ساختارها در کشور ما از یک ضعف ملی رنج می برند و آن فرهنگ عملکرد جمعی است و بر اساس همین نقاط ضعف توفیق چندانی را حاصل نمود اما به ششخصه معتقدیم با توجه به وضعیت موجود و ظرفیت هایی که در سطح ملی شکل گرفته است باید فدراسیون

از همه انجمن ها و اتحادیه ها مشمول صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایجاد کنیم که دستاوردهای ملی ما را در جایی اختصاصی به نام نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت به نمایش گذارد. امیدواریم در برگزاری این نمایشگاه شاهد دستاوردهای نو از این صنعت باشیم.



کارشناسان MTBE موجود در سوخت را عاملی مهم‌تر از گوگرد می‌دانند

حلقه مفقوده کیفیت بنزین

با ورود به نیمه دوم سال بحث‌ها پیرامون کیفیت سوخت به ویژه در کلانشهرها، میان سازمان‌های ناظر و شرکت ملی بخش فرآورده‌های نفتی بالا گرفته است. ماجرا از انتشار یک خبر از سوی شرکت کنترل کیفیت هوای تهران آغاز شد. اواخر شهریور بود که شرکت کنترل کیفیت هوای تهران اعلام کرد «نتایج آنالیز محتوای گوگرد موجود در نمونه‌برداری‌های صورت گرفته از سوخت بنزین در تهران نشان می‌دهد که غلظت گوگرد در کلیه نمونه‌ها - شامل بنزین معمولی و سوپر - فراتر از حد مجاز قرار دارد و میانگین آن در سوخت بنزین طی بهار و تابستان به ترتیب ۱۹۰ و ۱۶۶ بخش بر میلیون بوده که از حد مجاز یورو ۴ فراتر بوده؛ البته در فصل تابستان اندکی کاهش در نتایج مشاهده می‌شود.» اعلام این خبر کافی بود تا بحث‌هایی دنباله‌دار میان شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، سازمان ملی استاندارد ایران و شرکت ملی پالایش و بخش فرآورده‌های نفتی آغاز شود و طی آن یک طرف ماجرا بر صحت نتایج آزمایش‌های خود تاکید کند و طرف دیگر بار دین نتایج آنها را شایعه بخواند. در میان کشمکش‌هایی که میان سازمان‌های ناظر و سازمان مسئول توزیع سوخت در کشور بر سر غلظت گوگرد سوخت یورو ۴ وجود دارد؛ برخی کارشناسان عقیده دارند بنزین‌های یورو ۴ توزیعی در کلانشهرها به لحاظ غلظت گوگرد مشکلی ندارند اما به علت وجود ماده‌ای دیگر در ترکیبات این نوع بنزین خالی از مشکل نیز نیستند. به واسطه این اظهار نظر، بعد تازه‌ای از یک ماده اثرگذار بر کیفیت سوخت در کشور توجه قرار می‌گیرد که نام آن MTBE (متیل ترشیو بوتیل اتر) است و مصرف آن از حدود بیست سال قبل در اروپا ممنوع شده است.

«شروع یک مناقشه

با انتشار خبر بالا بودن گوگرد در سوخت توزیعی در کلانشهرها از سوی شرکت کنترل کیفیت هوای تهران؛ سازمان ملی استاندارد و شرکت ملی پالایش و بخش فرآورده‌های نفتی این ادعا را رد کرده و آن را شایعه دانستند. در این بحث حتی پای وزیر نفت نیز باز شد تا بیزن زنگنه طی هفته‌های گذشته اخبار مربوط به کاهش کیفیت سوخت کلانشهرها را شایعاتی در جهت تخریب عملکرد وزارت نفت و زیرمجموعه‌هایش بداند. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با ارایه توضیحاتی اعلام کرد «شاخص

پایگاه
اطلاع‌رسانی
لوپکس

اما شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با تاکید بر اینکه نتایج آزمایش‌های آنان در آزمایشگاه تحت نظارت موسسه ملی استاندارد به دست آمده، تاکید داشت که «بر اساس نمونه‌برداری‌های انجام شده از سوخت بنزین پنج پمپ بنزین در تهران، غلظت گوگرد در کلیه نمونه‌ها فراتر از حد مجاز و میانگین آن طی بهار و تابستان به ترتیب ۱۹۰ و ۱۶۶ ppm بود. این در حالی است که غلظت استاندارد گوگرد بنزین در سوخت یورو ۴ باید ۵۰ ppm باشد.»

در این مسیر دفتر پایش فراگیر سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان سازمانی که بر اساس قوانین بالادستی وظیفه رصد کیفیت سوخت توزیعی را بر عهده دارد؛ با شرکت کنترل کیفیت هوای تهران همصدا شد و یکی از مشکلات سوخت توزیعی در تهران و سایر کلانشهرهای کشور را غلظت بالای گوگرد عنوان کرد. طبق اعلام سرپرست دفتر پایش فراگیر سازمان حفاظت محیط‌زیست، در بسیاری از نمونه‌های که در سال جاری از سوخت‌های توزیعی در کلانشهرها گرفته شده؛ گوگرد فراتر از حد مجاز PPM ۵۰ بوده است زیرا نمونه‌برداری‌های بنزین در کشور نشان می‌دهد که در شهریور گوگرد ۸۵ درصد نمونه‌ها بین ۵۰ تا PPM ۲۵۰ بوده و ۱۵ درصد نمونه‌ها نیز گوگردی فراتر از PPM ۲۵۰ داشته‌اند. اما در شرایطی که هنوز مجادلات طرف‌های درگیر در بحث غلظت گوگرد سوخت یورو پایان نیافته؛ وجود یک عنصر دیگر در ترکیب بنزین کشور مورد تاکید قرار می‌گیرد که به لحاظ اثرات مخرب بر محیط زندگی و سلامت انسان

دست‌کمی از گوگرد ندارد اما بحث بر سر آن به میزان گوگرد پررنگ نشده است.

«نبود اتانول؛ مشکل اصلی سوخت

با وجود تاکیدی که در مناقشات اخیر بر سر غلظت گوگرد وجود داشت، مرتضی شهریاری، کارشناس حوزه بنزین و پالایشگاه عقیده دارد در حال حاضر بنزین یورو ۴ تولیدی در کشور به لحاظ غلظت گوگرد مشکلی ندارد و حتی اگر سطح آن بیش از PPM ۵۰ نیز باشد؛ همچنان در سطح خیلی خوب است. به عقیده شهریاری که در کمیسیون شیمیایی و گاز اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی به عنوان نائب رئیس عضویت دارد؛ بنزین یورو ۴ تولید شده در دو پالایشگاه ستاره خلیج فارس و شازنداراک، به لحاظ کاهش گوگرد در سوخت تولیدی خود عملکرد خوبی دارند. با این حال این کارشناس به بعد دیگری از ماجرا اشاره می‌کند. به گفته شهریاری بنزین‌های یوروی تولیدی در کشور فاقد اتانول با خلوص ۹۹ درصد است و به علت پایین بودن اکسیژن بنزین؛ شاهد سوخت شدن بهینه آن نیستیم. برای مثال در بنزین یورو ۵ وجود ۱۰ درصد اتانول در حالی اجباری است که این اتفاق در کشور رخ نداده و تبدیل به مشکل اصلی کیفیت سوخت شده است. این کارشناس در توضیح بیشتر با تاکید بر اینکه در حال حاضر معضل آلودگی سوخت به گوگرد مربوط نمی‌شود، گفت: در کشور ما بر خلاف دیگر کشورهای دنیا به جای افزودن اتانول ۹۹ درصد به بنزین، ماده MTBE به ترکیبات اضافه می‌شود. این ماده اگر چه می‌تواند اکسیژن را در سوخت تنظیم کند اما به علت مشکلات زیست‌محیطی از ۲۰ سال قبل مصرف آن در اروپا یا کشوری نظیر برزیل متوقف شده و اتانول ۹۹ درصد جایگزین آن شده است. طبق توضیحات شهریاری اگرچه MTBE اکسیژن سوخت را تنظیم می‌کند اما پس از خروج از اگزوز خودرو به جای حرکت به سمت هوا به روی زمین می‌نشیند و به این علت که با نسبت بالا در آب حل می‌شود، قابلیت نفوذ

به خاک و آب‌های زیرزمینی و همچنین نشست بر روی پوست انسان را دارد. به این ترتیب در شرایطی که اثرات سو این ماده بر محیط‌زیست و سلامت انسان مشخص شده میزان زیادی از آن در بنزین‌های مصرفی در کشور وجود دارد. در

بر اساس
نمونه‌برداری‌های انجام
شده از سوخت بنزین
پنج پمپ بنزین در
تهران، غلظت گوگرد در
کلیه نمونه‌ها فراتر از حد
مجاز و میانگین آن طی
بهار و تابستان به ترتیب
۱۹۰ و ۱۶۶ ppm بود

حال حاضر تنها دو پالایشگاه ستاره خلیج فارس و شازنداراک مسولیت تولید بنزین یورو ۴ و یورو ۵ را بر عهده دارند و پالایشگاه‌های اصفهان و تبریز نیز در حال تلاش برای پیوستن به این دو پالایشگاه هستند. بنزین تولیدی در این پالایشگاه‌ها در حالی به لحاظ غلظت گوگرد در شرایط خوبی قرار دارند که کارشناسانی همچون شهریاری عقیده دارند تا زمانی که اتانول با درجه خلوص ۹۹ به بنزین یوروی تولیدی اضافه نشود بحث کیفیت آن نیز تکمیل نمی‌شود. به گفته این کارشناس اتانول تولیدی در کشور تخمیری است و از سوی دیگر حجم تولید آن نیز پاسخگوی کل تولید بنزین داخلی نیست. با توجه به میزان مصرف فعلی بنزین در کشور ماهانه حدود ۴ هزار تن اتانول خلوص ۹۹ درصد مورد نیاز است که طبق گفته شهریاری توان تامین آن در کشور وجود ندارد. به این ترتیب در حالی این روزها کیفیت بنزین مصرفی در کلانشهرها و میزان غلظت گوگرد آنها مورد بحث و مناقشه قرار دارد که به نظر می‌رسد بخش مهم‌تری از کیفیت بنزین که سراسر کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ مغفول مانده است.



سوریه، سال‌های جنگ سال‌های بازسازی



نادی صوری
دنیای انرژی

از مرز بازرگان که بگذرید یک رانندگی ۹ ساعته در ترکیه شما را به سوریه می‌رساند.

اگر اوضاع خوب و آرام باشد شما می‌توانید از مرزهای ایران اتوموبیلتان را به سمت استان انبار عراق ببرید و راهتان را کوتاه‌تر هم کنید. خلاصه سوریه فاصله خیلی زیادی با ایران ندارد و البته روزگاری هم مهمان‌های زیارتی قابل توجهی از جای جای ایران داشت. آوارهای جنگ

اما به سدی میان زائران ایرانی و سوریه و همچنین تاجران ایرانی در بازار این کشور تبدیل شد. بامداد ۱۹ جمادی‌الثانی سال گذشته اما هواپیمایی که فرودگاه بین‌المللی دمشق را ترک کرد تا در شلوغی‌های اسفند تهران بر زمین بنشینند و بشار اسد مسافرش بود، نشانه‌هایی هر چند کوچک از بازگشت ثبات به سوریه مخابره کرد. سوریه را کشور دشت‌های حاصلخیز، کوه‌های بلند و صحراهای دانداندا جنگ این تصاویر را مخدوش کرده و حالا وقتی شما کلمه کوه بصره از کوه‌های سوری را در گوگل سرچ می‌کنید، نتیجه در قسمت تصاویر سربازان تفنگ به دست است. ولی این کشور به خاطر مدیریت‌های بودنش اگر

در حالت رونق باشد فرصتی مناسب برای کسب و کار است. حمید حسینی دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگویی با «دنیای انرژی» از فرصت‌های سوریه برای تاجران حوزه فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی می‌گوید. سوریه این روزها ۶۰ هزار بشکه در روز واردات فرآورده دارد که البته تقاضایش بیشتر هم هست. در این گزارش عزیزالله رمضانی مدیر کل سابق امور بین‌الملل شرکت گاز نیز میزان عملیاتی بودن صادرات گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

علی سلیمان غانم وزیر نفت سوریه در روزهایی به خصوص به ایران آمد، فقط چند روز از مورد حمله قرار گرفتن تاسیسات آرامکو در عربستان می‌گذشت و شایعه حمله سایبری به تاسیسات نفت و گاز ایران بر زبان‌های چرخید. شایعه‌ای که البته مسئولان آن را رد کردند اما حضور سلیمان غانم وزیر نفت سوریه در عسلویه به شکلی متفاوت شایعات را از بیخ از بین برد. او بعد از اینکه با همراهی مسئولان وزارت نفت ایران تاسیسات گازی ایران را از نزدیک دید به تهران آمد تا در کنار ملاقات با وزیر صنعت و راه و شهرسازی، از نمایشگاه ایران پلاسست دیدن کند، جایی که هر چند بیشتر همراهانش را باز هم دولتی‌های سوری تشکیل می‌دادند اما در میانشان تک و توک تاجران این کشور هم دیده می‌شدند. مهم‌ترین خروجی سفر سلیمان غانم به تهران را شاید بتوان صحبت‌هایش درباره تلاش جدی دولت سوریه برای دنبال کردن ایجاد اتاق بازرگانی ایران و سوریه دانست. پیش‌تر روزنامه تعادل یکی از مهم‌ترین پروژه‌های این دوره اتاق بازرگانی ایران را تقویت روابط تجاری میان ایران و سوریه دانسته و نوشته بود که تأسیس دفتر نمایندگی مجهزی در سوریه و سپس ایجاد اتاق بازرگانی ایران و سوریه بخشی از کارهای اتاق ایران است. حسن دانایی‌فر، سفیر با تجربه پیشین ایران در عراق در مورد شرایطی که اکنون برای تجارت با سوریه وجود دارد می‌گوید:

شرایط فعلی و ریسک سرمایه‌گذاری در کشور سوریه در مقایسه با عراق بعد از جنگ به مراتب کمتر است و به واقع فضای شفاف‌تری در مقابل و پیش روی فعالان بخش خصوصی ایران وجود دارد و می‌باید از این شرایط به بهترین نحو ممکن بهره‌برداری شود. در زمینه تجارت با سوریه البته چالش‌های مختلفی وجود دارد ریاست هیات‌مدیره تعاونی تولیدکنندگان محصولات غذایی گفته است که نبود خط اعتباری مناسب و اجرا نشدن توافق تجارت آزاد با سوریه، راه زمینی محدود برای انتقال کالا به سوریه و سهل نبودن دریافت پول محصولات صادراتی، از دید بازرگانان ایرانی مشکلات تجارت با سوریه به حساب می‌آیند. اما با تمام این تفاسیر به نظر می‌رسد دوره‌ای جدید پیش روی تجارت ایران با سوریه قرار دارد.

«دمشق در ثبات؟»

نخستین نشانه‌ها از اینکه سوریه وارد دوران ثبات نسبی شده را باید در سفر اسفند ماه سال گذشته بشار اسد به تهران جست‌وجو کرد. هواپیمای اسد که برای بار دوم بعد از بحران‌ها در تهران به زمین نشست تا حدودی این پیغام را مخابره کرد که دمشق در آرامش است. ایرنا بعد از سفر بشار اسد به تهران نوشت که اسد با حضور در تهران اعلام کرد که ایران به خاطر کمک به سوریه در جریان بحران هشت ساله اولین کشور در دوران پسابحران در سوریه برای بازسازی و همکاری و بسط و گسترش روابط است. اما مسئله این است که حضور در بازسازی سوریه علاوه بر اراده دولت‌ها به خواست و تلاش تاجران و سرمایه‌گذاران و مردم هم بستگی دارد. حمید حسینی دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق که به طور کلی در تجارت منطقه‌ای تجربه فراوانی دارد معتقد است که بازار سوریه برای فعالان فرآورده‌های نفتی فرصتی مهم است که باید از آن بهره ببرند. او در گفت‌وگویی با دنیای انرژی به این مسئله می‌پردازد که همزمان

با نخستین خبرها در مورد باز شدن مرز بوکمال در استان الانبار که راه تجارت ایران با سوریه را بسیار هموار می‌کند، این امکان وجود دارد که از ظرفیت مازاد فرآورده‌های نفتی که کیفیتشان نیز بالا رفته برای تجارت با عراق و سوریه استفاده شود. اهمیت بازگشایی مرز بوکمال در تجارت ایران با سوریه بسیار بالاست، پیش‌تر امیر امینی معاون برنامه‌ریزی وزارت راه و شهرسازی به دنبال سفر سال ۹۷ عباس آخوندی وزیر وقت راه و شهرسازی به سوریه گفته بود که طرحی برای احداث راه آهن میان ایران-عراق و سوریه وجود دارد که از طریق بصره عراق به 'بوکمال' و از آنجا به 'دیرالزور' سوریه می‌رسد. اما قبل از هر چیز باید به یک سوال جواب داد؛ چرا نقش سوریه در تجارت ایران هیچ وقت آن قدر پررنگ نبوده است؟ طبق آمارهایی که تجارت فردا پیش‌تر منتشر کرده است سال ۱۳۸۹ قبل از اینکه همه چیز در سوریه به هم بریزد، ایران سالی ۵۴۵ میلیون دلار به این کشور صادرات داشت. جنگ همه چیز را به هم ریخت تا صادرات به سوریه در سال ۱۳۹۳ به ۱۰۰ میلیون دلار برسد. همزمان با آرام شدن نسبی اوضاع در دمشق، وارد شدن کالاهای ایران هم شروع به بازیابی خود کرد و طبق آماري که حمید حسینی می‌دهد اخیرا به ماهی ۱۰ الی ۱۲ میلیون دلار رسیده است. دبیر کل اتاق ایران و عراق معتقد است سه عامل عمده در کم بودن رقم صادرات ایران به سوریه نقش دارد، «کوچک بودن حجم اقتصاد سوریه»، «هزینه‌های بالای حمل و نقل» و «اقتصاد دولتی و محدودیت‌های وارداتی» که این کشور دارد. از طرف دیگر قبل از شروع جنگ، سوری‌ها در بعضی بازارها مثل صنایع نساجی و چرم خودشان رقیب ایرانی‌ها بودند. حمید حسینی در این مورد عنوان می‌کند: «آن‌ها یک کشور مدیریت‌انه‌ای و مستعد خیلی فعالیت‌ها هستند، سوری‌ها نسبت به دیگر اعراب خصلت‌های متفاوتی دارند و آب و هوای مدیریت‌انه از آن‌ها آدم‌های جدی‌تر و کاری‌تری

ساخته است». همین خصلت‌ها چیزی است که به نظر دبیر کل اتاق ایران و عراق باعث می‌شود اقتصاد سوریه بتواند در کوتاه مدت و میان مدت خود را بازسازی کند. البته اتصال بازار ایران به سوریه مخصوصاً از مرز بوکمال، چیزی نیست که به مذاق کشورهای عرب منطقه و کشورهای غربی خوش بیاید، یکی از دلایل این ماجرا به این برمی‌گردد که سوریه می‌تواند دروازه بازار گاز ایران به اروپا حساب شود.

حمید حسینی می‌گوید که محور غربی-عربی نگران موقعیت استراتژیکی است که ایران از طریق حضور در سوریه می‌تواند پیدا کند. جدا از این مسائل شواهد نشان می‌دهد تجار ایرانی بعضاً با سوریه و بازارش آشنایی چندانی ندارد، در یک نمونه در سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران‌پلاست که اخیراً برگزار شد، در حالی که علی سلیمان غانم وزیر نفت سوریه به همراه یک هیأت از غرفه‌ها بازدید می‌کرد، مسئول یکی از غرفه‌ها او را با وزیر نفت عراق اشتباه گرفت و چند دقیقه‌ای درباره آمارهای صادراتش به عراق صحبت کرد. مسئول این غرفه که صاحب یک شرکت در حوزه پلاستیک بود می‌گفت که هیچ وقت اصلاً به تجارت با سوریه فکر نکرده و در واقع برای خودش هم عجیب بود که چرا تاکنون به این کشور فکر نکرده است. حمید حسینی اعتقاد دارد به طور کلی در ایران در مورد اشتراکات فرهنگی با کشورهای همسایه خیلی کاری صورت نگرفته است و بیشتر ارتباط با منطقه را روابط نظامی شکل داده‌اند.

یک سوال مهم این است که آیا دوره بازسازی سوریه می‌تواند تصویری متفاوت از گذشته را رقم بزند؟. طبق آخرین آمارها سوریه در حال حاضر هر روز ۶۰ هزار بشکه فرآورده نفتی وارد می‌کند و عملاً به خاطر افت شدید تولید نفت خام، توانایی استفاده از ظرفیت ۱۳۰ هزار بشکه در روز پالایش را هم ندارد. دبیر کل اتاق ایران و عراق می‌گوید این بازار بسیار خوبی برای اعضای اتحادیه

صادر کنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی است. در حالی که به دنبال سفر علی سلیمان غانم به تهران مسئله شکل‌گیری اتاق بازرگانی ایران و سوریه هم مطرح شده است، حسینی بر این باور است که تاجران فرآورده‌های نفتی می‌توانند همین حالا در شکل‌گیری این اتاق نقش‌پذیری داشته باشند. وی با پیش کشیدن یک دید کلان به مسئله تجارت با سوریه می‌گوید: «ما باید دنبال چیزی بیشتر از صرف صادرات به سوریه یا عراق

در ایران در مورد اشتراکات فرهنگی با کشورهای همسایه خیلی کاری صورت نگرفته است و بیشتر ارتباط با منطقه را روابط نظامی شکل داده‌اند

باشیم، ما باید طرح‌هایی را دنبال کنیم که در آن از افغانستان و پاکستان و ایران و عراق و سوریه و لبنان همه نفع ببرند»

«نقش گاز در مناسبات منطقه‌ای

صحبتی که دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق در مورد طرح‌های منطقه‌ای که همه از آن نفع ببرند می‌کند، نیازمند کالایی است که به نوعی این کشورها را به هم متصل کند، گاز در اینجا می‌تواند نقشی کلیدی بازی کند. اما عزیزالله رضانی مدیر امور بین‌الملل سابق شرکت ملی گاز در این باره به «دنیای انرژی» می‌گوید: «موضوع احداث خط لوله‌ای که از ایران به عراق و سوریه و بعد لبنان و اروپا برود حدود ۱۰ سال پیش در سطح مقامات مطرح شد و حتی در سال ۲۰۱۰ تفاهم‌نامه‌ای هم بین مقامات ایران و عراق و سوریه در این مورد امضا شد». اما حداقل در آن زمان روی کاغذ گزینه صادرات گاز به اروپا از طریق ترکیه برای ایران معقول تر بود و ماجرا به جای خاصی نرسید. اما در حال حاضر طرحی مثل گذر گاز ایران از سوریه را باید چقدر جدی و قابل اجرا دانست؟ آقای رضانی اعتقاد دارد این طرح روی کاغذ قابل اجرا است ولی در عمل ۲ چالش اساسی دارد: یکی سرمایه‌گذار طرح و دیگری مشتری مشخص آن در اروپا. مدیر سابق امور بین‌الملل شرکت ملی گاز می‌گوید ریسک‌های این طرح امروز از ۱۰ سال پیش هم بیشتر شده چرا که روسیه و امریکا شدیداً بر سر بازار گاز اروپا رقابت می‌کنند. البته بعضی هم این ایده را طرح می‌کنند که اگر در آینده‌ای دور یا نزدیک اوضاع مالی ایران خوب باشد ارزشش را دارد که ایران در کشورهای منطقه و همسایه با هزینه خودش خط لوله گاز احداث کند و مثلاً در بازار اروپا هم با بازی‌های قیمتی سهم بگیرد. رضانی البته بر این باور است که نمی‌توان مطمئن بود که چنین اقدام‌هایی چقدر بتوانند نتیجه‌بخش باشند.

سامانه ارتباطی نفت، گاز و پتروشیمی ایران

صنایع نفت، گاز و مشتقات پایین‌دستی آن به‌عنوان حیاتی‌ترین بخش در آمدزای کشور عزیزمان ایران همواره مورد توجه زیادی قرار می‌گیرد. این صنایع از دیرباز تا به اکنون پستی و بلندی‌هایی را طی نموده و در دنیای امروز با توجه به ارزش و اهمیت نفت و مشتقات نفتی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های نفتی منطقه با سرانه تولید بالای نفت و محصولات نفتی، بخش گسترده‌ای از بازار جهانی را در اختیار گرفته است. علیرغم آنچه گفته شد صنعت نفت در محور تمام گفتمان‌های اقتصادی وجود دارد، اما در بخش‌های مربوط به بررسی چالش‌ها و نواقص احتمالی نادیده گرفته می‌شود. این صنعت صرفاً به‌عنوان ابزار تولید پول و عامل ارزآوری دیده می‌شود ولی در راستای تحلیل و بررسی نیازهای واقعی آن هیچ اقدامی صورت نگرفته است. از حوزه‌های کلیدی صنایع نفت و گاز در عرصه بین‌الملل می‌توان به پتانسیل زائدالوصف صادرات نفت و محصولات نفتی نگاه کرد که همچنان با چالش‌های جدی بازاریابی مواجه می‌باشد؛ اما با بررسی شرایط موجود، وجود یک محیط مناسب برای نمایش توانمندی واحدهای تولیدی، شناسایی شرکت‌های توانمند، معرفی محصولات برتر تولید داخل، بسترسازی تهیه تجهیزات پتروشیمی و پالایشگاهی و بازاریابی بین‌المللی لازم بود و یکی از حلقه‌های گمشده در این صنعت بوده است.



مختلفی همچون بررسی لیست تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی، شیمیایی و فراهم‌آوردندگان تجهیزات صنعتی در زمینه‌های تأمین و تجهیز واحدهای تولیدی هزاران درخواست دریافت شده است و در نظرسنجی‌های صنعتی پترو کالا مورد استقبال چشمگیر صنعت گران قرار گرفته است. شرکت بین‌المللی پترو کالا به‌عنوان یک ویتربین نمایش و یک نمایشگاه دائمی صنعتی مجازی می‌تواند صفر تا صد نیازمندی‌های عرصه نفت، گاز و پتروشیمی را در برگیرد و در سامانه جامع خود پوشش دهد.

تجهیزات و خدمات قابل‌عرضه خود را در سطوح ملی و بین‌المللی به نمایش بگذارند. در رویکردی که پترو کالا اتخاذ نموده است به‌عنوان اولین و جامع‌ترین محیط تجاری-صنعتی در حوزه صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی در گستره پهناور ایران زمین و سایر کشورهای منطقه وارد عمل شده و با بهره‌گیری از محبوب‌ترین تحلیل گران فنی، متخصصان بازاریابی نفت، گاز، پتروشیمی، کارشناسان مدیریت مالی و همچنین مدیران ارشد کنترل پروژه توانسته است به توسعه این بازار بپردازد. در فراخوان‌های اولیه شرکت، در بخش‌های

شرکت‌آذران پلاست با بررسی چندساله و برای رفع این مشکل با ایران پترو کالا وارد میدان شد و به‌عنوان منتخب‌ترین شرکت دانش‌بنیان استارت‌آپ سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران پلاست مطرح گردید و مورد پوشش خبری رسانه‌های ملی به‌ویژه شبکه‌های تلویزیونی قرار گرفت. پترو کالا با ایجاد بستری مناسب و محیطی کاملاً حرفه‌ای موجب شد تا شرکت‌ها و فعالین این صنعت بتوانند به نیازهای مختلف ملی و بین‌المللی خود دسترسی داشته باشند و همچنین عرضه کنندگان نیز بتوانند مواد اولیه، ماشین‌آلات، محصولات،

در برابر فشار حداکثری اقتصادی و سیاسی آمریکا چه باید کرد

در دهه هفتاد خورشیدی به بهانه فعالیت های هسته ای مخفیانه ایران، مناقشه هسته ای ایران با شانتاژ منافقین و همراهی آمریکا و سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان کلید خورد. آن زمان دولت اصلاحات به جهت نشان دادن حسن نیت وشفاف سازی بطور داوطلبانه و البته موقت فعالیت های هسته ای ایران را طی معاهده موسوم به «سعدآباد» که بین ایران و سه کشور اروپایی منعقد گردید به حالت تعلیق درآورد. باروی کارآمدن دولت نهم، «محمود احمدی نژاد» رئیس جمهور وقت در مهر سال ۱۳۸۲ توافقنامه فوق را به صورت یک جانبه ملغی و همزمان آژانس بین المللی انرژی اتمی در بیانه‌ای به ایران اعلام می‌نماید که اگر فعالیت های غنی سازی اورانیوم خود را متوقف نکند، پرونده را به شورای امنیت ار جاغ خواهد داد. دولت وقت از پذیرش اخطار شورای حکام آژانس سرباز می زند و در نتیجه پرونده ایران هجدهم اسفند ۱۳۸۴ (هشتم مارس ۲۰۰۶) به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع می شود. شورای امنیت بلافاصله یک قطعنامه هشدارآمیز خطاب به ایران صادر می کند. در پی بی توجهی دولت وقت به قطعنامه اول؛ شورای امنیت به اتفاق آراء با همراهی چین و روسیه، ۵ قطعنامه دیگر علیه ایران صادر و تحریم های سنگینی را بر علیه کشورمان تصویب می نماید، از سوی دیگر در ایران «محمود احمدی نژاد» قطعنامه های سازمان ملل را کاغذ پاره‌ای بی ارزش می نامد که هیچ خاصیتی ندارند. در اردوگاه دشمنان منطقه‌ای و جهانی، قرار گرفتن ایران ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل که وقوع جنگ مابین جامعه جهانی از یک طرف و ایران از طرف



سعيد پور فرهادی
عضو کمیسیون
بازرگانان

دیگر را محتمل و به آن مشروعیت می بخشید، به مثابه یک هدیه آسمانی ازسوی خود ایران تلقی می شود که می بایستی از این موقعیت پیش آمده نهایت بهره برداری را برای تضعیف ایران نمود. با روی کارآمدن دولت حسن روحانی که با شعار تعامل با جهان روی کار آمده بود، باب گفتگو با دول غربی مجدداً گشوده می گردد و تیم مذاکره کنندگان هسته‌ای با هدایت «محمدجوادظریف»، موفق می شود در سوم آذر ماه ۱۳۹۲ «توافق ژنو» یا «طرح اقدام مشترک» را میان ایران و گروه ۵+۱ به امضا برساند. با حصول این توافقنامه، زهر تحریم‌ها گرفته می‌شود و بخش قابل توجهی از درآمدهای مسدود شده ایران آزاد و تحریم‌های گذشته که به سبب خروج ایران از معاهده سعدآباد شکل گرفته بود، به حالت تعلیق در می آید. در ایران نیز موجی از امید نزد عموم مردم و فعالین اقتصادی بوجود می آید. همچنین پس از توافق وین، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ ایران را از ذیل فصل هفتم منشور شورای امنیت سازمان ملل خارج و تمامی قطعنامه های پیشین را لغو می نماید که بدین سبب سایه جنگ از کشور دور می گردد. پس از برجام، اقتصاد محزون ایران رشد شگفت انگیز ۸ و ۹ درصدی را تجربه کرد. هیئت های سیاسی – اقتصادی و شر کتهای چند ملیتی در صف ورود به ایران قرار گرفتند. همه چی خوب پیش می رفت که ناگهان در ایالات متحده برخلاف تمامی پیش بینی ها، یک بساز بفروش بنام «ترامپ» بر مسند ریاست جمهوری آمریکانشست، او که تحت تاثیر لابی صهیونیستی «ایپک» قرار داشت در شعارهای انتخاباتی خود از برجام بعنوان یک توافق وحشتناک که کاملاً به نفع ایران بود یاد می کرد و در سخنرانی های خود بیان می داشت که ظریف، سر جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا کلاه گذاشته است و قول می داد که در صورت عدم حصول یک توافقنامه جدید، آمریکا را از این پیمان خارج کند. رئیس جمهور جدید آمریکا حدود یکسال و نیم صبر کرد که تا ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، اما ایران با این استدلال که در مورد چیزی که توافق کرده است مجدداً مذاکره نمی کند، روی خوشی به این خواسته ترامپ نشان نداد. نتیجه آنکه برغم مخالفت های گسترده جهانی، ترامپ همان کاری را انجام داد که قبل از آن وعده انجامش را داده بود یعنی "خروج از برجام".

دولتمردان ایران نیز به امید آنکه شکافی بین متحدین بوجود آمده است وبه تصور اینکه برجام بدون آمریکا نیز بر جای می ماند، محکم در مقابل درخواست مذاکرات مجدد آمریکا ایستادگی کردند. در نتیجه ترامپ از برجام خارج و مجدداً و این بار بسیار شدیدتر از گذشته تحریم های ایران



«اما اشتباهات و راهکارهای پیش رو:

اول: مطابق توافقنامه «سعدآباد» بین ایران و سه کشور اروپایی، تعلیق تزریق گاز در سانتریفیوژهای نظنر در راستای راستی آزمایی و اثبات صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران صورت گرفته بود، که پس از اتمام بازرسی های آژانس، ادامه فعالیت های صلح آمیز هسته‌ای برای ایران را محتمل می نمود، بدون آنکه ضرورتی داشته باشد که اقتصاد کشورمان را بیش از یک دهه زیر شدیدترین تحریم های اقتصادی قرار دهیم و دهها میلیارد دلار که می توانست صرف محرومیت زدایی و شکوفایی اقتصادی کشور گردد از دست بدهیم. فلذا، خروج از معاهده سعدآباد اشتباه بزرگی بود که بدون آنکه ضرورتی داشته باشد صورت گرفت.

دوم: قبل از برقراری تحریم های مجدد، زمانی که ترامپ به دنبال یک توافق فراگیر بود، شاید بهتر بود به جای اتخاذ موضع تدافعی، از آن استقبال می کردیم، چرا که در بسیاری حوزه های دیگر، ما با آمریکا دارای مشکلات عدیده ای بودیم و چه بهتر که همه را یک جا حل و فصل می کردیم که در آن صورت، ضمن آنکه تحریمی در کار نبود، می توانستیم با حفظ دستاوردهای برجام بدون آنکه آسیبی ببینیم، امتیازات خوبی را نیز در طی مذاکره به دست آوریم، یا حداقل گذر زمان مثل حالا به ضررمان نبود. **سوم:** در شرایط کنونی، موضع عدم مذاکره با آمریکا به موضع مذاکره به شرط بازگشت به شرایط قبل از خروج ترامپ از برجام تقلیل یافته است! . باعث شگفتی است که اگر قرار بود در چنین شرایطی مذاکره کنیم خوب چه حجت شرعی و عقلی وجود داشت که آن زمان اینکار را نکنیم تا

مجبور شویم پس از برقراری مجدد تحریم ها به قیمت از دست دادن میلیاردها دلار اکنون این موضع گیری های جدید را داشته باشیم. **چهارم:** خروج از شرایط فعلی نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است و برای اثبات آن می توان دهها برهان و دلیل آورد. شاید از همه مهمتر بازگشت شفافیت به اقتصاد کشور می باشد، تحریم های بانکی و حربه دور زدن تحریم ها، چنان فضایی را برای چپاول ثروت ملی برای برخی آقازاده ها و ابادی آنها فراهم ساخته است که شاید بتوان آنها را در زمره هواداران سینه چاک ترامپ قرار داد، که موجبات بروز فسادهای لجام گسیخته سازمان یافته داخلی را مهیا ساخته است. **پنجم:** رویدادهای اخیر منطقه یک پیام محکم به دشمنان منطقه ای و دول غربی ارسال کرده است که ایران و یا هم پیمانان ایران از چنان صلابت و قدرتی برخوردارند که در صورت رویارویی، حریف دست و پا بسته ای نخواهند بود. البته که علیرغم قدرت نظامی قابل اتکا امروزه، ما نیز چنین جنگی را نمی خواهیم، چرا که زیر ساخت های ما نیز در چنین جنگی شدیداً آسیب پذیر خواهد بود و در صورت حمله موشکی بعضاً با صدمات غیر قابل جبرانی روبرو خواهند شد.

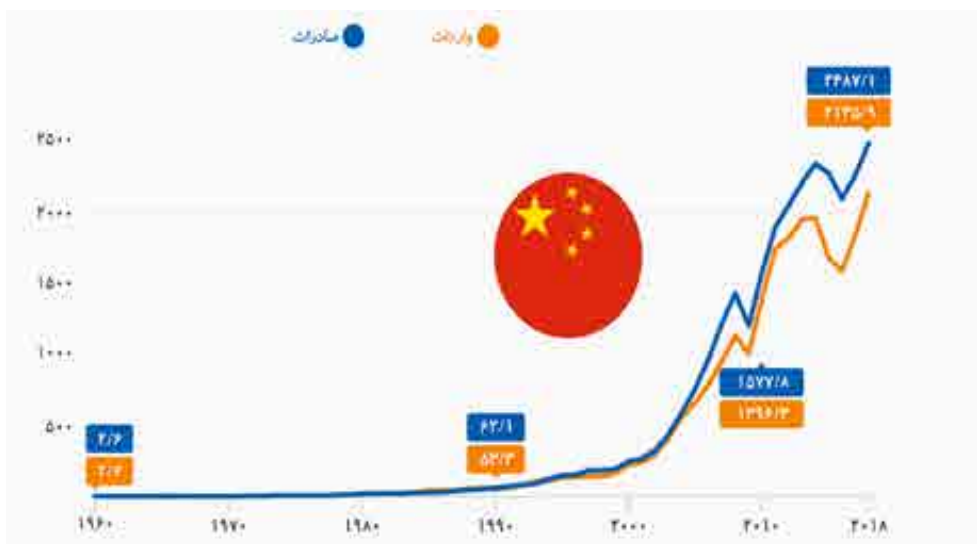
کلام آخر : دولتمردان ما می بایستی شرایط ویژه و شکننده فعلی را درک نموده و متوجه این موضوع باشند که شاید دست ناپاکی به مانند مزدوران منطقه ای اسرائیل از فضای غبار آلود کنونی، به نام ایران و به کام خود آتشی در انبار باروت منطقه ببندازند و بگریزند، که در آن صورت انگشت اتهام بلاد رنگ به سمت ایران نشانه خواهد رفت . لذا یادآوری می شود که پاسداشت خون شهدا، نه به شعار، که به عمل است ، شهدای عزیزمان برای عزت این مرز و بوم از جان خود گذشتند و برماست که با درایت و عقلانیت دستاوردهای آنها را پاس بداریم . مذاکره نه ذلت است نه سازش، فقط یک استراتژی خاص برای یک زمان خاص است.

جهان، اصلاحات اساسی لازم بوده. اصلاحاتی که نتیجه آن ظهور غولی بود که طبق پیش‌بینی که Standard Chartered در سال ۲۰۱۰ بر اساس مولفه‌های اقتصادی و سیاسی و برنامه‌های دولت چین انجام داد تا سال ۲۰۲۰ اقتصاد آن با آمریکا برابر و تبدیل به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان می‌شد. این پیش‌بینی البته به همین‌جا محدود نشد و انتظار داشت که در سال ۲۰۳۰ اقتصاد چین به رقمی در حدود ۲ برابر اقتصاد آمریکا دست یابد. بنابراین دور از انتظار نبود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، با وجود تبادلات تجاری گسترده که بین دو کشور وجود داشت تن به جنگ تجاری با چین داد تا تلاش کند ترمز رشد اقتصادی این کشور را بکشد. البته تلاش‌های ترامپ بی‌نتیجه نیز نبود و در سال ۲۰۱۸ چین کمترین رشد اقتصادی خود در ۲۸ سال اخیر را تجربه کرد. رشد اقتصادی ۶/۶ درصدی، رقمی که برای بسیاری از کشورها چشم‌اندازی دور دست یا نشدنی است برای چین سال ۲۰۱۸ یک شکست تلقی شد. هر چند که این روند رو به بهبود نهاد و در حال حاضر چین با حجم صادرات ۱/۲۴۸۷ میلیارد دلاری و واردات ۹/۲۱۳۵ میلیارد دلاری خود و به عنوان صادرکننده اصلی محصولات وارداتی ۶۰ کشور جهان، روند صعودی خود را دوباره آغاز کرده است. در حال حاضر و در روزهایی که این کشور ۷۰ سالگی خود را جشن می‌گیرد، گمانه‌زنی‌ها در خصوص آینده پیش‌رو با توجه به جنگ تجاری پیش آمده متفاوت است. اما آن چیزی که مسلم است، در حال حاضر چین تامین‌کننده اصلی محصولات وارداتی بیش از ۶۰ کشور جهان است و ۱۵ درصد اقتصاد جهان را در اختیار خود دارد و این قدرت به دلیل روی آوردن به منافع جمعی و گذار از ایدئولوژی بدست آمده است. شاید اگر چین همچنان بر اساس ایدئولوژی‌های رهبر مارکسیستش پیش می‌رفت، در حال حاضر همچون ۷۰ سال قبل خود، کشوری دور افتاده با مردمی فقیر بود که همچنان داشتند با کشاورزی برای بقای خود می‌جنگیدند و هر از گاهی باید خود را آماده قحطی، جنگ داخلی و دست‌درازی‌های کشور همسایه‌ی قدرتمندشان ژاپن می‌کردند.

سیاست‌های مائو برای چین نیمه اول قرن بیستم و جمعیت غالباً کشاورز و دهقان چین پاسخگو بوده است و پس از عبور از آن دوران، با توجه به تغییرات

تغییر دهد. از جمله این تغییرات بنیادی می‌توان به باز کردن تجارت درهای تجارت با دنیا توسط او اشاره کرد. دنگ جمله‌ای معروف دارد که نشانگر اختلاف فکری او با مائو است: «پیشرفت تنها حقیقت است، اگر ما پیشرفت نکنیم، ما را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.» برای دنگ منافع مردم کشورش اولویت اصلی بودند، برعکس نگاه مائو که ایدئولوژی را اولویت قرار داده بود. همین باعث شد دنگ دست به تغییراتی بزند که به ذات با چیزی که مائو بنیان‌گذاری کرد متفاوت بود. در مورد دنگ گفته می‌شود که در توجیه این تغییرات با مفاهیم فلسفه‌ی اولیه‌ی جمهوری خلق چین بسیار مهارت داشت.

حالا و با گذشت سال‌ها، شی جین‌پینگ نه تنها قدرتمندترین سیاستمدار چینی از زمان به وجود آمدن جمهوری خلق چین به شمار می‌رود بلکه یکی از قدرتمندترین چهره‌های جهان امروز است. از طرف دیگر چین از یک کشور جهان سومی به کشوری پیشرفته و ثروتمند تبدیل شده و مردم چین را دیگر عمده‌ی دهقانان و کشاورزان تشکیل نمی‌دهند. هرچند بسیاری معتقدند چین فعلی شباهتی به آرمانشهر مائو ندارد و رویکرد اقتصادی آن شبیه مدل‌های غربیست اما به اعتقاد برخی متفکران این کشور، مانند دنگ ژیاو‌پینگ این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. آنها معتقدند



حجم واردات و صادرات در چین پس از باز شدن درب‌های تجارت (اعداد به

میلیارد دلار بر مبنای دلار امروز هستند)



جهانی، خواهان قدرت بیشتر بودند که نتیجه آن آوارگی و تلفات بی‌شمار بود. البته شاید بتوان گفت این کشورها نهایتاً جایگاه و قدرتی که به دنبالش بودند را به دست آوردند اما مائو و همفکرانش این موفقیت را پوشالی و دموکراسی غربی را امری سطحی و پیش پا افتاده می‌دانستند. آنها معتقد بودند به واسطه علم و فلسفه‌ای که ریشه ۷۰۰۰ ساله در چین دارد، توانایی بیشتری در برقراری یک جامعه‌ی انسانی و برابر دارند.

مائو تازمانی که در راس حزب کمونیست چین قرار داشت، یعنی تا پایان عمرش، در جهت ایدئولوژی خود که برداشتی از مارکسیسم بود و بعدها به مائوئیسم معروف شد قدم برداشت و عدول نکرد. از جمله اقدامات مائو می‌توان به اشتراکی‌سازی زمین‌های کشاورزی اشاره کرد. در نتیجه این طرح، قحطی جان بسیاری از مردم - در حدود ۳۸ میلیون نفر - را گرفت و چین تا مرز سقوط پیش رفت. از جمله اقدامات بعدی وی که در راستای طرح «جهش بزرگ به پیش» بود انقلاب فرهنگی بود. این اقدامات مائو باعث شد که نقدهای بسیاری تا به امروز به او شود و چهره‌هایی چون دنگ ژیاو‌پینگ به فکر اصلاحات اساسی ساختاری در چین برآیند. دنگ در زمان قدرت مائو از نیروهای تصفیه شده به حساب می‌آمد اما بعد از مرگ او توانست به قدرت برسد و ساختار اقتصادی چین را به کل

چین با حجم صادرات ۱/۲۴۸۷ میلیارد دلاری و واردات ۹/۲۱۳۵ میلیارد دلاری خود و به عنوان صادرکننده اصلی محصولات وارداتی ۶۰ کشور جهان، روند صعودی خود را دوباره آغاز کرده است

اوبعد از سالیان سال کشمکش قدرت در شرق دور، جمهوری خلق چین را پایه‌گذاری کرد و باعث شد نهادهای بین‌المللی آن را به رسمیت بشناسند. متفکران و رهبران چینی و در راس آنان مائو شاهد بودند که چطور کشورهای غربی با تمسک جویی به امپریالیزم مرگبار و برده‌کشی از کشورهای دیگر، به رشد خود ادامه دادند. آنها با برافروختن آتش جنگ‌های کوچک و بزرگ به خصوص دو جنگ

حزب کمونیست چین جشن هفتادمین سالگرد به قدرت رسیدن خود را در خنکای اول صبح اولین روز ماه اکتبر با شلیک‌های هماهنگ توپ‌های ارتشی آغاز کرد. در طی این



سهراب صالحین
دنیای انرژی

مراسم شی جین‌پینگ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، با نشستن درون ماشین لوکس ساخت کشورش، هنگ‌کنگ ال‌۵ از ارتش باشکوهی شامل ۱۵ هزار سرباز، ۱۶۰ جنگنده، ۵۸۰ تانک و سلاح‌های دیگری مانند موشک‌های قاره‌پیما سان دید و پس از آن ارتش این کشور در مقابل شی در میدان تیانمن رژه رفت. البته که طبل‌های این رژه‌ی باشکوه با حضور سلاح‌های دور برد که گوشه چشمی به آمریکا هم داشت، توخالی نبودند. چین امروز یکی از قدرتمندترین کشورها در بسیاری از حوزه‌ها، از اقتصاد گرفته تا تکنولوژی است. اما آیا جمهوری خلق چین امروز همان آرمانشهریست که مائو تسه یانگ در سال ۱۹۴۹ بعد از غلبه بر ملی‌گرایان و بعد از سال‌ها جنگ داخلی و جنگ خارجی با کشورهای مثل ژاپن، آنرا پایه‌گذاری کرد است؟ بی‌شک چین امروز فاصله زیادی با آن زمان‌هایی دارد که مائو تلاش می‌کرد دهقانان و کشاورزان را که نیروی اصلی انقلابی می‌دانست برای پایه‌گذاری یک چین متحد با خود همراه کند.

از استارت‌آپ نفتی که حرف می‌زنیم از چه سخن می‌گوییم؟



نادی صوری
خبرنگار نفت و انرژی

مقدمه: خیلی وقت‌ها قبل از اینکه یک ویدئوی طنز در تلگرام و گوشی‌های تلفن دست به دست شود، در توییتر داغ شده است. در واقع به خاطر بافت قشری کاربران و فرم خود این شبکه، بازار خیلی چیزها قبل از اینکه در دنیای بیرونی گرم شود در توییتر رشد کرده است. اگر همین حالا وارد توییتر شوید و سرچ کنید: «استارت‌آپ» نوشته‌های خیلی زیادی در این زمینه پیدا می‌کنید، افرادی که از تجربه‌هایشان نوشته‌اند، کسانی که ایده داده‌اند و کسانی که به عنوان لاینفک این شبکه اجتماعی درباره‌ی آن غرغر



کرده‌اند. اما این بار همپای تسب و تابی که در این شبکه در زمینه کسب و کارهای استارت‌آپی دیده می‌شود، آن‌طور که بیژن زنگنه وزیر نفت گفته این وزارتخانه در همکاری با معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری، برنامه‌های مفصلی برای حمایت از استارت‌آپ‌ها در حوزه نفت و انرژی ترتیب داده است. همه این‌ها کنار هم به ما نشان می‌دهد لازم است الفبای مسئله را یاد بگیریم تا از درک اتفاق‌هایی که ممکن است در ادامه در فضای استارت‌آپی و صنعت نفت و انرژی رخ دهد جا نمانیم. در این گزارش تلاش کرده‌ایم همپای خوانندگان نیز سر از کار این پدیده جدید یعنی استارت‌آپ و نوع نفتی آن در بیاوریم. این شما و این هم حاصل کند و کاو ما در این زمینه:

صبح پنجشنبه ۲۸ شهریور ماه، ساختمان‌های بزرگ آجری در محله ری که روزی میزبان فعالیت‌های پژوهشگاه نفت بودند و مدت‌هاست خاک می‌خورند یک مهمان داشتند؛ اتوموبیل بیژن زنگنه وزیر نفت جلوی این ساختمان‌ها توقف کرد تا چند ساعت قبل از افتتاح ایران‌پلاست از اوضاع شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها دیدن کند. اردیبهشت ماه امسال بود که برای اولین بار بین غرفه‌های مختلف نمایشگاه نفت تهران، حد فاصل سالن‌های میلاد و خلیج فارس چند غرفه رخ نشان دادند که بر خلاف بقیه در غرفه‌شان یک تجهیز به خصوص را به نمایش گذاشته بودند، غرفه‌هایشان کوچک‌تر و جمع‌وجور تر بود و از رفت و آمدهای معمول در دیگر غرفه‌ها هم در آن‌ها خبری نبود. این غرفه‌ها مربوط به کسب و کارهای استارت‌آپی در کنار یک شرکت اکسلریتور بودند. وزیر نفت آن موقع در راستای برنامه‌های حمایت از ساخت داخل اعلام کرد که وزارتخانه امسال قصد دارد باب جدیدی از همکاری را با شرکت‌های دانش بنیان و استارت‌آپ‌ها آغاز کند. زنگنه آن روز

اعلام کرد: «می‌خواهیم محلی را اختصاص دهیم که دوران عبور را آنجا مستقر شوند و کمک‌هایی مشابه accelerator ها (شتاب دهنده استارت‌آپ) به آنها ارائه دهیم.» از آن صحبت‌ها چند ماهی می‌گذرد و حالا محل استقرار این کسب و کارها مشخص شده و این‌طور که به نظر می‌رسد تا پایان امسال ماجرا جدی‌تر از قبل می‌شود. پس اگر قرار است که ما با رشد و پررنگ شدن این فعالیت‌ها در صنعت نفت و دنیای انرژی روبرو باشیم، باید قبل از هر چیزی بدانیم ماهیت این‌ها چیست و قرار است با چه چیزی روبرو باشیم؟

«ایده، نیاز، بازار، تامین مالی

بین همه تعریف‌هایی که این سو و آن سو در مورد چیسستی یک «استارت‌آپ» به چشم می‌خورد به نظر نگارنده بهترینش را سایتی به اسم پیدایش نوشته است، طبق تعریف این وب‌سایت که البته منبعش واژه‌نامه‌ی کسب و کار بوده اگر ما یک چرخه‌ی حیات را برای یک حرکت کارآفرینی در نظر بگیریم، استارت‌آپ مرحله اول این چرخه است که از ایده به سمت تامین مالی حرکت می‌کند. اما «ایده» در یک استارت‌آپ کلا نقشی مهم و شاید حیاتی ایفا می‌کند؛ ایده‌ای که در یک استارت‌آپ از یک نیاز در بازار جرقه می‌خورد. عنصر دیگری که یک کسب و کار را تبدیل به چیزی می‌کند که می‌شود به آن استارت‌آپ گفت عنصر «سرعت» است، سرعت در تصمیم‌گیری و اجرا و خلاصه تمام مراحل کار. اسنپ و تپسی و فعالیت‌هایی مثل این یکی از مهم‌ترین نمونه‌های یک کسب و کار استارت‌آپی در ایران هستند. نیاز چه بوده؟ مردمی که در یک کلان‌شهر می‌خواهند از نقاط مختلفی در زمان‌های مختلفی سفرهای کوتاه و بلند داشته باشند و همیشه به تاکسی‌های محله دسترسی ندارند. ایده چه بوده؟ نرم‌افزاری که بتواند راننده را به مسافر نزدیک کند. قطعاً مثل

اگر ما یک چرخه‌ی حیات را برای یک حرکت کارآفرینی در نظر بگیریم، استارت‌آپ مرحله اول این چرخه است که از ایده به سمت تامین مالی حرکت می‌کند. اما «ایده» در یک استارت‌آپ کلا نقشی مهم و شاید حیاتی ایفا می‌کند

بالغ بر ۱۳ میلیون شرکت در زمینه B to B مشغول خرید بیش از ۳ تریلیون دلار کالا و خدمات می باشند که به لحاظ ارزش ۴ برابر بزرگ تر از بازار B to C می باشد.

با نگاهی به جدول مقایسه ای کاملاً واضح است که خود OPEX و اعضا آن تماماً زیر مجموعه کسب و کار B to B می باشند که الزامات و روش های خاص خود را داراست. شرکت ها و سازمان هایی که به دیگر سازمان ها و کسب کارها چه در داخل کشور و چه در خارج از مرز چه دولتی و چه خصوصی کالا و خدمات می فروشند باید نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا رفتار

خرید سازمانی، نیازها، منابع، انگیزه ها و فرآیندهای خرید را که شکل دهنده چنین رفتاری هستند را درک کنند. چرا که عدم درک درست از رفتار خریدار شرکتی منجر به نوعی هم نوع خواری (Commoditization) می شود که وقتی برندی، هویتی، تصویری وجود ندارد، شرکت های فروشنده فقط با پایین آوردن قیمت و کم کردن حاشیه سود به دنبال فروش محصول

می باشند که منجر به از بین بردن کامل و تعطیلی شرکت های رقیب و حتی خود شرکت خواهد شد و بیشترین سود را شرکت های خریدار خارجی خواهند برد. اکثر شرکت ها با ماهیت B to B در ایران بر این باورند که برندینگ یک موضوع فاقد اهمیت در بازارهای B to B می باشد ولی با اشاره به چندین مقاله و تحقیقات در دنیا بالاخص آمریکا و انگلیس میتوان این صحبت را نقض و به کاربرد و اهمیت برندینگ در بازارهای B to B اشاره کرد. برندینگ به عنوان یک المان با اهمیت از استراتژی بازاریابی در نظر گرفته می شود و سود های سرمایه گذاری در برندینگ برای توسعه یک مزیت رقابتی به خوبی ثبت شده اند. هدف از این مقاله نه ارائه روش ها و مدل های برندینگ

«هیچ چیز در این دنیا اتفاقی نیست»

اهمیت برندینگ برای فعالیت های صادراتی OPEX و اعضا آن تا جایی است که اکنون نیاز آن برای خود مجموعه و حتی برای مشتریان خارجی OPEX نیز احساس می شود. اتحادیه برای رسیدن به جایگاه واقعی و بازیگردانی در صحنه معاملات منطقه و حتی فراتر از آن در ابتدا نیاز به پایه گذاری اصول برند و ایجاد ارزش ویژه برند OPEX می باشد که الزاماتی دارد و پس از آن می توان به برگزاری همایش و سمینار، عضوگیری، قیمت گذاری هفتگی محصولات و ... پرداخت. و این راهی است که می بایست طی کرد و آن مستلزم صرف وقت و هزینه می باشد و راه میانبر نیز ندارد و با نگاهی به تمامی مدل ها و الگوهای برندینگ این مرحله در بالاترین نقطه هرم قرار دارد و برای رسیدن به آن می بایست قدم های اولیه را برداشت. هرگونه عملکرد دیگر و گام های بی مطالعه محکوم به شکست می باشد.

برای شناسایی و الزامات المان های برندینگ در ابتدا لازم است که به محیط صنعت و مشتریان برای OPEX و اعضا بپردازیم: به لحاظ ماهیت کسب و کار: تمام کسب و کارها در دنیا به دو مدل B to B (صنعت به صنعت) و B to C (صنعت به مصرف کننده نهایی) تقسیم می شوند. معامله از نوع B to B زمانی به وقوع می پیوندد که کالا یا خدمتی برای استفاده غیر از مصرف فردی فروخته می شود منظور از B to B تمامی کالا و خدماتی است که از یک کسب و کار به یک کسب و کار دیگر فروخته می شود و منظور از B to C تمامی کالا و خدماتی است که از یک کسب و کار به مصرف کننده نهایی فروخته می شود.

به لحاظ میزان ارزش: بازار B to B چهار برابر ارزش B to C می باشد به طوری که در آمریکا

لزوم مارکتینگ و برندینگ فعالیت OPEX و اعضای آن

مقدمه: ریشه لغوی برند به واژه اسکاندیناوی قدیم Brander برمی گردد که به معنی داغ زدن روی بدن حیوانات است (اقدام به تشخیص دام های خود، نامشان را روی بدن آن ها داغ میزدند)، ایتالیایی ها در قرن ۱۳ شکلی از زمینه را در کاغذهای خود به کار میبردند، همچنین مهرهای سلطنتی و شخصی نمونه های دیگری از مصادیق برند در گذشته هستند که حتی در ایران نیز مورد استفاده قرار می گرفته است. نقاشی های غارها که به بیش از ۳۲ هزار سال قبل می رسد به عنوان نخستین نمونه ها نشان می دهد که چگونه انسان ها دنیا را در غالب تصاویر مختلف تعریف می کردند تا به فهم عمیق تری دست یابند. در کاوش خرابه های بازمانده از شهر پمپئی یک قرص نان یافت شد که به طور معجزه آسایی حفظ شده بود و توجه همگان را به نکته بسیار مهمی جلب می کرد، روی قرص نان نام نانوا و مصرف کننده و نیز قیمت نان حک شده بود. اگر چه محصولات گوناگونی نظیر ظرف های سفالی و اشیای پخته شده که در کوره های باستانی در طول هزار سال پیش تا کنون یافت شده اند که هر کدام یک نهاد مخصوص برای نشان دادن مالکیت آن ها در دوره خاص یا فرد خاص دارند. برای اولین بار در سال ۱۸۷۶ مثلث قرمز Bass Ale به عنوان نخستین نشان تجاری رسمی انگلستان چاپ و انتشار پیدا کرد همان چیزی که امروز به نام لوگو می شناسیم در سال ۱۹۵۸ گوردن لیپینکوت اصلاح هویت سازمانی را ابداع کرد و در سال ۱۹۵۶ والی نخستینز گفت که خیلی از کارهای ظریف وجود دارند که منجر به رویکرد بسیار قدرتمندی می شوند و بدین ترتیب مفهوم امروزی هویت برند و هویت سازمانی شکل گرفت. در دهه ۸۰ میلادی مالکیت خرید شرکت ها امری رایج بوده که شرکت نستله برند Rowntree (سازنده کیت کت) را با ارزشی معادل ۲.۵ میلیارد پوند خریداری کرد در صورتی که ارزش کارشناسی آن ۱ میلیارد پوند بود که این نشان از ارزش معنوی نام تجاری از همان موقع بوده است. مطالعات عصب شناسان درباره پیچیدگی مغز در برابر برندینگ به نتایج جالبی دست یافت. یک بررسی در سال ۲۰۱۱ نشان میدهد که اگر تصویر یکی از محصولات اپل را به یک شخصی که از طرفداران اپل است نشان دهیم همان قسمت از مغز فعال می شود که تصویر و نماد الهی را به یک فرد مذهبی نشان بدهیم. با نگاهی به تاریخچه برند و برندینگ به این نتیجه می رسیم که بشر از دیر باز به دنبال مطرح کردن و ساختن یک هویت و تصویر از خود در ذهن دیگران بوده است. و گاه شاهد کسب و کارهایی هستیم که حتی بدون آگاهی و علم کافی دست به اموراتی زده اند که از قضا دقیقاً منطبق با اصول و علم بوده است و دیگران از آن تعبیر به شانس و معجزه کرده اند چرا که آن شرکت توانسته سود قابل توجهی را کسب کند و عیناً یک شرکت با فعالیت مشابه ورشکست شده است و یا دارای فروش بسیار پایین بوده است.



مرتضی هاشمی
مدیر عامل
شرکت پتروناتک

انگیزش، درک مدل CBBE آقای کوین لن کالر، که گویای این موضوع است که از دیرباز انسان به طور ناخودآگاه به دنبال تصویرسازی از خود و محصول و خدمات خود در ذهن مشتری بوده است، توانایی برای افزایش Premium price و ... تمامی موارد فوق تنها اشاره به بخشی از دغدغه های موجود در برندینگ B to B می باشد .

« از این دست موارد اشاره شده چه میزان از دغدغه های شرکت های عضو اتحادیه می باشد؟ »

راقم این سطور به عنوان عضو کوچکی از اتحادیه و به عنوان کسی که تحصیلات و تجربه، تخصص در زمینه برندینگ و مارکتینگ دارم شاهد وضعیت بسیار ناخوش آیندی در این زمینه می باشم . چرا که حداقل ها در شرکت های ما به دلیل عدم آگاهی رعایت نمی شود چه برسد به دغدغه هایی از این دست . دوباره برمی گردم به جمله اول مقاله که هیچ چیز در این دنیا اتفاقی نیست ، اگر پالایشگاه های مطرح در دنیا و شرکت های فعال در زمینه کسب و کار B to B به راحتی می توانند محصولی را لانچ کنند، ضریب شکست برای آنها بسیار پایین است، حاشیه سود بالا دارند، به راحتی می توانند توسعه محصول و بازار دهند، و اکثر آن ها حیاتی بالای ۱۰۰ سال دارند دور از ذهن نیست که از مشاوران و علم روز مدیریت، برندینگ و مارکتینگ استفاده می کنند که ما از آن بی بهره بوده ایم . در دنیای امروز افزایش رقابت، پیشرفت در تکنولوژی، ازدیاد محصول در تقریباً همه رده محصول ها کار را به اینجا کشانده است که تولید کنندگان کالا و خدمات در حال دور شدن از تمرکز سنتی بر روی نگرش وظیفه ای برند هستند و از مرز های معمول عبور

کرده و به دنبال شناسایی کردن ارزش تمایز برند بر پایه مشخصات احساسی (از قبیل اعتماد، غرور و مباحثات، احساس عاطفه آرامش خاطر و امنیت) می باشند که هر کدام قابلیت پیوستن به مزیت رقابتی پایدار را داراست که در طولانی مدت کمتر احتمال دارد از فرسایش رقابت رنج ببرد و دیرتر قابل تقلید و کپی برداری هستند . با کمی تامل بر موضوعات فوق در برندینگ B to B کاملاً مبرهن است که ما فرسنگ ها با استاندارد ها و اصول کلی و مدل های

موجود فاصله داریم و تنها از طریق عدم رعایت اخلاقیات، اعمال نفوذ، استفاده از رانت دولتی، رانت ارتباطی، جاسوسی و... به دنبال فروش و کنار زدن رقبا هستیم که نمونه هایی از این دست را شاهد می باشیم و به همین دلیل تنها میتوانیم در داخل کشور کار کنیم چرا که خارج از مرزها اینگونه رانت و موارد غیر اخلاقی کمکی به شرکت ها نمیکند. در یادداشت بعدی راجع به مدل CBBE دکتر کوین لن کالر توضیحات کلی ارائه خواهد شد.

برندینگ به عنوان یک المان با اهمیت از استراتژی بازاریابی در نظر گرفته می شود و سودهای سرمایه گذاری در برندینگ برای توسعه یک مزیت رقابتی به خوبی ثبت شده اند



فرسنگ ها با استانداردها و اصول کلی و مدل های موجود فاصله داریم و تنها از طریق عدم رعایت اخلاقیات اعمال نفوذ، استفاده از رانت دولتی، رانت ارتباطی، جاسوسی و... به دنبال فروش و کنار زدن رقبا هستیم

جدول ۱.تجدول مقایسه ای مابین B to B و B to C		
B to C	B to B	
کوچک تر	بیشتر	حجم فروش
کوچک تر	بزرگ تر	حجم خرید
کوچک تر	بزرگ تر	تعداد خریداران
پراکنده	متمرکز از نظر جغرافیایی	مکان خریداران
بیشتر غیر خودی	نزدیک تر	رابطه خریداران و فروشنده
غیرمستقیم	مستقیم	ماهیت مجرا
فردی تر	حرفه ای تر	ماهیت خرید
ساده تر	پیچیده تر	نوع مذاکرات
نه	بله	استفاده از خرید متقابل
تبلیغات	فروش شخصی (Personal Selling)	روش اصلی تبلیغات

و نقشه راه جهت ایجاد یک برند قدرتمند است بلکه فقط اشاره به الزام جهت ایجاد یک برند قدرتمند و مزیت رقابتی در بازار های بسیار پیچیده و به طور فزاینده رقابتی کسب و کار می باشد . در دنیای امروز به نکاتی اهمیت داده می شود و در حال مطالعه و تحقیق بر سر موضوعاتی از قبیل : شناسایی مراکز خرید (BUYING Centers)، شناسایی نیازها و دغدغه های شرکت ها ، اتفاقاتی که در لحظه تصمیم گیری واقع میشوند، ارزش عاطفی برند در مقابل ارزش منطقی برند، فروش شخصی (Personal Selling)، شناسایی مجرای تبلیغاتی از طریق مدل Elaborntion Likelihood Model، شناسایی گپ هایی موجود مابین آنچه که برند باید باشد و آنچه که هست، تبلیغات موثر در کسب و کار B to B ، نقش اساسی احساس و هیجان در رفتار خرید صنعتی، عوامل موثر و تاثیر گذار به تصمیم سازی شرکتی، چگونگی ایجاد ارتباط داخلی و خارجی برند، شناسایی شاخص های اقتصادی و غیر اقتصادی در برندینگ B to B ، شناسایی سطوح مختلف

کنترل کیفیت و مزایای آن



«تاریخچه:

عصر انقلاب صنعتی با اختراع ماشین بخار توسط جیمز وات در سال ۱۷۸۲ شروع شد. در این عصر روش تولید در مقیاس کم که در کارگاهها به شکل سنتی انجام میگرفت به روش تولید ماشینی توسعه یافت. نوآوریهای تکنولوژی اجازه داد که فرآیند تولید به شکل سازمان یافته و ساده تری مبدل شود به طوری که روش تولید کارخانه ای، جایگزین روش تولید کارگاهی شد. در این عصر زنجیره ای بین تکنولوژی تولید و بازار شکل گرفت و تولید بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافت. همزمان با پیشرفت تجهیزات تولید، سادگی فرآیند تولید نیز فراهم شد، به شکلی که نیاز به استخدام استادکارهای ماهری که در کارگاهها کار میکردند، نبود و استخدام نیروی کار به سمت نیروی ارزان قیمت و نیمه ماهر سوق یافت. در واقع این کار نتیجه پیاده کردن اصول استانداردسازی در شرکتها بود. در سال ۱۸۷۵، فردریک تیلور، پایه گذار علم مدیریت، استانداردهای شرکتها را به استانداردهای مدیریت، ابزارآلات، و استاندارد ساعت کاری تقسیم بندی کرد. این استانداردسازی پایه علمی برای افزایش تولید و سطح کیفیت محصولات شد. از دهه های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ میلادی با تشکیل اولین آزمایشگاه استاندارد در انگلستان، بازرسی و آزمایش سیستماتیک محصولات و مواد شروع شد و دولت به صاحبان صنایع، گواهی تایید کیفیت محصولات ارائه میکرد. در دهه های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰، عمدتاً روشهای آماری در استاندارد کردن فعالیت های صنعتی و کنترل کیفیت توسعه یافتند و درواقع علم کنترل کیفیت آماری در همین دهه ها پایه ریزی شد. در سال ۱۹۵۱ اولین استاندارد توسط سازمان ISO^۱ با عنوان "دمای مرجع استاندارد برای اندازه گیریهای طول در مقیاس صنعتی" تدوین شد. از دیگر نظریه های مهم در زمینه کنترل کیفیت و استانداردسازی میتوان به روش کنترل کیفیت فراگیر توسط آرماند فیگنباوم، کنترل کیفیت با هدف مشتری مداری توسط جوزف جوران و همچنین مفاهیم نمودار کنترل میانگین متحرک موزون نمایی توسط رابرت (۱۹۵۹)، نمودار کنترل شوهارت (۱۹۴۲) و نمودار کنترل جمع تجمعی توسط پیچ (۱۹۵۱) با هدف ابزارهای کنترل کیفیت آماری اشاره کرد. امروزه چندین نوع سیستم مدیریت کیفیت، EFQM، OHSAS ۱۸۰۰۰، ISO ۱۴۰۰۰، ISO TS، ISO ۹۰۰۰ طراحی شده است. در ایران نیز از سال ۱۳۳۲ استانداردسازی کالاها مورد توجه رسمی دولت قرار گرفت و رسماً در روز ۷-تیر سال ۱۳۳۸ سازمان استاندارد تأسیس شد. موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تنها مرجع رسیدگی



وحداد ابراهیمی
مدیرمجمع
آزمایشگاهی
مشاوران آزمای
نفت ایرانیان

به امور استانداردسازی شامل نشر و تدوین اساسنامه ها و صدور گواهینامه های استاندارد در بخشهای کشاورزی، صنعت، معدن، ارتباطات، مواد غذایی و دارویی و ... را به عهده دارد. مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، در سازمانهای بین المللی: ISO، کمیته بین المللی الکترونیک TEC، سازمان بین المللی اندازه شناسی قانونی OIML، دفتر بین المللی اوزان و مقیاسها BIMP، انجمن جهانی سازمانهای تحقیقات صنعتی و تکنولوژی WAITRO، قوانین و مقررات غذایی و مجمع جهانی تأیید صلاحیت IAF عضویت دارد. موسسه استاندارد ایران دارای نقش نظارتی نیز میباشد. این موسسه جهت حصول اطمینان از رعایت معیارهای استاندارد و میزان تطابق محصول با معیارهای مصوب، بطور متناوب از محصولات تولیدی در کشور نمونه برداری میکند. نتیجه این اقدامات میتواند به تمدید گواهینامه استاندارد واحدهای تولیدی، خدماتی و یا به اصلاح فرآیند استانداردسازی و یا ممانعت از عرضه محصول غیراستاندارد منجر شود. در اکثر کشورهای پیشرفته و یا در حال توسعه که از ذخایر طبیعی نفت برخوردار هستند، به منظور کمک به مراجع صنعتی و تجاری در جهت دستیابی به محصولات باکیفیت و جلوگیری از هدررفت منابع تجدیدناپذیر مانند نفت، اقدام به احداث آزمایشگاه های همکار در این حوزه نموده اند. تولید محصولات استاندارد در صنعت نفت، که بزرگترین صنعت کشور میباشد، لزوم توسعه و تقویت آزمایشگاههای همکار را تشدید میکند. این مهم از طریق پایش کیفی و کمی فرآورده ها توسط آزمایشگاههای همکار به عنوان یک مرجع آزمایشگاهی بیطرف انجام میپذیرد. در کشور، این آزمایشگاهها بطور مستقیم به وسیله سازمان ملی استاندارد ایران نظارت میشوند. آزمایشگاههای همکار در حوزه نفت، علاوه بر مشارکت در بهبود

استانداردسازی نقش کلیدی در توسعه پایدار و راهبردی و به دنبال آن افزایش بهره وری و بهبود کیفیت محصولات و افزایش خدمات دارد

روند تولیدات داخلی، در حوزه صادرات نیز به منظور افزایش توان رقابت پذیری با محصولات مشابه خارجی، فعالیت میکنند. سازمان ملی استاندارد ایران، الزامی برای گزارش داده های خام حاصل از نتایج آزمایشگاههای همکار نیز تعیین کرده است. این کار در راستای اهداف کلان استانداردسازی به منظور رفع چالشهای صنعتی، حفظ منابع انسانی و طبیعی کشور انجام میشود.

«اهمیت استانداردسازی

استانداردسازی نقش کلیدی در توسعه پایدار و راهبردی و به دنبال آن افزایش بهره وری و بهبود کیفیت محصولات و افزایش خدمات دارد. اساساً برای استانداردسازی یک سامانه، باید یک فرآیند طراحی شود. این فرآیند متناسب با بافت سازمان مورد نظر میتواند متفاوت باشد. از نظر پیاده سازی این فرآیند میتواند ساده و یا پیچیده باشد. تولید هرگونه محتوی استاندارد نیازمند زیرسازهای استانداردشدن، مدیریت حوزه های استاندارد و مدیریت فرآیند اجرایی آن میباشد. این مهم با هدف حفظ منابع و جلوگیری از هدررفت آنها و همچنین طرح ریزی برای کمینه اقدامات لازم جهت افزایش عملکرد درون سازمانی و برون سازمانی انجام میگردد. زیرسازهای استاندارد به عنوان سندی راهبردی تدوین شده و بصورت عمومی برای مدیریت منابع انسانی و مادی در اختیار عموم قرار میگردد.

«محصول استاندارد

برای تولید یک محصول استاندارد استفاده از چرخه اکتساب، که شامل مراحل امکان سنجی، طراحی، ساخت و بهره برداری میشود، ضروری است. هر کدام از این چهار پروسه باید کمینه الزامات لازم موجود در اساسنامه های ابلاغی سازمانهای استاندارد دولت را فراهم آورند. این پروسه ها وابسته به نوع سازمانی که در آن طرح ریزی استاندارد صورت میگیرد

متفاوت است. خروجی اصلی یک پروتکل استاندارد دساز، تولید یک محصول استاندارد است. این محصول باید کمینه الزامات لازم را در فرآیند تولید فراهم کند که عمدتاً شامل: ۱. مشخصه های فعالیت آن، ۲. ایمنی، ۳. محیط زیست، ۴. منابع مورد نیاز جهت عرضه متناسب با تقاضا و ۵. مدیریت منابع در حین بهره برداری میباشد. در واقع یک محصول استاندارد متناظر با یک محصول با کیفیت است.

«تعریف کنترل کیفیت و مزایای آن

کنترل کیفیت را میتوان به این گونه تعریف کرد که مجموعه ای از فعالیت ها و بررسی هایی است که در طول فرآیند تولید محصول و پس از آن اجرا می شوند. در این رویه، بررسی های کیفی روی نمونه های تصادفی و جزئی از محصول تولیدشده انجام می گردد و پس از آن مشخص می شود که چه اقداماتی برای بهبود کیفی محصول نیاز است یا به عبارت ساده کنترل کیفیت شامل تکنیک ها و سیستم هایی است که برای دستیابی به کیفیت مطلوب محصول و حذف محصولات غیراستاندارد استفاده می شوند. رضایت مشتری، کاهش

هزینه های تولید، استفاده بهینه از منابع، کاهش هزینه های بازرسی، بهبود تکنیکها و روشهای تولید از مهمترین مزایای کنترل کیفیت هر محصول است.

«اهمیت کنترل کیفیت

در هر صنعت، تولید کنندگان بسیاری فعالیت میکنند و محصولات یکسانی را به بازار ارائه میدهند اما آنچه که در موفقیت آنها نقش اصلی را ایفا خواهد کرد تولید محصولی با بالاترین کیفیت و کمترین هزینه است. هر تولید کننده با بررسی همه جانبه محصول خود در طی فرآیند تولید و پس از آن، از معایب و محاسن محصولی که قرار است به بازار فروش عرضه گردد آگاه خواهد شد و بنابراین قادر به برنامه ریزی و عمل در راستای رفع معایب و یا بهبود محصول خواهد بود. عدم ارزیابی کیفی محصول منجر به کاهش کیفیت آن و در نتیجه از دست دادن بازار خواهد شد. سازمان استاندارد کشور با استفاده از آزمایشگاههای همکار، ناظر بر کیفیت محصول تولیدی است همچنین آزمایشگاههای همکار استاندارد از طریق هزینه های تولید خواهد شد.

«برند سازی مشترک» یا «ائتلاف استراتژیک شرکت ها» برای سهم بیشتر بازار و جلوگیری از سواستفاده بعضی مشتریان، که حداقل ۱۸ مورد موفق آن در سطح جهان دیده شده است، جز استراتژی های مدیریتی می باشد که شاید در شرایط رکود فعلی و نوسانات شدید بازار، راه نجات صادرات فرآورده های نفتی ایران باشد.

وضعیت نابسامان کنونی صادرات کشور، تقریباً بر هیچ کس پوشیده نیست. کاهش بی سابقه صادرات مواد نفتی، موانع بیشمار پیش روی صادرات از جمله از بین رفتن روابط و اعتماد بازارهای بین المللی، دشواری های جابجایی پول و موارد بسیاری از این دست عرصه را هر روز برای صادر کنندگان ایرانی تنگ تر می کند، در این شرایط سخت بازار، استراتژی های پیشرو سه وضعیت را برای آینده شرکت ها ایجاد خواهد کرد.

یک) انفعال شرکت ها و خروج از بازار، که در صورت ادامه پیدا کردن این وضعیت، ضربه های مهلکی به بدنه اقتصاد کشور در طولانی مدت وارد خواهد کرد که در حال حاضر نیز شاهد شروع این روند هستیم

دو) رقابت منفی تولید کنندگان و صادر کنندگان، برای حضور در بازار که بیش از پیش باعث تخریب نام ایران، محصولات و برندهای ایرانی خواهد شد و صادرات را سخت تر خواهد کرد و موجب سواستفاده برخی خریداران و کاهش منافع ملی کشور خواهد شد.

سه) ائتلاف استراتژیک شرکت ها که برای حفظ



احمد رضا یوسفی
شرکت
پتروکیوکلان
تجارت آسیا

ائتلاف سازنده یا رقابت کشنده در صادرات فرآورده های نفتی؟

و ایجاد آرامش در بازار که در وضعیت جاری بهترین و پرمفعت ترین تصمیم برای صنعت و صادر کنندگان خواهد بود.

وقتی که برندها با یکدیگر وارد ائتلاف استراتژیک می شوند؛ هر دو خود را زیر سقف مشترکی قرار می دهند که علاوه بر روال بازرگانی مشترک می توانند بصورت کمپین های کوتاه یا بلند مدت از مزایای آن استفاده کنند. جالب ترین ائتلاف استراتژیک در سال ۲۰۰۶ بین دو برند مطرح ورزشی «نایک» و برند فناوری اطلاعات «اپل» رخ داد که در نهایت محصول مشترک جدید بعنوان Nike+ را ایجاد کردند. هر دو شرکت که از سال ۲۰۰۰ در حال همکاری مشترک بودند در سال ۲۰۰۶ تصمیم به ایجاد این ائتلاف کردند و این ائتلاف باعث ایجاد سهم بازار بیشتر برای هر دو شرکت شد. نمونه های موفق دیگر ائتلاف استراتژیک مابین شرکت ها در جهان از جمله Amazon & American Express ، Apple & MasterCard ، BMW & Louis Vuitton و GoPro & Red Bull خواندنی می باشند.

همچنین می توان از کارتل های اقتصادی نام برد که نمونه ای از ائتلاف میان تولید کنندگان و عرضه کنندگان هستند که تصمیم می گیرند بر قیمت ها یا وضعیت عرضه کالا تأثیر گذار باشند. گاهی کارتل ها مشخصاً در زمینه کنترل قیمت ها فعالیت می کنند که این مدل را هم در دنیا به اسم Price Ring می شناسند. یک نمونه بارز از کارتل ها که همه ما با آن آشنا هستیم اوپک است که در سطح کلان بر تنظیم



تابستانه اوپکس

اتحادیه صادر کنندگان فر آورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران در تابستان ۱۳۹۸ همانند دیگر فصول برنامه ها طرحها و راهبردهای گوناگونی را در رشد و ارتقای اهداف صادراتی خود تجربه نموده است برگزاری جلسات با مدیران نهادها و سازمان های گوناگون دولتی و بخش خصوصی، برگزاری کمیسیون های تخصصی فر آورده های نفتی و اقدامات مهم اتحادیه در بخش های اقتصادی، صادرات و اجتماعی از جمله این موضوعات هستند. بناداریم در پایان هر فصل اهم این برنامه ها را در ماهنامه دنیای انرژی منعکس نماییم.

پرونده دوم: تابستانه اوپکس



توجه به افزایش قیمت همه فر آورده های نفتی و قیمت گذاری وزارت نفت رشد بالایی داشته و بعضاً در و کیوم باتوم ۴۴ درصد و در بعضی فر آورده ها با افزایش ۳۰ درصد مواجه شدیم و این کاهش در این ماه نیز باعث گردیده که اتحادیه نشست خبری خود را با موضوع فرمول قیمت گذاری خوراک بر گزار نماید.

● شرکت نفت با واگذاری صنایع پایین دستی پالایشگاه ها، خود را عملاً از مسئولیت بخش پایین دستی و قیمت گذاری فر آورده ها کنار کشیده و تنها قیمت نفت را تعیین می کند و قیمت گذاری را به عهده پالایشگاه ها گذاشته است و انجمن صنفی پالایشگاه ها با توجه به وضعیت و فرمول قیمتی را برای فر آورده ها تعیین می کنند. مشکل اینجاست که خود پالایشگاه ها در فرمول قیمت گذاری نفت خام ابهام دارند. اگر هم اکنون شرکت نفت قیمت های واقعی فروش را ملاک قرار دهد قطعاً تخفیف ها خیلی بیشتر از ۵٪ فوب خلیج فارس خواهد بود این موضوع باعث شده که پالایشگاه ها احتیاط کنند ولی آخر کار پالایشگاه ها همیشه امتیاز را می گیرند و به طور مثال پالایشگاه اصفهان سال گذشته ۷ درصد یعنی ۱۵۵ تا ۱۶۰ میلیون دلار سود از فروش خالص داشته است. پس دو موضوع کنار کشیدن شرکت نفت از بحث قیمت گذاری پایین دست و برخورد با ابهام شرکت نفت با پالایشگاه ها از جمله اشکالات مطرح این بخش می باشد. ● با توجه به اینکه نظام ر گولاتوری در صنعت نفت حادث نشده است، شرکت نفت باید دخالت کند و بانوسانات بازار که فشارش را بخش خصوصی متحمل می شود، مبارزه نماید. اگر هدف حفظ اشتغال و بازار صادراتی است، اعمال این چنبینی باعث از بین رفتن بازار می شود. به طور مثال با این فضای کسب و کار، عراقی ها به شدت به بازار قیر کشور وارد شده اند و کل بازار ترکیه را نیز از دست فعالان ایرانی گرفته اند. ● با توجه به اینکه از اول سال آینده با بحث IMO و مازوت مواجهیم که نمی تواند در بازار صادراتی مورد استفاده قرار بگیرد، وقت آن است که صنایع پایین دست را تقویت کنیم. ● برای برون رفت از روابط مالی دولت و پالایشگاه ها، پیشنهاد می شود که دولت و پالایش و بخش قرارداد کارگزاری با پالایشگاه هایی که متعلق به خودشان نیست ببندند و این پالایشگاه ها در برابر هر بشکه نفتی که پالایش می کنند کارمزد بگیرند. شرکت نفت اگر بتواند رابطه مالی خود را در بودجه امسال بر مبنای کارمزدی با پالایشگاه ها طراحی بکند خیلی از مشکلات مرتفع می شود و پالایشگاه ها در قیمت گذاری دخالتی نخواهند داشت. همچنین همه اختیارات پالایشگاه ها و قیمت گذاری به پخش و پالایش برمی گردد و شرایط قیمت گذاری و چانه زنی نیز پرنوسان نخواهد بود.

دکتر فرزاد گلچین، نائب رئیس هیئت مدیره اوپکس : در برهه ای قرار گرفته ایم که تحریم های ناعادلانه با تصمیمات اشتباه عامدانه در هم آمیخته شده

«**نشست خبری اتحادیه در خصوص قیمت گذاری خوراک ها بر گزار شد**

نشست خبری اتحادیه صادر کنندگان فر آورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران با حضور اصحاب رسانه در سالن اتحادیه بر گزار شد و اعضای هیئت مدیره آقایان فرزاد گلچین نائب رئیس، حمید حسینی سخنگو، وحید شیخی عضو هیئت مدیره و سعید رفیعی فر دبیر کل به سوالات پاسخ دادند:

دکتر حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه : با توجه به تحولاتی که بازار نفت و به تبع آن فر آورده های نفتی در حوزه قیمت گذاری به خود دیده طی دوره های گذشته با کاهش ۴۰ دلاری در نفت کوره و نوسان قیمت نفت از ۵ دلار تا ۶۵ دلار شاهد بودیم که به نظر می رسد با روش های جاری و همیشگی قیمت گذاری، بخش هایی از صنایع پایین دست به شدت دچار مشکل می شوند. طی ماه گذشته نیز با

است. اشتباهاتی که در این دو دوره در حال رخ دادن است بعضاً تکرار اشتباهاتی است که در دو دوره قبل تر و در کابینه های نهم و دهم شاهدش بودیم. در دوره های قبلی به سرعت چاره اندیشی می شد ولی در این دوران به نظر می رسد پاییزی بس طولانی را آغاز کرده ایم. ● تغییرات قیمت خوراک که توسط مدیران جوان در بدنه وزارت نفت اتخاذ می شود منجر به بروز مشکلات عدیده ای شده است که اثرات این تصمیم گیری های اشتباه به راحتی جبران نخواهد شد. بدون مطالعه و بدون مشورت با بخش خصوصی واقعی یک افزایش فرمایشی صورت می گیرد و با ایجاد واکنش های منفی به دنبال چاره اندیشی هستیم. این تکرار تصمیمات اشتباه توان و رمق بخش خصوصی را گرفته است و این بنیه ضعیف در نهایت اساس و بنیان اقتصاد کشور را تهدید خواهد کرد. ● از اصحاب رسانه توقع داریم که مطالبات بخش خصوصی را به طور مکرر و نه گسیخته منعکس نماید و این مانور ها در قالب و چار چوب همکاری متقابل بین بخش خصوصی و اصحاب رسانه تکرار گردد و منجر به گشایش اقتصادی گردد. ● ر گولاتوری فقط مختص یک صنف نیست ر گولاتوری تدوین و تنظیم قوانین و مقررات در تمام سطوح است یکی از مشکلات اقتصاد ما نبود مرجع است، مرجعی با حضور کلیه اندیشمندان دانشگاهی و سیاسی و اقتصادی کشور که باعث ایجاد چالش در اقتصاد کشور شوند و در تصمیمات نقش محوری ایجاد نمایند.

مهندس سعید رفیعی فر، دبیر کل اتحادیه اوپکس همان طور که اطلاع دارید در سه سال گذشته با اعمال نرخ تسعیر ارز و ضریب افزایش قیمت نفت خام بحرانی ایجاد گردید که حوزه فعالیت واحدهای پایین دست را دچار آسیب اساسی نمود. از همان زمان با اعلان مواضع اتحادیه خوشبختانه وزیر نفت با پیشنهاد های اتحادیه موافقت نمود و موضوع حل و فصل گردید. با توجه به افزایش شدید ارز و پایه گذاری ارز ۴۲۰۰ تومانی، منشأ آشفته گی فساد در بخش های مهمی از اقتصاد خصوصاً" در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صادرات گردید. در این خصوص نیز اتحادیه پیشنهاد عدم دخالت دولت در تعیین قیمت ارز و سامانه نیما را دارد که در سال کنونی با پیگیری های مختلف، بانک مرکزی و دولت اجازه دادند بازار به تعادل برسد و در طی چند ماه گذشته نیز به ثبات ارزی برسیم. با تعادل قیمت ارز درآمدهای دولتی نیز افزایش پیدا کرده است، بخش صادرات و بخش فروش نفت به پالایشگاه های داخل کشور و بخش واردات به دلیل تحریم ها در آمد چندانی نصیب دولت نکرده است. دولت با فروش ۰/۰۰۰/۲۱۲۰ بشکه نفت خام به پالایشگاه های کشور مبلغی را به طور مشخص به خزانه اش واریز می کند و در استحصال آن ها چهار ماده اصلی از قبیل گازوئیل و بنزین و ... مصرف شده و مابقی به عنوان خوراک صنایع پایین دست فروخته می شود. با توجه به افزایش ارز دولت از محل فروش داخلی ۰/۰۰۰/۲۱۲۰ بشکه نفت مبلغی بالغ بر ۷۰۰ میلیارد تومان در روز در آمد داشته است. با این کیفیت و با روند افزایش در آمد دولت، بخش پایین دست نمی تواند به هر قیمتی که دولت تعیین می کند خوراک را تأمین کند و در نامه ای که به معاون اول رئیس جمهور ارائه شد درخواست گردید که قیمت فروش را بر اساس قیمت واقعی و همان قیمتی که در بندرعباس ارائه می کند بگذار د و عددی واقعی را در فرمول قرار دهد که پالایشگاه های مادر از آن منتفع شده و این انتفاع به پالایشگاه های میانی و پایین دستی تسری گردد. این خواسته فوری اتحادیه بوده و بر اساس آن اتحادیه نه تنها هیچ رانتی رانمی خواهد بلکه در همه مقاطع مخالف شدید رانت بوده است. ● در رابطه با بورس و عرضه خوراک در آن، یک سقف رقابت و یک رقابت وجود دارد. مثبت و منفی رقابت در بورس باید پذیرفته شود و به عنوان اصلی و نه اختیار و احتکار مدرن قرار بگیرد. ● یکی از خواسته های اتحادیه از ادسازی قیمت نفت کوره و سفید است که این درخواست که مستقیماً منافع آن برای دولت هست عملیاتی نمی گردد. ● منظور اتحادیه از بیان ر گولاتوری، حضور بخش خصوصی واقعی متشکل از کلیه نمایندگان نفتی، دانشگاهی، قضایی و اقتصادی است با این وصف و با ایجاد قیمت واقعی فروش در فرمول و ایجاد نهاد ر گولاتوری، به خوبی می توان این قیمت را به بحث و نقد قرار داد و کارشناسی نمود.

وحید شیخی، عضو هیئت مدیره اتحادیه اوپکس : با توجه به اینکه در فرمول قیمت گذاری قید شده است نرخ فروش فوب محاسبه گردد و نرخ فروش نفت خام و فر آورده ها هم در فوب مشخص است ریسک معاملات پایین دستی ها کمتر شده و زنجیره پالایشگاه های مادر، میان دست و پایین دست سهم خود را از فر آورده ها خواهند برد؟ ● متأسفانه تعهدات ارزی، ارزش گذاری های بی منطق گمرک بر روی فر آورده ها، وضعیت تحریم و مشکلات حمل و نقل در یایی، مشکلات جابجایی و ارز حاصل از صادرات باعث مشکلات عدیده در فضای کسب و کار و تولید و صادرات شده است. ● با توجه به اینکه به پالایشگاه ها اعلام شده که تا سقف توانشان تولید کنند که این موضوع باعث انباشت فر آورده ها شده و پالایش دچار مشکل خواهد شد و به تبع آن پالایشگاه ها هم ضرر می کنند. در صورت افزایش مصرف فر آورده ها و اصلاح فرمول با توجه به مشکلاتی که در بودجه برای دولت حادث شده می توان این مشکلات مالی را قبل از اینکه فصل سرما شروع گردد مرتفع نمود.

«**دیدار با معاون اول ریاست جمهوری**

در جلسه ای که در دفتر معاون اول رئیس جمهور و با حضور جناب آقای جهانگیری بر گزار شد، موضوعات طرح ۲۰۲۰ مطرح شد. از جمله این مشکلات اینکه متأسفانه کشور ما در این چند سال هیچ اقدامی در رابطه با این موضوع انجام نداده است و در این فرصت کم شروع به پیگیری این موضوع نموده است تا بتواند سوختی با سولفور زیر ۵۰ ppm تولید نماید. در این جلسه آقای دکتر رشیدی، مدیر عامل یک شرکت دانش بنیان اعلام کردند که موفق به تولید این سوخت شده اند. و آقای هاشمی نیز به نمایندگی از اتحادیه آمادگی اعضاء را برای همکاری با آن شرکت برای تولید سوخت کم سولفور اعلام داشتند.

«**برگزاری اولین نمایشگاه بین المللی صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی**

با توجه به جلساتی که با مجری برگزاری اولین نمایشگاه بین المللی صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی (شرکت راهکار تجارت مدیریت کوشا) در اتحادیه برگزار شد، نمایشگاه مذکور از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ بهمن ماه سال جاری در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران بر گزار خواهد شد و این تاریخ در فهرست نمایشگاه های تهران قطعی شده است. در همین راستا جلسات شسورای سیاست گذاری اولین نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی با حضور اتحادیه های موازی و شرکت های تابعه وزارت نفت تشکیل خواهد شد.



«جلسه با مرکز ملی رقابت

جلسه‌ای به درخواست اتحادیه با حضور جناب آقای فتحی معاونت شورای رقابت به همراه تیم کارشناسی در محل اتحادیه و با محوریت موضوع ایجاد نهاد رگولاتوری در صنعت، نفت، گاز و پتروشیمی برگزار شد. در نهایت مقرر شد، پیگیری در این خصوص از سوی اتحادیه صورت گیرد سپس شورای رقابت حمایت‌های لازم را به عمل آورد.

«جلسه با سازمان توسعه تجارت ایران

جلسه کمیته کارشناسی شورای عالی صادرات غیرنفتی با حضور نمایندگان اتحادیه، سازمان ملی استاندارد، دارایی، گمرک و... برگزار شد. موضوع جلسه در خصوص بررسی مسائل و مشکلات صادرات قیر بود. مدیرکل صادرات بانک مرکزی نیز در این جلسه حضور داشتند که اتحادیه مجدداً برگزاری جلسات کارشناسی بانک مرکزی جهت رفع مشکلات ارزی کمیسیون‌های تخصصی اتحادیه را از ایشان پیگیری نمود. مهم‌ترین موضوعی که اتحادیه مطرح نمود این بود که نحوه محاسبه ارزش‌های گمرکی کالاهای صادراتی از سوی گمرک و نرخ ارز اعلامی از سوی بانک مرکزی باعث بالا رفتن قیمت‌های پایه صادراتی شده که در پی آن میزان تعهدات ارزی اعضا نیز بالا رفته است و تداوم این رویه موجب توقف فعالیت تولیدکنندگان و صادرکنندگان خواهد شد.



«دیدار با مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران

جلسه‌ای با مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران به همراه معاونین و مدیرانشان در خصوص رفع برخی از محدودیت‌های ایجادشده در اثر بازگشت تحریم‌های بین‌المللی برای صادرکنندگان برگزار شد. در این جلسه عنوان شد که تاکنون صندوق تمرکز خود را بیشتر بر روی پتروشیمی‌ها گذاشته است اما با توضیحاتی که اتحادیه در مورد فعالیت‌های اعضا خود ارائه نمود، در خصوص همکاری با اتحادیه و ارائه تسهیلات به اعضا ابراز علاقه نمودند. در این زمینه مقرر شد، از نمایندگان صندوق ضمانت صادرات ایران برای شرکت در جلسات کمیسیون‌های اتحادیه دعوت به عمل آید.

«برگزاری جلسه از سوی سازمان توسعه تجارت ایران در اتحادیه

با هماهنگی سازمان توسعه تجارت ایران جلسه‌ای با موضوع "تدوین استراتژی ملی صادرات" با حضور مشاوران اعزامی از سوی مرکز تحقیقات بین‌الملل و مجموعه‌ای از پتروشیمی‌های کشور و انجمن‌های وابسته در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۷ در محل دبیرخانه اتحادیه برگزار شد و در نهایت مقرر شد، جلساتی مدون در این خصوص برگزار گردد.

«جلسه با انجمن صنفی کارفرمایان صنعت پالایش نفت

جلسه‌ای با حضور جناب آقای عاشوری به همراه نمایندگان دولتی در خصوص تعیین نرخ فرآورده‌های نفتی مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ برگزار شد. در حال حاضر آمار معاملات صفر است اگر این روند ادامه پیدا کند پالایشگاه‌ها مجبور به توقف کار خواهند شد که ابعاد سنگینی را در بر خواهد داشت در همین راستا اتحادیه پیشنهاد داد، قیمت نفت خام بر مبنای متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت ایران (پایین‌تر از قیمت فوب خلیج فارس) تعیین شود تا متعاقباً پالایشگاه‌ها قادر باشند فرآورده‌های خود را متناسب با همین روش تعیین قیمت نمایند و همچنین به‌منظور ایجاد هماهنگی و اتخاذ رویه یکسان و جلوگیری از اختلال در روند تعیین قیمت‌های فرآورده‌های ویژه و خریدوفروش "نهاد تنظیم بازار رگولاتوری" تشکیل گردد.

«دفتر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی

جلسه‌ای با جناب آقای مسیحی معاونت دفتر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ در خصوص استرداد معوقات مالیات بر ارزش افزوده صادرکنندگان برگزار شد. اختیارات بانک مرکزی همچنان برقرار است و بدون تأیید بانک مرکزی ارزش افزوده‌ای بر نخواهد گشت. بانک مرکزی یک CD برای کل سال ۱۳۹۷ را به دفتر معاونت ارزش افزوده فرستاده اما دسترسی به سامانه امور مالیاتی را نداده است از این رو شرکتها می‌توانند خودشان از دفتر

«تشکیل کمیته داوری اتحادیه

هر چند که کمیته داوری اتحادیه تاکنون رسمیت نداشته اما در سالهای گذشته از طرف دادگستری، اتاق بازرگانی و سازمان توسعه تجارت ایران به رسمیت شناخته شده است اما با توجه به نتیجه‌های نامطلوب به‌دست آمده از پرونده‌های اعضا در دادگاه‌های حل اختلاف، برای اولین بار هیئت‌مدیره اتحادیه رسماً تشکیل کمیته داوری را مصوب نمود که اقدامات اجرایی و اولین جلسه این کمیته داوری نیز برگزار شده است، لذا اعضا می‌توانند داوری را در قرار دادهایشان ذکر کنند تا در اتحادیه به آن رسیدگی شود.

«جلسه آکادمی دانشگاه صنعت شریف

جلسه‌ای با هیئتی از آکادمی دانشگاه صنعت شریف به همراه کارشناسان اتحادیه برگزار شد. بر اساس پیشنهاد مطرح شده از سوی آن آکادمی جهت همکاری در خصوص برگزاری دوره یک‌ساله MBA با همراهی اتحادیه مقرر شد، تفاهم‌نامه همکاری به‌منظور حضور رایگان نمایندگان اتحادیه در دوره‌های آموزشی و ارائه تخفیفات مختص اعضاء منعقد گردد.

«کمیسیون فرآورده‌های قیر و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

از مهم‌ترین موضوعاتی که در کمیسیون‌های قیر برگزار شده در سه‌ماهه دوم سال ۹۸ مطرح شده می‌توان به مواردی از قبیل بررسی موارد مطرح شده در جلسه با معاونت صادرات بانک مرکزی مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۵، بررسی ابعاد مختلف در خصوص تکمیل فرم بازگشت ارز بانک مرکزی، انتخابات هیئت‌رئیس کمیسیون، بررسی آخرین تحولات در زمینه ارزش افزوده و تعهدات ارزی، بحث و بررسی در خصوص ابعاد مختلف موضوع قیر تهاتری، بررسی پیشنهاد کنفرانس‌های مرتبط با قیر توسط اتحادیه با محوریت صادرکنندگان ایرانی قیر، بررسی اشتراک مجلات آرگون و پلتس توسط اعضاء، بحث و بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص طرح رتبه‌بندی و بررسی پیشنهاد اعضاء در خصوص نحوه برگزاری جلسات کمیسیون اشاره کرد. نتایج جمع‌بندی این جلسات به شرح ذیل می‌باشد: ● در خصوص فرمول قیمت‌گذاری و کیوم باتوم، کلیه پیشنهادهای اعضا جمع‌آوری گرد و در جلسه مشترک با انجمن قیر، توسط نمایندگان کمیسیون مطرح گرد و. ● نامه ارائه اطلاعات فروش ریالی و پاسخ شرکت‌ها جمع‌آوری گرد و از بانک مرکزی در خصوص تعیین تکلیف واحدهای ارائه‌دهنده اطلاعات پیگیری لازم صورت پذیرد؛ همچنین یک کارگروه ارزی جهت برگزاری جلسه با بانک مرکزی و شرکت‌های متعهد و نمایندگان تام‌الاختیارشان تشکیل گردد. ● طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی ابعاد فسادآور و مخل صادرات موضوع قیر‌های تهاتری تشریح و به کمیسیون انرژی و عمران مجلس ارسال گرد و. ● کارگروهی در خصوص برگزاری کنفرانس بین‌المللی قیر در ایران تشکیل گردد که امور مربوطه را پیگیری و سازمان دهی نماید. ● در خصوص طرح رتبه‌بندی، چارچوب کلی از طرف اتحادیه به اعضا ارسال گرد و. ● چنانچه اعضاء کمیسیون در خصوص نحوه و شرایط برگزاری جلسات نظرات و پیشنهادهایی دارند آن را به هیئت‌رئیس مطرح نمایند؛ * کارگروهی باهدف بررسی راهکارهای کاربردی جهت ایفای تعهدات ارزی و ارائه پیشنهاد به بانک مرکزی برگزار گردد و دبیرخانه اتحادیه مکاتبه لازم با اعضاء کمیسیون قیر را انجام دهد. ● اتحادیه مکاتبه‌ای در خصوص موضع لزوم اخذ مجوز استاندارد جهت کالاهای صادراتی مشمول ضوابط استاندارد اجباری با گمرک انجام دهد. ● اتحادیه در خصوص نامه‌ای که در اعتراض به اتصال به خطوط لوله مشترک کریدور A بندر خلیج فارس تهیه و به سازمان بنادر و دریانوردی ارسال نموده است، پیگیری لازم را انجام دهد. ● کارگروهی جهت بررسی و اصلاح فرمول قیمت‌گذاری و کیوم باتوم برگزار گردد. ● اتحادیه پیگیری لازم در خصوص مطالبات ارزش افزوده صادرکنندگان را در دستور کار خود قرار دهد.



«کمیسیون فرآورده‌های روغن و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

از مهم‌ترین موضوعاتی که در کمیسیون‌های فرآورده‌های روغنی برگزار شده در سه‌ماهه دوم سال ۹۸ مطرح شده می‌توان به مواردی از قبیل بررسی ارزش‌های گمرکی فرآورده‌های روغنی تصفیه دوم، بحث و تبادل نظر در خصوص آمارهای صادراتی انواع روغن در سال ۹۶ و ۹۷ و تشکیل کارگروه اصلاح کد تعرفه صادراتی انواع روغن عنداللزوم، بحث و تبادل نظر در خصوص استانداردسازی فرآورده‌های روغنی مطابق با آخرین بخشنامه استاندارد و بحث و تبادل نظر در خصوص مشارکت کمیسیون فرآورده‌های روغنی در برگزاری کنفرانس قیر اشاره کرد. طی برگزاری این جلسات تصمیمات و نتایج حاصله به شرح ذیل می‌باشند:

● کارگروهی جهت ارزش‌گذاری فرآورده‌های روغنی تصفیه دوم برگزار گردد. ● کارگروهی جهت بررسی و دسته‌بندی کدینگ محصولات (روغن تصفیه اول) و ارائه طرحی به گمرک تشکیل گردد. ● یک کارگروه فنی متشکل از اعضاء کمیسیون فرآورده‌های روغنی با حضور واردکنندگان مواد افزودنی موردنیاز شرکت‌های تولیدکننده جهت بررسی موضوع استاندارد ادتیوها تشکیل و پس از جمع‌بندی نظرات کارشناسی اعضاء کارگروه، درخواست مشخص کمیسیون به دبیرخانه اتحادیه گردد. ● طی اطلاع‌رسانی از سوی اتحادیه به اعضاء درخواست شود تا آن دسته اعضایی که تقاضای تأمین خوراک روغن پایه تصفیه اول را دارند، اعلام نیاز خود را کتباً به دبیرخانه اتحادیه ارسال نمایند تا در این خصوص پیگیری‌های لازم صورت گیرد. ● اعضاء کمیسیون نظرات خود در خصوص استاندارد ادتیوها را کتباً به دبیرخانه اتحادیه ارسال نمایند. ● جلسه مشترک با بانک مرکزی و دارایی برگزار گردد.



« کمیسیون شیمیایی و گاز و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

از مهم‌ترین موضوعاتی که در کمیسیون‌های شیمیایی و گاز برگزار شده در سه‌ماهه دوم سال ۹۸ مطرح شده می‌توان به مواردی از قبیل بحث و بررسی در مورد مشکلات به وجود آمده در دوره جدید نسبت به نظریه کار گروه محترم تعیین ماهیت در مورد بعضی از اعضا، انتخابات هیئت‌رئیس کمیسیون، کاهش فرمول‌های استانداردسازی واحدهای تولیدی هیدروکربنی و همکاری با ارگان‌های متعامل از طریق ارائه اطلاعات فنی و صنفی جهت ایجاد شفافیت و جلوگیری از اختلاط با مواد یارانه‌ای در فرایند تولید و صادرات فرآورده‌ها اشاره کرد. از ابتدا مردادماه سال جاری از سوی کار گروه تعیین ماهیت درصد مغایرت‌های جدیدی برای شرکت‌ها اعلام شده که مربوط به پرونده‌های صادراتی سال ۱۳۹۷ است.

در نامه مدیر کل محترم ستاد به‌عنوان در سال گذشته گمرک عنوان شده بود که اعلام نظر کار گروه ثانویه در مورد پرونده‌های صادراتی مربوط به بازه زمانی ۹۷/۰۷/۰۱ تا ۹۷/۱۲/۲۸ بوده، ولیکن متأسفانه اعلام نظرهای کار گروه مذکور در مورد پرونده‌های سال گذشته از سر گرفته شده است. از اعضا در خواست شد چنانچه در این زمینه با مشکلی مواجه شده‌اند، اعلام نمایند تا نامه‌ای برای تعیین تکلیف پرونده‌های صادراتی در این زمینه تهیه و به ستاد ارسال شود. در مورد مسئله معافیت مالیاتی صادرات هیدروکربن و برخورد سلیقه‌ای برخی از سازمان‌های امور مالیاتی موضوعاتی مطرح و عنوان گردید که این مسئله در رسیدگی‌های مربوط به سال ۹۶ همچنان ادامه دارد و مشکلاتی برای شرکت‌ها ایجاد نموده است. عنوان شد صادرات انواع هیدروکربن در طول برنامه پنجم و ششم توسعه مشمول معافیت مالیاتی است و از اعضا کمیسیون در خواست شد چنانچه با مشکلی در این زمینه مواجه شده‌اند، موضوع را جهت پیگیری و مکاتبه با سازمان‌های امور مالیاتی به اتحادیه اعلام نمایند.



« کمیسیون فرآورده‌های پرافینی و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

در کمیسیون‌های فرآورده‌های پرافینی برگزار شده در سه‌ماهه دوم سال ۹۸ در خصوص موارد متعددی از جمله بازارهای جهانی پرافین و کس، فوتس اویل، وازلین و پرافین مایع، قیمت خوراک واحدهای تولید پرافین، تغییر کد تعرفه پرافین و کس در گمرک بندرعباس و نحوه قیمت‌گذاری و شرایط عرضه و تقاضای اسلک و کس در بازار داخلی به‌منظور اصلاح وضعیت موجود بازار بحث و تبادل نظر به عمل آمد. از مهم‌ترین مشکلات اعضای کمیسیون پرافین نرخ خوراک واحدهای پرافین سازی برای تداوم فعالیت‌های تولیدی و صادراتی آن‌ها است. در این رابطه عنوان شد مسائل مرتبط با نحوه عرضه خوراک واحدهای پرافین سازی در بورس، در حال پیگیری از طریق مرکز ملی رقابت است. همچنین نوسانات نرخ قیمت‌گذاری از دیگر مشکلات این صنف می‌باشد. صنف تولیدکنندگان فرآورده‌های پرافینی شرایط مناسبی برای تولید و صادرات در اختیار ندارند. مشکلات موجود در رابطه با قیمت مواد اولیه و نیز تعهدات بازگشت ارز حاصل از صادرات، متوسط نرخ تمام‌شده شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و توان حضور و رقابت در بازار را از ایشان سلب می‌نماید. از موارد مطرح شده دیگر در این جلسات این بود که با توجه به شرایط پذیرش کالا در بازار فیزیکی بورس کالای ایران (مندرج در وب‌سایت آن شرکت) کالای قابل عرضه در بورس نباید مشمول محدودیت‌هایی از جمله محدودیت قیمت‌گذاری قانونی و انحصار در عرضه یا تقاضا باشد که مانع از کشف عادلانه قیمت کالا گردد؛ بنابراین با توجه به اینکه اسلک و کس تاکنون همواره دارای فرمول قیمت‌گذاری مصوب بوده است، می‌بایست از فهرست کالاهای قابل عرضه در بورس خارج شده و سپس تنظیم بازار آن ضمن تشکیل کمیته‌ای با حضور نمایندگان مرکز ملی رقابت، این اتحادیه و انجمن پالایشگاه‌های روغن‌سازی در جلسات ماهانه این کمیته صورت گیرد.

« کمیسیون پتروشیمی و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

از مشکلات اصلی در بخش صادرات محصولات شرکت‌های پتروشیمی، مسائل مربوط به حمل‌ونقل محصولات به‌خصوص محصولات مایع است. اعضا خواستار ارائه راه‌حل و رفع هر چه سریع‌تر این مشکل بودند. جداگانه عمل کردن سیستم‌ها و ارگان‌های دولتی نیز از دیگر مشکلات این صنعت است که علی‌رغم همه مشکلات که در کشور برای شرکت‌های پتروشیمی و صادرات آن‌ها وجود دارد، باید مورد پیگیری قرار گیرد. آقای دکتر حسینی عضو محترم هیئت‌مدیره و سخنگوی اتحادیه با توجه به کم‌کاری‌های صورت گرفته نسبت به شرکت‌های پتروشیمی در دوره‌های پیشین عنوان نمودند، جلسات حضوری با جناب آقای عزیزی و سعیدی (دوستان هلدینگ) در خصوص پیگیری این موضوع انجام شده و امید است با ارائه برنامه توسط هیئت‌رئیس کمیسیون پتروشیمی و پیگیری آن توسط این جانب بتوانیم تعاملات موردنظر را ایجاد و به دنبال آن بخش پتروشیمی اتحادیه را تقویت نماییم. با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌های پتروشیمی نسبت به اتحادیه و فعالیت‌های این تشکل شناخت ندارند، اعضا خواستار برنامه‌ریزی در راستای فعالیت بیشتر این کمیسیون شدند تا اتحادیه در این صنعت نیز شناخته‌تر شود. دبیر کل اتحادیه از اعضا در خواست نمودند تا ضعف‌های موجود را به اتحادیه اعلام نمایند تا جهت بهبود و رفع آن‌ها اقدام شود.



« کمیسیون بازرگانان و نتایج سه‌ماهه دوم آن:

مهم‌ترین صحبت‌های انجام‌شده در جلسات کمیسیون بازرگانان شامل مواردی بوده است از قبیل بحث و بررسی پیرامون بازار ترانزیت و صادرات با توجه به تحولات اخیر روابط ایران و امارات (امور بانکی و بندری و شرکت‌های نفتی)، بحث و بررسی مشکلات ناشی از محدودیت ضمانت‌گذاری توسط بازرگانان برای صادرات با کارت بازرگانی خودشان، بررسی طرح پیشنهادی قیمتی به‌صورت هفتگی از طرف کمیسیون بازرگانان، بررسی گزارش عملکرد تجارت خارجه کشور در ۱۲ ماه گذشته، بررسی وضعیت بازار محصولات پتروشیمی و پالایشگاهی و تحلیل روند بازار صادرات، بررسی وضعیت شرکت‌های عضو کمیسیون و جذب بازرگانان و ارائه طرح مناسب برای خرید اعضا از بورس انرژی که در ذیل به شرح مختصری از آن می‌پردازیم: ● قانون "بهبود مستمر فضای کسب‌وکار" در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که ۲۹ ماده و ۵۳ حکم را شامل می‌شود. تسهیل شروع کسب‌وکار، الزام مشورت مسئولان دستگاه‌های اجرایی با فعالان اقتصادی، شفاف‌سازی اطلاعات و معاملات بخش عمومی، رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری به‌ویژه برای تولیدکنندگان کوچک، ثبات بیشتر در تغییر سیاست‌ها و ایجاد سامانه‌های پنجره واحد برای معاملات بخش عمومی و تجارت‌های فرامرزی از اهداف اصلی این قانون است. از ۵۳ حکم این قانون تنها ۱۰ حکم اجرایی شده ۱۸ حکم اجرای ناقص و ۲۵ حکم آن‌هم اصلاً اجرا نشده است که نشان می‌دهد حدود یک‌پنجم از مفاد این قانون اجرا شده و حدود نیمی از احکام آن اساساً اجرا نشده‌اند. از مهم‌ترین احکام این قانون جلوگیری از فعالیت موازی تشکل‌ها در فعالیت‌های صادراتی است که پیرو آن شورای گفت‌وگو دولت و بخش خصوصی با حضور ۱۷ نفر از مسئولان دستگاه‌های اجرائی و ۱۰ نفر از نمایندگان تشکل‌های بخش‌های خصوصی تشکیل شده است اما همچنان از نظرات بخش خصوصی هیچ‌گونه استفاده‌ای نمی‌شود. عدم توجه دستگاه‌های دولتی و حضور نامنظم اعضا در این جلسات از کارآمدی و اثربخشی شورا کاسته است و برنامه‌هایی همچون تشکیل سازمان نظام مشاوره مدیریت و پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات بخش عمومی به‌درستی پیگیری نشده است. این قانون تلاشی می‌توانست استراتژی کاری خوبی برای اعضا کمیسیون بازرگانان باشد؛ از هرج‌ومرج‌های اقتصادی جلوگیری کند و نظم قانونی اثربخشی در پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی ایجاد نماید. بخش عمده‌ای از دلایل عدم اجرا یا اجرای ناقص احکام قانونی، به نواقص قانون و قانون‌گذاری مربوط است. ظرفیت برای فعالیت بخش خصوصی وجود دارد اما اراده‌ای برای استفاده از آن دیده نمی‌شود. این موضوع نیاز به کارشناسی جدی و محکمی دارد تا به نتیجه برسد. تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که از احکام این قانون است، انجام شده است اما عملاً جلسات به‌صورت تشریفاتی برگزار می‌شوند و مصوبه‌ای هم از آن خارج نشده است. برای مثال در سال گذشته در خصوص موضوع ایجاد نهاد رگولاتوری بر اساس پیگیری‌های بخش خصوصی جلسات تشکیل شدند اما به دلیل مقاومت بخش دولتی عملاً بی‌نتیجه ماند. باین‌حال اتحادیه همیشه خواهان شرکت در جلسات شورا برای حفظ و دفاع از منافع اعضا خود بوده است و در فرصت‌هایی که پیش می‌آید مواضع خود و درخواست‌های اعضا را مطرح می‌کند. ● کمیسیون بازرگانان در نظر دارد به‌عنوان پایه‌ای برای قیمت‌گذاری فعال گردد. پیشنهاد می‌شود، بستری فراهم شود تا قیمت کلیه محصولات اتحادیه به‌صورت هفتگی (در روزهای شنبه یا یکشنبه) و از هر کمیسیون توسط یک نماینده و با تأیید رئیس کمیسیون مربوطه قیمت‌ها به‌صورت یک بازه قیمتی مناسب به کمیسیون بازرگانان اعلام و اطلاعات به‌صورت مستمر در قالب یک جدول به فعالان اقتصادی ارائه شود. ● پیرو بررسی گزارش عملکرد تجارت خارجی کشور در سال ۹۷ پنج قلم عمده صادراتی کشور میعانات گازی، گاز طبیعی مایع، پروپان مایع‌شده، روغن‌های سبک و فرآورده‌ها به‌جز بنزین، همچنین پنج بازار نخست صادراتی کشور: چین، عراق، امارات، افغانستان و کره جنوبی سهم این بازارها از کل صادرات کشور: ۶۷ درصد (۶٪ کاهش صادرات) و پنج بازار بزرگ وارداتی به کشور: چین، امارات، ترکیه، هند و آلمان سهم این بازارها از کل واردات کشور: ۵۸ درصد (۲۱٪ کاهش صادرات از صادرات غیرنفتی طی سال ۹۷ تنها بخش "صنعت" کشور به میزان (۴۰۸ درصد) افزایش ارزش داشته است و با پایین آمدن ارزش ریال، صادرات اقلام غیرنفتی مانند مشتقات هالوژن، روغن‌های نفتی و روغن‌های حاصل از مواد معدنی، قیر نفت و... درصد تغییرات ارزشی بالاتری نسبت به سال ۹۶ و اقلامی چون میعانات گازی و گازهای نفتی نیز با کاهش ارزش مواجه شده است. کل حجم تجارت خارجی کشور ۸۶ میلیارد دلار بوده است. ۳ کشور اول مهم بازارهای هدف کالا چین، عراق و امارات است. در سال ۹۷ صادرات کشور به اروپا حدود ۳۰ درصد کاهش داشته در صورتی که به ارزش ۹ میلیارد دلار از اروپا به کشور واردات انجام شده است. صادرات به کشورهای همسایه نیز افزایش پیدا کرده اما مجموعاً در حوزه صادرات تنها حدود ۱ میلیارد دلار صادرات داشته‌ایم.



Iran Makes Huge Natural Gas Discovery Could Power Tehran For 16 Years

Iran's state oil company has struck natural gas at a new deposit, according to a report in PressTV, quoting another report from news agency Fars.

According to PressTV, NIOC's head of exploration, Saleh Hendi, told Fars that "this field was discovered after a year of continuous exploration in southern Iran."

Hendi reportedly added the gas was struck at a depth of 3,900 meters and that the deposit that was tapped contained enough energy to provide power to the whole of Tehran, which has a population of 12 million, over a period of 16 years. The report comes on the heels of news that China's CNPC had pulled

out from the South Pars Phase 11 project, which was supposed to be led by French Total. Total, however, left Iran last year after U.S. sanctions snapped back, leaving CNPC with the opportunity to gain majority in the project. According to Iran's Petroleum Minister Bijan Zanganeh, however, this did not happen, and the Chinese company pulled out, too, leaving local Petropars solely responsible for the project.

There have been numerous reports from official Iranian news outlets about continued oil and gas exploration in defiance of U.S. sanctions. Last December, NIOC's Hendi said, "Based on our Five-Year Development Plan,

we have had good achievements in exploration of oil and gas reservoirs, so that we now rank first in terms of oil and gas reserves in the world," following successful new exploration results.

The U.S. sanctions have had no impact on exploration operations, Hendi said at the time, which continue as usual. Hendi then added that the sanctions had made Iran self-sufficient in producing equipment for oil and gas exploration. The BP Statistical Review of World Energy 2018 with data at end-2017 places Iran fourth in proved oil reserves, behind Venezuela, Saudi Arabia, and Canada, and second in natural gas behind Russia.

Shell, Exxon Close Deal to Build Five LNG Import terminals

Shell and Exxon are among the companies picked by the Pakistani government to build five LNG import terminals as part of efforts to boost natural gas imports to deal with shortages in supply.

Reuters reports that the terminals could be operational in two to three years, quoting the country's oil and power minister, Omar Ayub Khan.

With a fast-rising population, Pakistan has been plagued with power outages largely resulting from a shortage of fuel necessary to keep its power stations going. Though there is some local production, in financial year 2017/18, demand exceeded this supply by about 3 billion cu ft daily. Imports of gas and LNG are already on the rise but not fast enough to ensure no more blackouts. To remedy matters, the government has picked five consortia to build additional terminals. The consortia include,



besides the two supermajors, also Mitsubishi Corp, Energas, Trafigura, and Gunvor.

The consortia must submit their detailed plans for the terminals for government approval by November 5 although Reuters quoted PM Khan as saying this approval had already been granted.

Pakistan currently has LNG import capacity of 1.2 billion cu ft per day in two terminals, with plans to add another with a capacity of 600 billion cu ft daily in 2020. One billion cu ft of natural gas equals about 21,000 tons of LNG.

Besides imports, however, Pakistan is also pursuing higher local production. The country is eager to open up its gas deposits to foreign energy companies, and earlier this year a senior government official told Reuters, "I expect in the second half of this year we will be auctioning at least 10, if not 20 blocks for exploration."

The resources seem to be there, according to estimates. Pakistan has conventional gas reserves of 20 trillion cu ft and shale gas reserves exceed 100 trillion cu ft. So far, the authorities have delineated more than 30 gas blocks, all onshore.

Huge Independent Refiner Prepares For Revolution In Markets

One of the world's largest independent oil traders, Gunvor Group, plans to revamp its refinery in Rotterdam to adapt it to produce low-sulfur fuel oil that would be compliant with the new regulations on shipping fuel, Gunvor's chief executive torbjörn törnqvist told Reuters. Gunvor plans to reconfigure its 88,000 barrels per day refinery in Rotterdam, in the Netherlands, in March next year, so that it could start producing the low-sulfur fuel oil (LSFO).

"We will still produce high sulphur fuel oil but we will be able to produce both," törnqvist told Reuters.

According to Gunvor's chief executive, refineries will be able to produce LSFO without compromising gasoline production and without changing the refinery's configuration too much.



According to the new rules by the International Maritime Organization (IMO), only 0.5-percent or lower sulfur fuel oil should be used on ships beginning January 1, 2020, unless said ships have installed the so-called scrubbers—systems that remove sulfur from exhaust gas emitted by bunkers. the International Energy Agency (IEA) estimates that demand for high-sulfur fuel oil (HSFO) will drop from 3.5 million bpd to 1.4 million bpd in just one year. By the end of 2020, an estimated 4,000 vessels—out of a global fleet of around 90,000—will have scrubbers installed which

will consume some 700,000 bpd of fuel oil.

So the shipping industry is preparing for a disruption of the types of fuels it will be using as of the beginning of 2020, but the oil and fuels market, as well as refiners, are also getting ready for the impact.

Some experts and media have dubbed the new shipping fuel rules as the "single largest oil market disruptor" set to send shockwaves through the entire supply chain in the shipping industry—from crude oil producers, to refiners, to traders, to shippers, to end-consumers of everything traded on ships.



Defying Sanctions, India Will Resume Oil Imports From Venezuela

India's Reliance is set to resume oil imports from sanctioned Venezuela, according to a Reliance representative that spoke to Reuters.

India had stopped its imports of Venezuelan oil months ago after the United States sanctioned Venezuela. Reliance feels secure in its decision to resume the imports, because it will be taking the crude oil in exchange for supplying Venezuela with fuels including diesel, a scenario that is allowed under the sanctions.

"these are actions compliant to U.S. sanctions as crude sourcing against supply of permitted products is allowed," the representative said in an email to Reuters.

Venezuela's oil industry has suffered under the weight of those sanctions that have caused inventories to build up, causing its last running blending unit, Petrosinovensa, to shut last week. Other blending units had already been shuttered earlier in the year.

Venezuela's list of crude oil buyers have shrunk in the wake of the sanctions, with Cuba, Russia, and China one of its last remaining customers, but few of those customers pay in cash for all the Venezuelan oil they receive.

Like Reliance's plan to swap its oil products for crude oil, Cuba

swaps goods and services for its oil, while China and Russia both accept crude oil from Venezuela in exchange for loans they already extended to the troubled Latin America country. Of those, Russia's Rosneft is Venezuela's largest importer, handling 66% of all of Venezuela's imports.

For India, the resumption of Venezuelan crude oil imports will come as welcome relief, after it had to stop crude oil imports from Iran due to sanctions as well.

India's Nayara Eneregy Ltd said last month that 3.5 million barrels a day of ultra-heavy crude have been taken out of the market due to the sanctions on Iran and Venezuela.

Is this the Next 170\$ Billion Energy Industry In the US?

Hydrogen is the simplest element on earth and most abundant element in the universe. It is an energy carrier as it has high energy content per unit of weight. And it has the potential to become a mainstream energy technology and a key clean fuel source in the future that could also help reduce greenhouse gas emissions. The development of hydrogen research and technology in the next few decades could make hydrogen a multi-billion industry in the United States alone, Jeffrey Rissman, Industry Program Director & Head of Modeling at climate policy think tank Energy Innovation, writes in Forbes. By 2050, the hydrogen industry could generate as much as US\$170 billion in annual revenues and make combined profits of more than US\$100 billion, if hydrogen demand as a vehicle fuel results in 5 percent hydrogen-powered vehicles on the road in 2050, and if hydrogen is made entirely from electrolysis—the process of splitting hydrogen from water using an electric current. This scenario is one of three possible pathways for hydrogen that Energy Innovation examined. This is the 'hydrogen demand plus electrolysis (HD+E)' scenario. This scenario assumes that hydrogen will be produced without greenhouse gas emissions and using electricity from renewable sources for the electrolysis. The other two scenarios are 'business as usual', in which hydrogen is not

expected to be a game-changer, and 'hydrogen demand', where hydrogen demand in cars and industry is similar to the HD+E scenario, but 95 percent of hydrogen will still be produced from natural gas. In the HD+E case, emissions could be reduced by as much as 120 million metric tons (Mt) of carbon dioxide (CO₂) equivalent annually in 2050. This would be comparable to removing 25 million passenger vehicles from U.S. roads, Energy Innovation's Rissman says.

The HD+E scenario, however, contains one bold assumption—that hydrogen will be produced entirely from electrolysis with no emissions.

At present, hydrogen is typically produced from natural gas and

coal—not exactly the cleanest alternative source of energy. That's why scientists call this type of hydrogen 'grey' hydrogen because its production is not zero emission.

According to the International Energy Agency (IEA), around 70 Mt of hydrogen are produced today in the world, 76 percent of which from natural gas and almost all the rest from coal.

In the U.S.—which produces nearly one-seventh of global supply—95 percent of the hydrogen is currently produced from natural gas. That's not only because natural gas is abundant in the U.S.—hydrogen production from natural gas is currently a lot cheaper than from electrolysis.

In terms of consumption, nearly all of the hydrogen consumed in the United States is used by industry for refining petroleum, treating metals, producing fertilizers, and processing foods. Globally, hydrogen use is

also dominated by industrial applications, with the top four single uses of hydrogen being oil refining (33 percent), ammonia production (27 percent), methanol production (11 percent) and steel production via the direct reduction of iron ore (3 percent), IEA estimates show. Global hydrogen production today is responsible for 830 Mt of CO₂ emissions annually, equal to the annual CO₂ emissions of Indonesia and the United Kingdom combined, the IEA says, noting that if hydrogen production were to become emission-free, hydrogen could really be a green technology.

That's because hydrogen, unlike other fuel sources, is used to generate power using a chemical reaction rather than combustion, producing only water and heat as byproduct.

The so-called 'green hydrogen' produced from renewable energy sources has been a promising concept but no

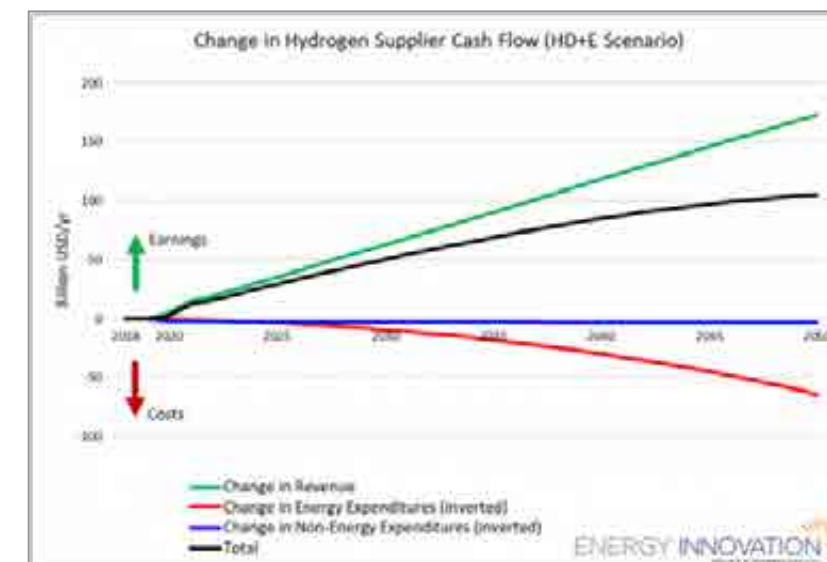
breakthrough in this field has taken place yet.

But scientists are already developing various technologies to find a cheap, environmentally friendly, and feasible way to produce hydrogen—out of thin air and sunlight. The challenge is to turn those successful small-scale experiments into a large-scale cost-effective process.

The U.S. Department of Energy is studying and supporting various ways to produce hydrogen in a cost-effective and an environmentally friendly way. The DOE believes that there is potential to study hydrogen production from electrolysis, biomass gasification, thermochemical water splitting, photoelectrochemical water splitting, photobiological processes, and microbial biomass conversion.

In view of hydrogen's potential to be a multi-billion industry of a zero-carbon energy source, Energy Innovation's Rissman calls for more research into clean hydrogen technology:

"Even as the U.S. deploys proven, emissions-reducing technologies today—including solar power, wind power, and energy efficiency—we must invest in research and development, to ensure that hydrogen technology is ready to transform the last few, difficult-to-decarbonize elements of the energy system in the coming decades."



Source: Energy Innovation Energy Policy Simulator (EPS) scenarios

China's crude oil imports from ship-to-ship transfers soared threefold between August and September to 910,000 tons, Bloomberg reports, citing ship tracking data. the source of the oil, the agency noted, was unclear.

"I think its highly likely that these ship-to-ship and Malaysian volumes are Iranian or Venezuelan crude," Bloomberg quoted Michal Meidan, the head of the China Energy Programme at the Oxford Institute for Energy Studies as saying. "But of course the whole point here is to make it hard to be sure," Meidan added. Indeed, it is no secret that Iran has taken to ship-to-ship transfers in the open sea to avoid U.S.

sanctions and continue exporting oil. China is the country's most important oil buyer, not least because of its trade spat with the United States, and has been openly insisting that it will not stop buying Iranian crude.

China has pledged \$400 billion in investments in Iran's oil, gas, energy infrastructure and transport industries over the next 25 years, seeking to secure a much needed future oil and gas supply for a country whose domestic production cannot come close to satisfying its growing needs.

Washington has not been turning a blind eye to that. At the end of last month, Washington announced sanctions on several Chinese tanker operators on allegations they had violated U.S. sanctions against Iran and had shipped Iranian crude. the move sent shipping rates soaring. Yet Iran is not China's only controversial supplier of crude. Asia's number-two economy has been financing Venezuela's government under an oil-for-cash scheme and although Venezuela has struggled to continue serving this obligation, chances are it has found a way to bring the crude to China, with ship-to-ship transfers once again a convenient way to avoid detection.

Unsurprisingly, as ship-to-ship transfers expanded, imports of U.S. oil fell in September. that was the month when China launched tariffs on U.S. crude in response to the latest round of U.S. tariffs.

Sanctioned Crude? China Ship-to-Ship Oil Imports Leap Higher In September



LNG Investments Hit Record In 2019



Investments in liquefied natural gas since the start of the year have hit an all-time high of \$50 billion, the International Energy Agency's head, Fatih Birol, told an industry conference.

"this year, 2019 already broke the highest amount of (final investment decisions) for the first time ever, \$50 billion," Birol told the LNG Producer-Consumer conference in Tokyo, as quoted by Reuters. Unsurprisingly, the driver of this growth in investments is growing demand for the fuel in Asia, with China still expected to overtake Japan as the world's top importer of LNG.

"the biggest growth is coming from China. In the next five years, about one-third of global LNG demand will come from China alone," Birol said. He added that in five years, China will become the largest importer of the fuel.

As for the growth in investments, there are no surprises there, either. the bulk of these has been made in the United States and Canada. In a December 2018 report the Energy Information Administration said it expected the United States' LNG export capacity to double by the end of this year to 8.9 billion cu ft daily. this will make the U.S. the third-largest exporter of LNG in terms of capacity after Qatar and Australia. By 2030, U.S. LNG exports are estimated to reach 17 billion cu ft daily, from some 3 billion cu ft at the start of 2019.

In Canada, there is just one LNG project under development

right now—LNG Canada—but it could have a final capacity of 28 million tons of the fuel annually. the US\$31-billion project is led by Shell, with minority participants including Petronas, PetroChina, Mitsubishi, and Kogas.

Meanwhile, Qatar is stepping up its efforts to keep its number-one spot in the global LNG export race. the country has lifted a moratorium on new drilling in its North Field—the world's largest offshore gas field Qatar shares with Iran—aiming to boost export capacity by 43 percent to 11 million tons annually.

Global LNG demand is seen at 550 million tons by 2030, according to projections by IHS Markit.

Is Bill Gates Right On Energy Investing?

Not long ago, Bill Gates offered some investment advice. that, in itself, constitutes news, but the content and the reactions make up a more interesting story.

Gates told the Financial times, in essence, that investors who want to do something about climate change should stop making up lists of companies they do not want in their portfolios based on involvement in fossil fuel production or use. they should, instead, invest in disruptive technologies that will provide actual solutions to climate change.

Environmental-social-governance (ESG) investors have pushed back on this position partly on moral grounds. But there are economic reasons as well. their withdrawal of capital, and demand that banks not finance fossil fuel projects limits the pool of capital available to fossil fuel companies, which raises their cost of capital. And their insistence that fossil fuel companies more explicitly lay out risks to shareholders sets on notice fiduciary investors, who do not want to have to explain, afterwards why they made an investment in disregard of warnings. But the actions of ESG investors are essentially negative, and possibly of limited effectiveness, given the huge

cash flows that oil companies generate. the oil companies can continue to do what they always did. And the capital market boycotts do not create solutions. Okay, easy advice for Bill Gates to give, because he and his fellow billionaires have the money and contacts to acquire interests in those disruptive technology companies before they go public. the rest of us don't. We will, as consumers, pay for the new

technologies that will make the original investors richer.

Some energy experts have said, don't worry, the big energy firms will make those investments, and they have the money to do it. In truth, some giant energy firms have looked into doing so. Royal Dutch Shell, for instance, set up a team of executives to figure out how. they immediately ran into the problem. Shell is the biggest dividend payer in the

world. It wants to maintain that dividend of \$16 billion per year. the bulk of cash flow comes from the oil and gas business. It has invested in natural gas (lower carbon content than oil or coal) in windmills, in hydrogen energy, but all this green investing, no matter the prospects, cannot generate enough cash to pay that dividend. Shell will not make the Schumpeterian move, to

dump the old business before it is too late, and go whole hog into the new. Shell cannot afford to be disruptive. Somebody else will have to do it. In that respect, Bill Gates is right. Presumably the market will (eventually) furnish the capital needed to decarbonize the economy, but, so far, venture capitalists seem more interested in disrupting the taxi, restaurant, scooters and

office space industry. they pour billions into those ventures. Meanwhile, the climate continues to warm.

We would suggest an alternative to waiting for the Silicon Valley crowd to come to our salvation. One that takes into account the need to secure public backing for the required social and economic changes. We believe that the nation needs one or several publicly sponsored energy and climate funds, similar in ways to Comsat, a government sponsored but privately financed and managed corporation that first launched our communications satellites. Anyone could buy a share in the new telecommunications technology. Why not something similar for climate change? Maybe allow payroll deductions for small investors or state-sponsored funds for local projects. Climate change mitigation efforts will succeed only if the public buys into the concept. And giving the public a chance to buy in, literally, might hasten the process.

So back to Bill Gates' advice. Great idea. And, as the old saying goes, "What is sauce for the goose is sauce for the gander." So why can't the rest of us invest along with Bill?



Petrochemicals to be included as a priority sector in the National Export Strategy of Iran

On Wednesday, September 18, the Iranian Oil, Gas and Petrochemical Products Exporters' Union hosted a meeting of representatives of firms, government, and other institutions involved in Iran's petrochemical sector. They had gathered to discuss the challenges and opportunities facing the sector and the potential to pursue growth through trade as part of the elaboration of the National Export Strategy of Iran (NES).

The NES initiative is being led by the Ministry of Industry, Mine and Trade and the Iran Trade Promotion Organization, with financial support from the European Union and technical assistance from the International Trade Centre. The NES process aims at designing a strategic detailed plan of action for improving Iran's international trade prospects over the near and long term. It includes six priority sectors—medicinal herbs, fruits and vegetables, auto parts, tourism, information and communication technology, and petrochemicals—which will each be covered by dedicated sector strategies.

Petrochemicals are a major component of global trade; the world's exports of organic chemicals totalled USD 444.6 billion in 2018. Demand is increasing, and further growth is expected to accompany rising incomes in emerging economies. At the same time, however, competition is intensifying.



China has become a major producer and the shale gas revolution is lowering production costs in the United States, for example. Producers around the world will also have to pay additional attention to the environmental impacts associated with the production, use, and disposal of petrochemical goods if the sector is to expand in a sustainable fashion in future.

The NES and petrochemical sector strategy will be designed to help Iranian exporters best navigate this complex global environment to foster growth and development at home.

Certainly, petrochemical exports are already very important to the Iranian economy. Organic chemical exports were worth USD 4.1 billion in 2018, representing 13.6% of total non-fuel exports. The importance of the sector has also been recognised by the government—including in

the Sixth National Development Plan, which targeted an increase of petrochemical production capacity to 120 million tons by 2021—and through the establishment of Special Petrochemical Zones and investment incentives under the Direct Taxation Act, Law for the Targeting of Subsidies, and Foreign Investment Promotion and Protection Act.

It is clear that there is the potential for Iran to leverage the strengths of its natural assets, strategic location, industrial capacity, and human capital to grow by supplying international markets. In particular, the sector can prosper by expanding into new markets, improving quality, and increasing domestic value added through the further development of downstream activities.

According to estimates by the International Trade Centre, billions of dollars in export potential remains untapped. Polyethylene is already a major export product, but it is estimated that an additional USD 1.0 billion could be exported by reducing trade frictions and taking advantage of growing demand in import markets. Methanol, urea, and ethanediol also have significant potential for growth. There is the potential to expand petrochemical exports to many countries, with additional export potential particularly high in China (USD 1.6 billion), India (USD 725.3 million), and Iraq (USD 169.9 million).

However, unleashing the sector's full potential through the strategy will mean dealing with the main challenges facing the sector, as identified through research on

recent trends and discussion with sector participants and experts. The sanctions imposed in June 2019 on the Persian Gulf Petrochemical Industries Company are complicating trade in the sector. The use of ad hoc arrangements with key trading partners is helping exports to continue, though a plan for managing the uncertainty generated by sanctions is needed as well.

On top of these concerns, domestic factors affecting international competitiveness will also need to be addressed. Among other issues, product concentration in low value added areas of the value chain limits the sector's potential, underinvestment affects capacities for growth and innovation, and a lack of coordination and convergence within industry's operators and inefficiencies arising from the regulatory framework.

The petrochemicals sector strategy will work on these issues through a unified plan of action outlining the concrete steps needed to enhance competitiveness by building on Iran's competitive advantages. It will likely include actions in a broad range of policy areas to work toward the sector's growth and development through enhanced exporting. These potential actions can be grouped into four main categories:

- Given the uncertain and changing external environment, proper management of trading relationships over both the short and longer term will be needed. Measures to mitigate the effects of sanctions would be likely priorities, and trade policy and

the development of new bilateral relationships could be looked at as well.

- Institutional and policy reforms aimed at enhancing the sector's competitiveness may be considered under the strategy. These actions could include the use of cluster policies and SPZs and fostering of linkages and productivity spillovers beyond these zones. Regulatory and other barriers to firm dynamism may need to be addressed, and there is the potential to enhance the capacities of institutions supporting exporting and investment attraction.

- The growth and diversification of the sector—including through greater innovation and the expansion of downstream activities—will depend on strengthened investment and improved access to finance. As such, there may be a need for targeted investment promotion activities, as well as the development of alternative financing mechanisms for marginalized firms.

- Quality and sustainability in production can be enhanced through actions on the development of standards and other areas. Actions in this area would likely include enhancing the quality management system and the creation of means of fostering investment in environmental safeguards and innovation would help to mitigate environmental impacts.

The exact scope and content of the strategy remain to be settled, however. Work on the design of the NES and petrochemicals sector strategy is ongoing in close consultation with key stakeholders that will be involved in the strategy's implementation.

Oil & Petroleum Products



سامانه جامع تمامی نیازمندی‌های صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

در دسته‌بندی‌های زیر

تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، آزمایشگاهی، ابزار دقیق، پایپینگ
خط انتقال، اتوماسیون، ماشین‌آلات، ابزار آلات
پلیمر، مواد پلیمری داخلی، مواد اولیه، مسترج، افزودنی‌ها، کاتالیزور،
گازلول، پلاستیک
محصولات پالایشگاهی: قیر، نفتا، کک نفتی، نفت و گاز، برین، سوخت جت
'، مازوت، LPG، گازوئیل، روغن و پارالین
محصولات شیمیایی: صنایع پتروشیمی، صنایع معدنی، صنایع شیمیایی،
صنایع سرامیک، مواد منفجره، گازهای نفتی، fragrances_flavors،
گازهای صنعتی
خدمات: بازرگانی، حمل و نقل، پیمانکاران، مشاوران، بسته‌بندی



(+۹۸) ۲۱ ۸۸۵۶ ۲۱۲۳
(+۹۸) ۲۱ ۸۸۵۶ ۲۱۵۶

تهران، شهرک غرب، خیابان سپهر،
گلبرگ سوم، کوچه گلرخ، پلاک ۱۱۶

